

پشت پرده ادعای نخست وزیر آلبانی مبنی بر ایجاد یک کشور مسلمان در آلبانی چیست؟

اسلام «ادی رامایی» هم رونمایی شد ۹

# فترت نامر

انجمن نجات  
استان اردبیل

فصلنامه خبری-تحلیلی  
تایستان ۱۴۰۳ شماره ۳۸

■ به بهانه سالگرد حمله رژیم بعث به ایران:  
وجوه مشترک صدام حسین و  
مسعود رجوی ۴۰

■ محور نجات از تشکیلات رجوی  
آگاهی است ۳۸

■ نقش خانواده در انحراف کودکان و  
نوجوانان:  
چرا اسیر مجاهدین شدم؟ ۳۹

■ در هجدهمین جلسه دادگاه رسیدگی  
به اتهامات سرکردگان فرقه رجوی چه  
گذشت؟

این دادگاه تجلی اراده جمهوری  
اسلامی برای مبارزه همه جانبه علیه  
تروریسم است ۱۷

خانواده‌های عضو انجمن نجات خطاب به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد

## فرقه رجوی زیر چتر حمایتی اعضای خود را شستشوی مغزی می‌دهد

گزارش دیده‌بان حقوق بشر سندی محکم درباره نقض حقوق اعضا در مقر اشرف

کارشناس مبانی اعتقادی و استاد دانشگاه  
در دادگاه تهران مطرح کرد  
رجوی در چهار مقطع  
یاران خودش را عمدا  
به کشتن داد

۱۳

وقتی قاتلان ۱۲۰۰ کارگر  
برای حادثه معدن طبس  
اشک تمساح می‌ریزند

۳۳



«رحمان» ۱۴۰۳

سرعت جاوید رحمان گزارشگر  
سابق سازمان ملل در امور حقوق بشر  
ایران برای آشکارا فروافتادن  
در آغوش فرقه رجوی همه را  
شگفت زده کرد



انجمن نجات مرکز استان اردبیل

■ شماره ۳۸ ■ تابستان ۱۴۰۳

# فرزانه

■ تارنما: [www.feraghnews.ir](http://www.feraghnews.ir) ■ پست الکترونیکی: [feraghnews@gmail.com](mailto:feraghnews@gmail.com) ■ تلگرام: [@feraghnews](https://t.me/feraghnews)

■ اینستاگرام: [@feraghnews](https://www.instagram.com/feraghnews) ■ بله: [@feraghnews](https://www.bale.com/feraghnews) ■ آپارات: [aparat.com/nejatngo](https://www.aparat.com/nejatngo)

■ فیس بوک: [facebook.com/feraghnews](https://www.facebook.com/feraghnews) ■ ایکس (توییتر): [twitter.com/feraghnews](https://twitter.com/feraghnews) ■ اینستاگرام: [Feraghnews.ir](http://Feraghnews.ir)

## تیترها

- روز جزا ۲
- بالا بردن تنش میان مسئولان و جناح‌های سیاسی مأموریت جدید آلبانی نشین‌ها ۴
- حمید آتابای، عضو نجات یافته از فرقه رجوی در آلبانی: عمر عزیز است **ارزان نفروشد** ۵
- اظهارات وقیحانه زهرا مریخی در واکنش به محاکمه در دادگاه ایران ۶
- پشت پرده ادعای نخست وزیر آلبانی مبنی بر ایجاد یک کشور مسلمان در آلبانی چیست؟ اسلام «ادی رامایی» هم رونمایی می‌شود ۹
- بدجوری هوای مادرم را کرده بودم ۱۰
- کارشناس مبانی اعتقادی و استاد دانشگاه در دادگاه تهران مطرح کرد: رجوی در **چهار مقطع** یاران خودش را عمداً به کشتن داد ۱۳
- افشاکری اعضای انجمن نجات در تیرانا: مردم آلبانی مناسبات برده‌داری نوین در کشور خود را غیرقابل قبول دانستند ۱۴
- در هجدهمین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات سرکردگان فرقه رجوی چه گذشت؟ این دادگاه تجلی اراده جمهوری اسلامی برای مبارزه همه جانبه علیه تروریسم است ۱۷
- گذری بر جنایت‌ها و شکست‌های تاریخی سازمان تروریستی مجاهدین ۲۱
- ۱۶ سال انتظار برای نجات ۲۴
- فشار واشنگتن بر آلبانی برای حمایت از فرقه رجوی ۲۵
- مسئول انجمن نجات گیلان به «مای ساتو»: دنبال حقوق بشر ضایع شده با چشمان باز باشید ۲۶
- مسعود رجوی و عجزه باید تاوان عملکرد خود را بدهند ۲۹
- فشار کشنده کودکان سابق «کمپ اشرف» روی فرقه رجوی ۳۱
- وقتی قاتلان ۱۲۰۰ کارگر برای حادثه معدن طیس اشک تمساح می‌ریزند ۳۳
- دادگاه تهران، فرصتی بی نظیر برای شناساندن جنایتکاران در مجامع جهانی ۳۳
- روایت قادر ارماکان از تجربه خروج از فرقه رجوی و شروع زندگی دوباره: باطل السحر ۳۴
- محور نجات از تشکیلات رجوی آگاهی است ۳۸
- نقش خانواده در انحراف کودکان و نوجوانان: چرا اسیر مجاهدین شدم؟ ۳۹
- به بیانه سالگرد حمله رژیم بعث به ایران: وجوه مشترک صدام حسین و مسعود رجوی ۴۰
- مسئول بنیاد هایلیان مطرح کرد: فرقه رجوی پشت نقاب حقوق بشر به فعالیت‌های مخرب خود ادامه می‌دهد ۴۱



# روز جزا

■ محمد جواد نوع پرور

مشهور سیاسی به جرم جاسوسی برای موساد، که به سرعت در فضای مجازی پخش شد، در واقع یک عملیات روانی از سوی رسانه‌های پوششی فرقه تروریستی رجوی بوده است. متأسفانه، این نوع شایعات به سرعت از سوی افرادی با گرایش‌های سیاسی مختلف بدون هیچ بررسی‌ای باز نشر می‌شود و در حقیقت، این افراد به نوعی جاده صاف‌کن فرقه رجوی تبدیل می‌شوند. با توجه به این مسائل، ضروری است که با دقت و آگاهی به منابع اطلاعاتی خود نگاه کنیم و از انتشار و باور کردن اخبار نادرست خودداری کنیم. تقویت سواد رسانه‌ای می‌تواند به ما کمک کند تا از دام‌های دشمن دوری کنیم و به جای دامن زدن به اختلافات، به اتحاد و همبستگی ملی کمک کنیم. در پایان، باید یادآوری کرد که تاریخ همیشه با حقیقت و شفافیت نوشته می‌شود و عاقبت هلاکت برای اهل نفاق، وعده‌ای الهی است که به یقین محقق خواهد شد. امروز روز جزا برای خائنین به مردم ایران فرا رسیده و ملت به خوبی می‌داند که این فرقه هیچ‌گاه نمی‌تواند با دروغ و فریب، واقعیت‌های تلخ تاریخ خود را پنهان کند.

این درخواست‌ها و انتخاب وکیل تسخیری از سوی دادگاه، به روشنی نشان‌دهنده عدم توانایی این فرقه در مواجهه با واقعیت‌های حقوقی و تاریخی است. منافقین نه تنها با اعمال تروریستی و خشونت‌آمیز خود به مردم ایران آسیب رسانده‌اند، بلکه به عنوان یک گروه تروریستی در سطح بین‌المللی نیز شناخته می‌شوند. تمام واکنش‌های فرقه رجوی به دادگاه ایران، که از سوی تیم فسیلی اشرف ۳ تنظیم می‌شود، تلاشی برای انحراف افکار عمومی از جنایات گذشته خود است. آنها به روشنی از واقعیت‌های حقوق بین‌الملل آگاه هستند و تنها به دنبال راهکارهای مقابله با احکام این دادگاه و جلب حمایت از لابی‌های غربی می‌باشند. تلاش‌های این فرقه برای فرار از عدالت، نشان‌دهنده عدم توانایی آنها در مواجهه با پیامدهای اعمالشان است. در این میان، شایعاتی نیز از سوی این فرقه مدام منتشر می‌شود که نشان‌دهنده تلاش آنها برای ایجاد تفرقه و اختلاف در میان مردم است و نباید از آن غافل شد. به عنوان مثال، اخیراً شایعه‌ای مبنی بر دستگیری پسر یکی از چهره‌های

این روزها فرقه تروریستی رجوی به شدت در تکاپو هست تا با انواع تاکتیک‌های رسانه‌ای، ترس عمیق خود از آثار دادگاه تهران را پوشانی کند.

به گزارش فراق، ۲۷ شهریور بلافاصله پس از هجدهمین جلسه دادگاه محاکمه سرکردگان این فرقه بود که، سخنگوی بی‌هویت فرقه رجوی به شدت تحت تأثیر قرار گرفت و واکنشی هیستریک و مضطرب از خود نشان داد. این رفتارها نشان‌دهنده ترس عمیق این گروه از افشای حقیقت و عواقب آن است. رجوی‌ها تلاش می‌کنند با استفاده از انواع تاکتیک‌های رسانه‌ای از جمله نگاه طنز، شدت وحشت خود را از نتایج این دادگاه کاهش دهند، و با کلیدواژه‌هایی تکراری مانند «محاکمه غیابی» از ارزش آن بکاهد. اما واقعیت این است که این پیام‌ها فقط مصرف درونی برای آنها داشته و دادگاه ایران بارها برای نشان دادن حسن نیت نظام جمهوری اسلامی حتی در مواجهه با شقی‌ترین انسان‌های روی زمین بارها از این گروه خواسته تا نماینده حقوقی خود را برای دفاع از جنایاتشان معرفی کند. عدم اعتنا به



# زندگی زیباست

■ غلامعلی میرزایی

عمرم به هدر رفت. حالا می فهمم که چرا فرقه مناسب هایی مانند تولد، سالگرد ازدواج و تولد فرزند را ممنوع کرده بود و از ذهن اعضا پاک کرده بود. چون به خوبی می دانست که همه اینها بوی زندگی می دهند و روح زندگی را در ضمیر اعضا زنده می کنند. چیزی که فرقه از آن متنفر بود.

خانواده ها اما، با پایداری و ایستادگی در مقابل ظلم فرقه و با حق طلبی و تلاش فراوان افراد زیادی را از چنگال رجوی آزاد کردند و همچنان در تلاش هستند تا دیگر افراد گرفتار را هم از بند برهانند. آری این خانواده ها بودند که منتظر ماندند تا این ایام به سر برسند و جشنی مجدد بگیرند و گذشته را به فراموشی نسپردند.

دوستان سابق که هنوز در بند این گروه هستید از شما درخواست دارم هر چه زودتر خود را از چنگال جادوگران فرقه نجات دهید و به زندگی آزاد در کنار خانواده بیاورید. خانواده هایتان منتظر شما هستند. گول حرف های مریم رجوی ضد خانواده و دیگر سران فرقه را نخورید. خانواده ها هیچ گاه شما را فراموش نکرده اند. خارج از کمپ مجاهدین همه چیز رنگ و بوی دیگری دارد، زندگی زیباست و زندگی کردن حق شماست.

حتی درخواست مکالمه تلفنی داشتند، همه و همه نقشه دشمن قلمداد می شد.

در واقع به ما القا می کردند که خانواده خود را به نظام فروخته و یا خود آنان از سرکردگان و مزدوران دشمن میباشند. لذا باید با تمام قوا در مقابل این خواسته های به حق موضع گرفته و در ساده ترین روش می بایست به خانواده بد و بیراه گفته و آنانی که از گوشت و خون مان بودند را حرام لقمه و الدنگ بنامیم. افسوس که تحت مغزشویی های مفرط فرقه، واقعاً نمی دانستیم که خانواده چشم به راه ما هستند. سران فرقه ما را مجبور به مبارزه با خانواده می کردند. حتی در تلاش بودند تا عواطف خانوادگی که گاه و بیگاه به ذهنمان هجوم می آورد را هم در ذهن سرکوب کنیم.

سالها گذشت تا توانستم خود را از زیر بار فرقه آزاد کنم و بالاخره بندهای فرقه را از ذهنم و از روحم و از جسمم باز کنم و رها شوم و به دنیای آزاد قدم بگذارم.

طی این چند سال که به کشور عزیزمان و نزد خانواده برگشتم به طور واقعی معنی آزادی را در کنار خانواده حس کردم و هر لحظه فکر میکنم تازه متولد شده ام. خیلی اوقات هم تأسف می خورم به خاطر سالهایی که ملعبه دست رهبران فرقه رجوی بودم و

خارج از مناسبات فرقه رجوی، هر روز و هر ساعت و هر لحظه زندگی برایم شیرین است. بوی پدر بودن می دهد، چیزی که سالها در فرقه حسرتش را به دل داشتم. بوی زندگی، بوی آزادی و بوی رهایی می دهد.

حالا من در کنار همسر و فرزندم روزگار شیرینی را سپری می کنیم. شاید هنوز هم شبها خسته از کار روزانه به خانه بیایم اما لبخند شیرین همسرم و شور و اشتیاق فرزندم خستگی را همان لحظه اول از جسمم پاک می کند. شاید هنوز هم صبح ها زود بیدار شوم و به سراغ کار بروم اما با اشتیاق به کاری مشغول می شوم که خودم انتخابش کردم. اشتیاق دارم چرا که درآمد صرف خوشحالی و رفاه خودم و خانواده ام می شود.

شاید تفریحات مان ساده باشد اما پر از عشق و احساس و محبت است.

در طی سالهایی که در فرقه رجوی گذراندم حرف همیشگی سران فرقه این بود که خانواده دشمن مبارزه است و ما باید با این دیدگاه به خانواده نگاه می کردیم و ذهن خود را از همسر و فرزند و پدر و مادر پاک می کردیم و اگر آنان حرکتی جهت رهایی ما انجام می دادند، فی المثل به درب اشرف در عراق می آمدند و یا از طریق مجامع بین المللی دادخواستی جهت ملاقات و یا

کارشناس امنیتی مطرح کرد

## بالا بردن تنش میان مسئولان و جناح‌های سیاسی مأموریت جدید آلبانی‌نشین‌ها



پزشکیان - از محل اسکان هنیه مطلع بوده است» و به این ترتیب می‌خواست به نوعی انگشت اتهام را به دولت پزشکیان نشانه بگیرد. این خبر هم دروغ بود، اما متأسفانه کانال‌ها و محافل رسانه‌ای جریان اصول‌گرا آن را با آب و تاب بازنشر کردند!

وی گفت: بر اساس گزارش‌های موثقی که داریم، این کانال متعلق به سازمان مجاهدین خلق (منافقین) است و توسط آنها مدیریت می‌شود و هدفش هم ایجاد اختلاف و تنش در داخل کشور است. جالب است که این کانال به نام صداوسیما جمهوری اسلامی اخبار منافقانه پخش می‌کند، اما صداوسیما که می‌داند این کانال او نیست تا کنون جز یک تکذیب ساده واکنشی نشان نداده است و این از ضعف‌های اساسی در کشور ماست.

این کارشناس امنیتی در پاسخ به این سوال که هدف منافقین از انجام چنین اقداماتی چیست؟ گفت: باید توجه داشته باشید که منافقین دو هدف را در راستای براندازی جمهوری اسلامی در نظر گرفته‌اند: ۱- اختلاف افکنی بین مسئولین جمهوری اسلامی. ۲- جمع‌آوری اطلاعات و فروش به سازمان‌های جاسوسی و اطلاعاتی دنیا.

که «چرا موشک‌های به کار رفته در این عملیات، به هدف نخورده و کسی هم از اسرائیلی‌ها کشته نشده است؛ بهتر بود تعداد بیشتری موشک شلیک می‌شد». این کانال همچنین اخیراً در آخرین اقدام خود با انتشار یک خبر کاملاً دروغین مدعی می‌شود تعدادی از نمایندگان سپاه در بوداپست مجارستان با صهیونیست‌ها ملاقات کرده و مذاکراتی داشته‌اند. جالب است که با روش یک عملیات روانی، به دروغ مصاحبه‌ای منتسب به «سردار ابراهیم جباری» منتشر کرده‌اند که در آن ادعا می‌شود مذاکرات کنندگان از طرف سپاه نبوده‌اند و دو نفر سپاهی در جلسه هم‌خودسرانه شرکت کرده‌اند و با آنها برخورد خواهد شد!

بیزه افزود: این خبر هم که تداعی می‌کند سردار سپاه تلویحاً این مذاکره و جلسه در بوداپست را تایید کرده، کاملاً کذب است. مشکل این است که خبرهای این کانال دست به دست بین خودی‌ها می‌چرخد و مردم و دلسوزان نظام را مسأله‌دار می‌کند.

این کارشناس امنیتی ادامه داد: وقتی اسماعیل هنیه شهید شد، این کانال خبری را منتشر کرد مبنی بر این که «تنها آقای حاجی میرزایی - رییس دفتر مسعود

یک کارشناس امنیتی هشدار داد: در حال حاضر مهمترین مأموریت جدید آلبانی‌نشین‌ها اختلاف افکنی بین مسئولین جمهوری اسلامی و بالا بردن تنش میان مسئولان و جناح‌های سیاسی است.

به گزارش پایگاه خبری-تحلیلی فراق، سیدعلی بیزه در گفت‌وگو با جماران ضمن تشریح فعالیت یک کانال تلگرامی به نامی منتسب به صداوسیما گفت: این کانال که ظاهراً کانالی با محتوای حزب‌اللهی است و با ظاهری دلسوزانه فعالیت می‌کند، از سال ۱۴۰۱ و همزمان درگیری‌های مربوط به فوت مرحومه مهسا امینی فعالیت خود را آغاز کرده است که اگر به مطالب آن توجه کنید، می‌بینید که محتوای تولید شده به اسم بچه‌های حزب‌اللهی و دلسوزان نظام است؛ اما در واقعیت به دنبال تشدید درگیری‌ها و ایجاد اختلاف میان نیروی انتظامی و بسیج و تشنج در میان نیروهای مردمی هستند و در این راستا در طول چند سال گذشته با ادبیات و تابلوی صداوسیما فعالیت خود را شروع کرده و به تفرقه افکنی پرداخته است.

او افزود: یکی از مواردی که منتشر کرده است مربوط به عملیات وعده صادق بوده است که در آن با ادبیات دلسوزانه گفته‌اند

حمید آتابای، عضو نجات یافته از فرقه رجوی در آلبانی

## عمر عزیز است

## نفروشید

## ارزان



«سازمان مجاهدین خلق روی آگاه‌ترین اقشار جامعه کار می‌کند تا اذهمان آنها را منحرف کند، به خصوص دانشجویان. سادگی نکنید و زندگی تان را به تباهی نکشانید.»

به گزارش فراق، حمید آتابای، عضو نجات یافته از سازمان مجاهدین خلق در آلبانی، در یادداشتی با اشاره به مکالمه میان خودش و دانشجویی از آشنایان وی در ایران، موضوعی را مطرح کرد که شاید سؤال تعداد زیادی از افرادی بوده که آشنایی زیادی با فرقه رجوی و ساز و کارهایش نداشته باشند. حمید آتابای نوشت: «اینکه چرا با وجود تمام مشکلات و سختی‌ها و نقض حقوق بشر و اختناق حاکم بر تشکیلات مجاهدین خلق که جدا شده‌ها نقل می‌کنند، زمان زیادی طول کشیده تا هر کدام از تشکیلات رجوی کناره‌گیری کنند و به دنیای آزاد قدم بگذارند، با دانشجویی از فامیلامون مشغول صحبت بودم، یک باره پرسید، می‌خواستم بدانم چرا این همه سال طول کشید تا بیایی بیرون. حین صحبت یک باره گفت برای من یک سوالی بدون جواب مانده، دو سه بار از کانال ماهواره ای سازمان مجاهدین خلق در خصوص اهداف و آینده شان شنیدم چیزی که برایم عجیبه این است اختلاف صحبت‌ها و مقالات شما با گفته‌های گوینده‌های این کانال ماهواره ای!

از او پرسیدم آیا حاضری قضاوت نکنی و فقط گوش بدی بعد نتیجه گیری کنیم؟ پاسخ داد، بله.

دوم بدهکاری، حالا برای اینکه واقعیت بیشتری را بدانی من در اتاقتی که درب را به رویت قفل کردم، نه اجازه می‌دهم اخبار جهان خارج خودت را بشنوی و نه ارتباطی، بلکه هر آنچه من می‌گویم را باید باور کنی، تو این راستا نه ارتباط خانوادگی، نه حتی یک تماس و یا حتی یک نامه.

حالا درب را برویت باز می‌کنم، آیا حاضری برگردی بازم توی همان اتاق؟ مخاطبم گفت فدات بشم به خدا هنگ کردم، به خدا غلط کردم به چزندیاتشان گوش دادم. واقعیت این است که سازمان مجاهدین خلق روی آگاه‌ترین اقشار جامعه کار می‌کند تا اذهمان آنها را منحرف کند، به خصوص دانشجویان عزیز. سادگی نکنید و زندگی تان را به تباهی نکشانید. تمام وعده‌های این سازمان سرایی بیش نیست.

تمام حرف‌های شان از تمام رسانه‌ها و کانال‌ها دروغ محض است، عمر عزیز است، ارزان نفروشید.»

به او گفتم، به نظرت ضرورتی داره من به شما دروغ بگم یا غلو کنم، اسخ داد خیر، گفتم حالا تو خودت را در یک اتاقتی تصور کن در و پیکر بسته و یک جنبه از من یا ایکس نکاتی را تکراری بشنوی .

به طور مثال اگر برگردی ایران در جا اعدامی، اگر برگردی ایران محاله حکومت بگذارد زنده بمانی هر طور شده پیدات خواهند کرد. نه خانواده می‌خواهدت نه کسی محلت می‌گذارد، نه کسی کار و زندگی می‌دهد، نه زن و فرزندی و نه حتی مدارک شخصی، هیچی نخواهی داشت و موارد دیگر. هر روز نه یک بار بلکه چندین و چند بار از نفرات مختلف می‌شنوی، طوری که دیگر رفته رفته باورت می‌شود که نه خانواده ای داری و نه اصلا از خانواده کسی به فکر توست.

در عوض تا دلت بخواهد تو سری می‌خوری و توهین و تحقیر تاجایی که واقعا باورت می‌شود که اولاً کم کاری می‌کنی،



## اندیشه کج خطرناکترین زندان است

### اظهارات وقیحانه زهرا مریخی در واکنش به محاکمه در دادگاه ایران

زهرا مریخی، جانشین مریم رجوی، در اظهاراتی بی‌شرمانه و وقیحانه به محاکمه‌های اخیر در دادگاه ایران واکنش نشان داد. به گزارش فراق، وی در جمع اعضای اشرف ۳ در آلبانی ضمن اعتراف به کشتار مردم ایران توسط مجاهدین و پذیرش آن جرایم، اظهار داشت: مجاهدین که در چهار دهه در ارتکاب آن جنایت‌ها وقفه‌ای نداشتند سعی دارند آن را ۱۰۰ برابر کنند! البته این اظهارات بیشتر جهت روحیه دادن به اعضای وامانده در مقر این فرقه تروریستی است که از آثار دادگاه تهران و اجرای حکم استرداد واهمه دارند.

### ملاقات عوامل فرقه رجوی با پلیس‌های فاسد در تیرانا

دولتمردان آلبانی هشیار باشند



مدارکی از ملاقات‌های مخفیانه عوامل سازمان تروریستی مجاهدین خلق با عناصر و پلیس‌های فاسد امنیتی در آلبانی به دست آمده که نشان می‌دهد آن‌ها دنبال ضربه زدن به جدادیده‌های این سازمان در آلبانی هستند. به گزارش فراق، اخبار رسیده حاکی از آن است که فرقه رجوی برای هر مسئول آلبانیایی فاسد تا ۵۰ هزار لک پرداخت می‌کند که نقشه‌های این سازمان را علیه نجات یافته‌ها و جدادیده‌ها عملی کند. این اقدامات نشان‌دهنده تلاش مجدد مجاهدین خلق برای نفوذ در بخش فاسد دولت آلبانی است که ضروریست دولتمردان این کشور این نشستی‌ها را شناسایی و هرچه سریعتر جلوی آن را بگیرند. این خبر به‌عنوان یک هشدار به تمامی مسئولان آلبانی و به‌منظور آگاهی از نقشه‌های شوم مجاهدین خلق منتشر می‌شود.

است بی‌پایان و راهی است پُر خطر؛ که عرفاء این راه را شجاعانه رفته‌اند و به مقاماتی رسیده‌اند که قابل توصیف و بیان نیست. حال را از دست نده. به بهانه منتظر بودن فردا، حال را از دست نده. جناب مولوی می‌فرماید:

هین مگو فردا که فرداها گذشت

تا بکلی نگذرد ایام کشت

شخصی آمد پیش پیامبر و شترش را ول کرد. پیامبر فرمود که شترت کو؟ گفت به خدا سپردم!

پیامبر فرمود: اعقل البعیر ثم توکل؛ اول شتر را ببند بعد توکل کن.

بعضی‌ها فکر می‌کنند توکل یعنی بی‌محابا کار کردن. عقلانیت را به کار ببر و تا آنجا که می‌توانی اندیشه‌ات را فعال کن، توکل هم بکن. نه اینکه بی‌فکر و بی‌حساب کار کن.

خطرناکترین زندان، زندان اندیشه کج است. از زندان‌هایی که هست، امید نجات هست اما وقتی در یک اندیشه کج زندانی شدی و روی آن عناد هم داشته باشی، چه کسی می‌تواند نجات دهد؟

وقتی در یک اندیشه کج زندانی شدی، دیگر گوش هم نمی‌دهی! چه راه نجاتی هست؟ هر آدمی که دچار اندیشه کج است و از این اندیشه هم بیرون نمی‌خواهد بیاید، دچار انانیت است. انا یعنی منم و هیچ چیز دیگری نیست. در حقیقت را به روی خود بسته است. اگر بشکند (در زندان انانیت را) که فقط هم خودش می‌تواند بشکند و افق را باز کرد، حقایق وارد می‌شود؛ نسیم (حقیقت) می‌وزد.

فیلسوف و اندیشمند ایرانی خطرناکترین زندان را زندان اندیشه کج عنوان می‌کند و می‌گوید هر آدمی که دچار اندیشه کج است و از این اندیشه هم بیرون نمی‌خواهد بیاید، دچار انانیت است.

به گزارش فراق، پرفسور غلام‌حسین ابراهیمی دینانی در بخشی از سلسله گفت و گوهای تخصصی خود که در رسانه‌ها منتشر می‌شود به موضوع بسیار جالبی اشاره داشته که از مصادیق آن می‌توان به اسیران ذهنی فرقه رجوی اشاره کرد.

به همین بهانه درس مهم اخلاقی این استاد اندیشمند را به مخاطبان گرانقدر فراق تقدیم کرده و آرزو می‌کنیم تمام افرادی که در اسارتگاه‌های ذهنی «اشرف ۳» به این محتوا دسترسی دارند با این تلنگر استاد از راه غفلت بازگشته و نجات یابند.

در سخنان استاد دینانی آمده است:

اگر کسی آنچه‌ان که می‌اندیشد، زندگی نکند ناچار آنچه‌ان که زندگی می‌کند، خواهد اندیشید. وقتی انسان متولد می‌شود، شما نمی‌توانی بگویی که چه کسی خواهد شد. حتی نمی‌توانی بگویی که آیا مؤمن است یا کافر. مقام (معنوی‌اش) در چه در حدی است. زیرا تا آخرین نفس که یک لحظه به مرگش باقی مانده، ممکن است صد و هشتاد درجه عوض بشود.

یعنی انسان «حدّ یقف» ندارد. انسان، پایان ندارد و به جایی نمی‌رسد که بگویی بعد از این راهی نیست و این پایان است. (تأیید کننده این سخن عرفا هستند که) عرفا این راه را رفته‌اند و با سلوک به این رسیده‌اند که این راه را پایانی نیست. راهی

خانواده‌های عضو انجمن نجات خطاب به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد

# فرقه رجوی زیر چتر حمایتی اعضای خود را شستشوی مغزی می‌دهد

گزارش دیده‌بان حقوق بشر سندی محکم درباره نقض حقوق اعضا در فرقه رجوی



است. دولت آلبانی نیز با وجود محدودیت‌های ظاهری برای مجاهدین در همکاری با سران این سازمان به تشدید وضعیت و فشار بر اعضای سازمان باری می‌رساند. این دولت نه تنها امکان برقراری ارتباط میان اعضا و خانواده‌های چشم انتظار و نگران را بسیار محدود کرده است بلکه از ورود خانواده‌های اعضا به خاک خود نیز ممانعت به عمل می‌آورد. با نهایت تاسف باید گفت دولت آلبانی ارزش‌های همچون عدالت و حقوق بشر را فدای کسب منافع سیاسی و کمک‌های مالی نموده است. در چنین شرایطی وضعیت بسیار ناگواری برای اعضای مخالف و جدایی طلب سازمان بوجود آمده است. برخی از این اعضا پس از جدایی در همدستی دولت آلبانی، سران سازمان و در فقدان نظارت موثر و کارآمد بین‌المللی، با انواع تهدیدها و مشکلات امنیتی مواجه می‌شوند. از نظر حقوقی این افراد جداشده «بی وطن» یا فاقد تابعیت محسوب گردیده و نهادهای بین‌المللی نیز هیچ کمک موثری در

عالی می‌رساند، سران سازمان موسوم به مجاهدین خلق با نقض گسترده حقوق بشر در مناسبات خود، ساهاست اعضا را از یک دیدار معمولی با خانواده منع کرده اند و هم اکنون با گزارش‌های دروغ سعی در فریب شما دارند. این سازمان خطرناک تروریستی در بیانیه‌ای جعلی خطاب به شما، اسامی ۳۱ نفر را به دروغ ۳۱۳ نفر نوشته تا با استفاده از تاکتیک‌های دروغ بزرگ و انتساب آن به اشخاص مشهور سیاسی، نهادهای حقوق بشری را از توجه به حقیقت ماجرا غافل کند. متأسفانه در سال‌های اخیر پس از انتقال اعضای سازمان به آلبانی مصایب و مشکلات اعضا و خانواده‌های آنان صدچندان گردیده است. اعضا گریزی جز تبعیت محض از دستورات رهبران سازمان ندارند و بسیاری از حقوق انسانی ایشان در کمپ سازمان نادیده انگاشته می‌شود. کوچکترین مسائل و موضوعات مربوط به زندگی شخصی آن‌ها کنترل گردیده و امکان برقراری هرگونه ارتباطی با خانواده‌ها از ایشان سلب گردیده

جمعی از خانواده‌های عضو انجمن نجات با انتشار شکوائیه‌ای به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد (United Nations Human Rights Council)، از مقام عالی این نهاد خواستند تا شرايطی را فراهم آورد که آن‌ها با نظارت نهادهای بین‌المللی و بدون دخالت سران مجاهدین، با عزیزانشان دیدار کنند.

به گزارش فراق به نقل از انجمن نجات مرکز استان اردبیل در نامه این خانواده‌ها ضمن اشاره به جعلی بودن بیانیه اخیر مجاهدین و امضا کنندگان آن با عنوان «بیانیه گزارشگران ملل متحد، کارشناسان، حقوقدانان و شخصیت‌های بین‌المللی»، خطاب به «فولکر تورک»، کمیسر شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد آمده است:

جناب آقای فولکر تورک  
کمیسر محترم شورای حقوق بشر سازمان  
ملل متحد  
ضمن عرض احترام به استحضار آن مقام





نهاد جامعه نیز در این گروه جنایتکار به عنوان دشمن اصلی به اعضا معرفی شده تا هیچ عنصر معنوی نتواند در مقابل عقاید التقاطی آنها مانعی ایجاد نماید.

شما باید بدانید این گروه خطرناک که به ترور ۱۷۰۰۰ شهروند ایرانی اعتراف آشکار دارد، اعضای خود را زیر چتر حمایتی دولت آلبانی شستشوی مغزی می دهد و ما خواستار این هستیم مقامات آلبانی به جهت حمایت های خود از این گروه تروریستی در مقابل آن نهاد حقوق بشری پاسخگو باشند.

در نهایت با توجه به موارد عنوان شده اعلام می دارد که خانواده های اعضای گرفتار در این گروه که از عزیزان آن ها به مانند ربات برنامه ریزی شده، بهره کشی می شود به شدت نگران وضعیت سلامتی عزیزان خود هستند. لذا از آن مقام عالی و محترم خواهشمند است شرایطی را فراهم آورید تا خانواده های این اعضا با نظارت نهادهای بین المللی و بدون دخالت سران مجاهدین دیدار و یا حداقل یک تماسی آزادانه با عزیزان خود داشته باشند.

این خواسته جزو اولیه ترین حقوق یک بشر است که امیدواریم توسط آن مقام اجرایی شده و نام جنابعالی در تاریخ به جهت تلاش ستودنی در مقابل این ظلم، ماندگار گردد. منتظر پاسخ شما هستیم.

”

سران سازمان موسوم به مجاهدین خلق با نقض گسترده حقوق بشر در مناسبات خود، سالهاست اعضا را از یک دیدار معمولی با خانواده منع کرده اند و هم اکنون با گزارش های دروغ سعی در فریب شما دارند

این سازمان خطرناک تروریستی در بیانیه ای جعلی خطاب به شما، اسامی ۳۱ نفر را به دروغ ۳۱۳ نفر نوشته تا با استفاده از تاکتیک های دروغ بزرگ و انتساب آن به اشخاص مشهور سیاسی، نهادهای حقوق بشری را از توجه به حقیقت ماجرا غافل کند

اعضا گریزی جز تبعیت محض از دستورات رهبران سازمان ندارند و بسیاری از حقوق انسانی ایشان در کمپ سازمان نادیده انگاشته می شود

دیدبان حقوق بشر، بدرفتاری و ظلم های صورت گرفته توسط سازمان مجاهدین از زندان و شکنجه تا حبس های انفرادی طولیل مدت، ایراد آسیب های شدید جسمی و شکنجه نسبت به اعضای مخالف یا خواهان ترک سازمان را مورد تایید قرار دادند.

سران مجاهدین خلق به اعضای خود خیانت، خشونت و ترور را آموزش داده اند تا بتوانند با ایدئولوژی غیرعقلایی و عقاید افراطی، خود را از بی هویتی و سرخوردگی نجات دهند. متأسفانه خانواده، بنیادی ترین

بهبود وضعیت ایشان انجام نداده و این افراد در چنان شرایطی به حال خود رها می شوند. در سالهای اخیر به کرات شاهد مواردی از این دست بوده ایم. یکی از مهمترین اسناد مؤید نقض حقوق بشر و ظلم های ناروا به اعضای خواهان جدایی یا جدا شده از مجاهدین در سال های نه چندان دور، گزارش سال ۲۰۰۵ دیده بان حقوق بشر است که جای کمترین تردیدی درباره نقض حقوق اعضا در رویه سازمان مجاهدین را باقی نگذاشته است. کلیه اعضای مورد مصاحبه در گزارش

پشت پرده ادعای نخست وزیر آلبانی مبنی بر ایجاد یک کشور مسلمان در آلبانی چیست؟

# اسلام «ادی رامایی» هم رونمایی شد

■ محمدجواد نوع پرور



آلبانی یک منطقه مسکونی در شرق تیراناست. اما بر اساس افشاگری‌های فعالان مدنی و سیاسی در پشت پرده ادعای نخست وزیر آلبانی، قصد وی برای تصرف قطعات بزرگ زمین از شهروندان تیرانا که در اطراف صومعه بکتاشی در تیرانا زندگی می‌کنند، نهفته است. فعالان مدنی آلبانیایی می‌گویند، در این محل هدایی به بابا موندی و مافیای مرتبط با نخست وزیر آلبانی، منطقه جدیدی از آپارتمان‌های لوکس در تیرانا خواهند ساخت که به افراد فروخته خواهد شد. آن‌ها می‌گویند کل این منطقه به عنوان نوعی واتیکان بکتاشی به تصویر کشیده خواهد شد که به ادی رامای اجازه می‌دهد تا سرقت عظیم زمین خود را به عنوان پروژه ای برای ایجاد یک اسلام صهیونیستی پنهان کند. در سال ۲۰۱۷ هم، ادی رامای به فرقه

وی پس از مرگ بابا رشات بردی در سال ۲۰۱۱ توسط آمریکایی‌ها کنترل جامعه بکتاشی را به دست گرفت. از سال ۲۰۱۸ هم، رژیم صهیونیستی و مریم رجوی، جامعه بکتاشی را مجبور کردند که بر طبل قطع روابط تاریخی آلبانی با ایران بکوبد و باباموندی از آن زمان به یک مرد آری‌گو برای آمریکا و صهیونیست‌ها تبدیل شد. در طول سال‌های گذشته، باباموندی هر دروغی که فرقه رجوی و آمریکا علیه ایران به او داده اند را تکرار کرده است.

بابا موندی اولین روحانی به اصطلاح مسلمانی بود که در زمان آغاز نسل‌کشی رژیم غاصب در غزه، از اسحاق هرتزوغ، رئیس‌جمهور این رژیم پذیرایی کرد. بر اساس اظهارات ادی رامای در مصاحبه با نیویورک تایمز، قلمرو پیشنهادی برای دولت جدید اسلامی در

نخست وزیر آلبانی، اعلام کرد که دولت او در حال برنامه ریزی برای ایجاد یک «دولت اسلامی سهل» در تیرانا، پایتخت آلبانی است.

به گزارش فرات، ادی رامای، در مصاحبه‌ای با نیویورک تایمز گفته که می‌خواهد به اعضای بکتاشی، یک فرقه صوفی شیعه، محلی محصور به سبک واتیکان بدهد تا راهی برای ترویج تساهل مذهبی به زعم او باشد.

در اسلام مد نظر «ادی رامای» قرار است مشروبات الکلی آزاد باشد و به زنان اجازه دهد آنچه و هر آن‌گونه که می‌خواهند بپوشند! و هیچ قانون سبک زندگی را تحمیل نکند.

رهبر کنونی فرقه «بکتاشیان»، بابا موندی (ادموند براهیماج)، ۶۵ ساله، افسر سابق ارتش آلبانی است که با عنوان دده بابا، شناخته می‌شود.



## بدجوری هوای مادرم را کرده بودم



«علی بیگلری» عضو جدانشده فرقه رجوی، در خاطراتش از روزی می‌گوید که برای دیدن کنسرت مرضیه، به همراه چند تن از دوستانش به خارج از قرارگاه اشرف پای می‌گذارد. او حال و هوای آن روز را این‌گونه در کتاب "تلخی‌رهایی" خود توصیف می‌کند: «روزی را که برای اجرای کنسرت «مرضیه» به شهر بابل عراق رفتیم هرگز فراموش نمی‌کنم. من و محمد رجبی با چند نفر دیگر از دوستان از اینکه بعد از مدتها به فضای آزاد و بدون مناسبات پا گذاشته بودیم سر از پا نمی‌شناختیم. پس از سال‌ها تحمل فضای ملالت‌بار و خسته‌کننده سازمان، مردم کوچه و بازار را می‌دیدیم. راستش را بخواهید از دیدن آزادی دختران و پسران شهر، آه از نهادمان بلند می‌شد که تا کی باید در این بند گرفتار باشیم؟ آیا روزی می‌رسد که ما هم مثل این مردم آزادانه به زندگیمان سر و سامان دهیم؟ آن روز با آنکه برای دیدن کنسرت رفته بودیم؛ اما هدفمان هواخوری در فضای آزاد و توجه به زندگی و فرهنگ مردم و توجه به آزادی‌هایی بود که آنها در زندگی عادی‌شان داشتند. من و دوستانم اصلاً توجهی به کنسرت نداشتیم. این برنامه‌ها برایم بی‌معنا شده بود. حاضر بودم برای رسیدن به آزادی هر بهایی بپردازم. قبلاً دلم می‌خواست با خانم‌ها حرف بزنم یا با کسی ازدواج کنم؛ اما الان نه. هیچ چیزی دلم نمی‌خواست. دلم بدجوری هوای مادرم را کرده بود. قصه‌های مادر بزرگ و دست‌های پینه‌بسته‌اش را می‌خواستم. وای که چقدر دلم برای وطن تنگ شده بود.»

ماده ۲۰۸: «تسلیم شدن در یا قسمتی از خاک به دولت یا قدرت خارجی به قصد تزییع تمامیت کشور از پانزده سال حداقل یا حبس ابد محکومیت دارد.» بکتاشیان نزدیک به یک قرن پیش، پس از مصطفی کمال آتاتورک، پدر بنیان‌گذار جمهوری ترکیه، با ترکیب تفسیر آزاد قرآن با عرفان، ادیان پیش از اسلام و ارادت به حکمای متوفی خود، معروف به درویش، مقرر خود را از ترکیه به تیرانا منتقل کردند.

به نظر می‌رسد دولت بکتاشیان به عنوان «دومین مجاهدین» در آلبانی خواهند بود که تحت امر آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها علیه اسلام راستین استفاده خواهند شد.

تروریستی رجوی اجازه داد تا دولت خود را در آلبانی ایجاد کند؛ «مقرر اشرف ۳» جایی که مریم رجوی یک دولت مستقل تروریستی در داخل آلبانی را اداره می‌کند. مقرر فرقه رجوی در این کشور اکنون به پایگاه اصلی موساد علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده که در داخل آن آموزش‌های تروریستی به منظور حمله مستقیم به ایران به اعضا داده می‌شود. نکته مهم این است که تصمیم اخیر ادی راما از نظر قوانین آلبانی هم به عنوان یک تهدید امنیت ملی و خیانت تلقی می‌شود. قانون مجازات آلبانی برای ایجاد سایر ایالت‌ها در داخل کشور، مقررات زیر را دارد:



بررسی شیوه‌های مغزشویی در فرقه رجوی از نگاه فقهی

## دخالت در حالات نفسانی افراد با سوءاستفاده از دین

مهرداد تقی پور - کارشناس ارشد حقوق  
انجمن نجات مرکز تهران



او از این گناهان توبه کنید که خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است.

تفسیر: به نقل از المیزان: «... در ادامه اهل ایمان را از تجسس و تفحص در امور پنهانی مردم بازمی دارد، یعنی می خواهد بفرماید، ای اهل ایمان عیوب مسلمانان را پی جویی و تفحص نکنید و اموری را که صاحب مایل است مخفی بماند، فاش نسازید...»

به نقل از تفسیر نمونه: در این آیه نیز در زمینه مسائل اخلاقی اجتماعی سه حکم اسلامی به ترتیب: اجتناب از گمان بد، تجسس و غیبت، بیان شده است.

اسلام در جرایم جنسی حساسیت ویژه ای نشان داده و هرگونه تحقیق و تفحص در امور پنهانی و جرایم منافی عفت را ممنوع می داند. به طور کلی تجسس کردن در عیوب پنهانی مردم مورد نهی واقع شده است. (نصیری، ۱۳۸۹، ص ۵)

۲- احادیث مربوط به آیه ۱۲ سوره حجرات:

۱-۲ - الرَّسُول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) - يَا

باطل و عمل بدون رضا غیر نافذ دانسته می شود. اعضای فرقه رجوی در نشست غسل، باید سنجه ها و خطوراتی که در لایه های اولیه ذهن در مسائل جنسی شکل گرفته است را در جمع بیان نمایند. سنجه ها و خطوراتی که مصداق عملی نیافته و به بیان فقهی و حقوقی، به مرحله قصد و رضا نرسیده و موجب عمل معینی نشده اند. این رفتار در متون فقهی و حقوقی به شدت منع شده است که به بررسی آن می پردازیم.

۱- آیه ۱۲ سوره حجرات:

معنی: ای کسانی که ایمان آورده اید، از گمان های بد درباره دیگران - که بسیار هم هست - بپرهیزید و به آنها ترتیب اثر ندهید، چرا که پاره ای از گمان ها گناه است، و درصدد کشف عیوب مردم برنیایید، و یکدیگر را غیبت نکنید که غیبت مؤمن بسان این است که کسی گوشت مرده برادر خود را بخورد؛ آیا یکی از شما دوست دارد گوشت برادرش را که مرده است بخورد؟ شما قطعاً از این کار کراهت دارید؛ پس غیبت را نیز ناخوشایند بدانید و از خدا بترسید و به درگاه

به روایت جداشده های فرقه رجوی، رجوی با سوء استفاده از اسلام و مذهب شیعه، برگزاری نشست های غسل را موجه و مستند جلوه داده در حالی که به گواهی اسناد معتبر فقهی، دخالت در حالات نفسانی مخفی و درونی مؤمنین غیراخلاقی و حتی به نوعی موجب اشاعه فحشا تلقی گردیده است. به گزارش فراق، نشست های غسل یکی از ابزارهای مغزشویی فرقه رجوی است که از سال ۶۴ و بعد از آن متناوباً و به اشکال مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. به بیانی صریح، اعضای فرقه رجوی در نشست غسل، باید آنان احساسی فردی خود در موضوعات جنسی را بیان نمایند. این موضوعات که عموم مردم و در عرف حاضر به موضوعات منافی عفت شناخته می شوند، شامل: زنا، مساحقه، لواط و تفخیز و مسائل دائر مدار آنها است. برای وقوع یک رفتار مادی یا حقوقی در فقه و حقوق، ایجاد و تشکیل اراده باطنی امری ضروری است. شکل گیری اراده با گذر از چهار مرحله خطور، سنجش، قصد و رضا محقق می گردد. عمل بدون قصد

وَاللّٰهُ يَحْكُمُ عَلٰى مَا غَابَ عَنْكَ. فَاسْتُرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ. يَسْتُرِ اللّٰهُ مِنْكَ مَا تُحِبُّ سِتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ.

... زیرا در مردم عیوبی هست که والی در پوشاندن آن عیوب از همه کس سزاوارتر است، پس در رابطه با عیوبی که از مردم بر تو پنهان است کنجکاو می‌کنی، چراکه فقط در آنچه از عیوب مردم نزد تو معلوم است وظیفه اصلاح داری، و نسبت به آنچه از عیوب رعیت بر تو پنهان است خداوند داوری می‌کند. پس تا می‌توانی عیوب مردم را بپوشانی، تا خداوند عیوب تو را که علاقه داری از مردم پوشیده بماند پرده پوشی کند.



■ نشست های غسل یکی از ابزارهای مغز شویی فرقه رجوی است که از سال ۶۴ و بعد از آن متناوباً و به اشکال مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. به بیانی صریح، اعضای فرقه رجوی در نشست غسل، باید آنان احساسی فردی خود در موضوعات جنسی را بیان نمایند. این موضوعات عموم مردم و در عرف حاضر به موضوعات منافی عفت شناخته می‌شوند، شامل: زنا، مساحقه، لواط و تفخیز و مسائل دائر مدار آنها است

نتیجه گیری:  
آنچه فوقاً به آن اشاره شد، دیدگاه قرآن کریم و سیره پیامبر (صلی الله علیه و سلم) و معصومین (علیه السلام) است که در اسناد مربوط نقل شده است. به روایت جدا شده‌های فرقه رجوی، رجوی با سوء استفاده از اسلام و مذهب شیعه، برگزاری نشستهای غسل را موجه و مستند جلوه داده است. در حالی که به گواهی اسناد معتبر فقهی دخالت در حالات نفسانی مخفی و درونی مؤمنین غیراخلاقی و حتی به نوعی موجب اشاعه فحشا تلقی گردیده است. این رفتار رجوی را نوعی بدعت گذاری نیز می‌توان قلمداد نمود.

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- نصیری، غلامعلی، و همکاران، ۱۳۸۹، تبیین نحوه تحقیق جرایم منافی عفت در فقه و حقوق کیفری ایران، مطالعات فقهی و فلسفی، دوره ۱۰، شماره ۳۹

با دیگری دارای پیوند برادری باشد اما همواره در جستجوی اشتباهات او بر آید تا روزی از آن‌ها علیه او استفاده کند و او را رسوا کند، چنین فردی از خداوند بیشترین فاصله را گرفته است. تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۴، ص ۵۴۸- منیة المرید، ص ۳۳۱/ البرهان. سایت [alvahy.com](http://alvahy.com)

۲-۴- الصادقین (علیها السلام) - قَالَ أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى الْكُفْرِ أَنْ يُوَاحِيَ الرَّجُلَ عَلَى الدِّينِ فَيُحْصِيَ عَلَيْهِ عَثْرَاتِهِ وَ زَلَّاتِهِ لِيُعْجِفَهُ بِهَا يَوْمًا مَا.

امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) - هرگاه فردی با فرد دیگری دارای پیوند برادری دینی باشد، اما همواره در جستجوی اشتباهات و خطاهای او بر آید تا روزی او را رسوا کند، در نزدیک‌ترین حالت به کفر قرار دارد. تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۴، ص ۵۴۸- الکافی، ج ۲، ص ۳۵۴/ البرهان. سایت [alvahy.com](http://alvahy.com)

۲-۵- ابن عباس (رحمه الله علیه) - وَ لَأ تَجَسَّسُوا؛ تَجَسَّسُوا أَى لَأ تَتَّبِعُوا عَثْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ. ابن عباس (رحمه الله علیه) - وَ لَأ تَجَسَّسُوا؛ یعنی در لغزشهای مؤمنان کند و کاو نکنید. تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۴، ص ۵۴۸- بحرانعرفان، ج ۱۵، ص ۹۵. سایت [alvahy.com](http://alvahy.com)

۳- نامه ۵۳ نهج البلاغه (نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر):  
... فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا أَلْوَالِي أَحَقَّ مَنْ سَتَرَهَا، فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا، فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ،

مَعَشَرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَ لَمْ يُسَلِّمْ بِقَلْبِهِ لَأ تَتَّبِعُوا عَثْرَاتِ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَثْرَاتِ الْمُسْلِمِينَ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ وَ مَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ يَفْضَحْهُ.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) - ای کسانی که به زبان، اسلام آورده‌اید و با دل‌هایتان اسلام نیاورده‌اید! لغزشهای مسلمانان را پیگیری نکنید، چراکه هر کس لغزش‌های مسلمانان را پیگیری کند خدا لغزش‌هایش را پیگیری کند و هر کس که خدا لغزش‌هایش را پیگیری کند رسوایش نماید. تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۴، ص ۵۴۸ - الکافی، ج ۲، ص ۳۵۵. سایت [alvahy.com](http://alvahy.com)

۲-۲- الرسول (صلی الله علیه و آله) - لَأ تَدْمُوا الْمُسْلِمِينَ وَ لَأ تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِهِمْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَ مَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ وَ لَوْ فِي بَيْتِهِ.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) - مسلمانان را نکوهش نکنید و در پی عیب‌جویی از آن‌ها نباشید. هر کس از برادران دینی‌اش عیب‌جویی کند، خداوند در پی یافتن عیب‌هایش بر خواهد آمد. هر کس خداوند با او چنین کند، حتی اگر در خانه‌اش باشد، او را رسوا خواهد کرد. تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۴، ص ۵۴۸ - وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۷۵/ البرهان. سایت [alvahy.com](http://alvahy.com)

۲-۳- الصادق (علیه السلام) - أُعِدُّ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلَ يُوَاحِيَ الرَّجُلَ وَ هُوَ يَحْفَظُ زَلَّاتِهِ لِيُعْجِفَهُ بِهَا يَوْمًا مَا. امام صادق (علیه السلام) - هرگاه شخصی

کارشناس مبانی اعتقادی و استاد دانشگاه در دادگاه تهران مطرح کرد

## رجوی در چهار مقطع یاران خودش را عامداً به کشتن داد



کارشناس مبانی اعتقادی گفت: مسعود رجوی در چهار مقطع تاریخی نیروها، یاران و دوستان خود را به کشتن داد؛ مقطع اول قبل از انقلاب و در ماجرای همکاری مسعود رجوی با ساواک و لو دادن اعضای ارشد مجاهدین خلق از جمله در راس آنها محمد حنیف نژاد بود که همگی اعدام شدند. مقطع دوم اینکه به مهدی ابریشمچی به عنوان مسئول مراقبت از خانه تیمی سران مجاهدین خلق در تهران دستور داد طوری رفتار کند که نیروهای امنیتی به آن خانه مشکوک شوند و آنها را بکشند تا رقیبی نداشته باشد؛ در آن خانه همسرش اشرف ربیعی و موسی خیابانی حضور داشتند و موسی خیابانی به عنوان راس مجاهدین خلق رقیب جدی برای مسعود رجوی بوده است.

وی ادامه داد: مقطع سوم به مسلخ فرستادن نیروهای کاملاً مبتدی در ماجرای عملیات مرصاد که از سوی مجاهدین فروغ جاویدان نامیده می‌شود، بوده است و طبق تصاویری که پخش شده اعضا اعلام کردند ما برای این عملیات فقط ۱۰ دقیقه آموزش نظامی دیده‌ایم. چه کسی نیرویی که ۱۰ دقیقه آموزش نظامی دیده است را به جنگ تمام عیار می‌فرستد این کشتن عالمانه و عامدانه است. مقطع چهارم ماجرای دستور به باقی ماندن بر سر مواضع خود در زندان‌ها بود؛ با علم به اینکه اگر آنها به این شکل مقاومت کنند و بر سر مواضع خود بمانند قطعاً اعدام می‌شوند.

حجت‌الاسلام والمسلمین صداقت اظهار کرد: مجموع رفتارهای مسعود رجوی نشان می‌دهد که مرده یارانش از زنده بودن آنها برای او ارزشمندتر است. کشته شدن یارانش تا زنده بودن آنها برای او ارزش تبلیغاتی بیشتری داشته است. اتفاقاً زنده ماندن بسیاری از آنها به نوعی برای او دردسر بیشتری داشته است، چون بعداً این افراد به عنوان قهرمان تجلیل می‌شدند و یکی از رقبای رجوی برای استمرار فرماندهی او می‌شدند.

مواضع خود بمانید و هرگز اعلام پشتیبانی نکنید.» وی ادامه داد: مسعود رجوی گفت هر کسی که توسط این هیئت عفو شود خائن است؛ در جلسه گذشته دادگاه شهودی داشتیم که به رای العین دیده بودند و به گوش خود شنیده بودند که رجوی افرادی که مورد عفو جمهوری اسلامی قرار گرفته بودند خائن خوانده بود. در زندان دیزل آباد کرمانشاه، زندان همدان، زندان چوبیندر قزوین و در زندان اوین تهران فرمان شورش صادر شده بود و اتفاقاتی رخ داد.

حجت‌الاسلام والمسلمین صداقت با بیان این سوال که مسعود رجوی فارغ التحصیل رشته حقوق بود و از همه بیشتر آگاهی و تسلط داشت که این اقدامات جزایی جز اعدام ندارد برای چه او عالماً و عامداً نیروهای خود را به کشتن داد و راه پس و پیش برای آنها نگذاشته بود، گفت: اگر اعضای این گروه در مقابل هیئت‌های عفو قرار می‌گرفتند و اظهار پشتیبانی می‌کردند به عنوان خائن با آنها برخورد می‌کرد و اگر اعلام پشتیبانی نمی‌کردند به عنوان باغی باید اعدام می‌شدند. در طول تاریخ چه کسی با نیروهای خود این کار را کرده است. در طول تاریخ فرماندهی وجود ندارد که نیروهای خود را به دفعات مختلف به کشتن دهد.

کارشناس مبانی اعتقادی و استاد دانشگاه گفت: مجموع رفتارهای مسعود رجوی نشان می‌دهد که مرده یارانش از زنده بودن آنها برای او ارزشمندتر است. کشته شدن یارانش برای او ارزش تبلیغاتی بیشتری داشته است. به گزارش فراق، حجت‌الاسلام والمسلمین علی صداقت، کارشناس مبانی اعتقادی و استاد دانشگاه در هفدهمین جلسه دادگاه رسیدگی به جنایت‌های سرکردگان فرقه رجوی با اجازه قاضی در جایگاه قرار گرفت و گفت: در ماجرای عملیات مرصاد از لحاظ فقهی و قانونی شکی باقی نماند که این گروه باغی هستند و تمام عناوینی که برای باغی باید منطبق شود نسبت به این گروه در ماجرای عملیات مرصاد منطبق شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین صداقت اظهار کرد: با توجه به اینکه قطعاً و یقیناً حکم این گروه به عنوان باغی اعدام بود، امام (ره) هیئت‌های عفو و تخفیف مجازات را تشکیل دادند و این هیئت‌ها فعال شدند. چه کسی به غیر از مسعود رجوی بود که از طریق تشکیلات مجاهدین خلق در زندان‌ها به اعضای خود پیام داد که باید بر سر مواضع خود بمانند. در تاریخ شهود متعدد شهادت می‌دهند که مسعود رجوی دستور داد «شما در مقابل این هیئت‌های عفو باید بر سر

افشاگری اعضای انجمن نجات در تیرانا

## مردم آلبانی مناسبات برده‌داری نوین در کشور خود را غیرقابل قبول دانستند



آلبانی برای پایان دادن به این وضعیت اسفبار شدند. برخی از آنان اعلام کردند که از طریق نمایندگان خود در مجلس و شورای شهر اقداماتی برای خاتمه دادن به این شرایط انجام خواهند داد.

یکی از مادران، در حین دریافت بروشور و پس از شنیدن توضیحات درباره وضعیت مادران و خانواده‌هایی که سال‌هاست از ارتباط با فرزندان خود محروم هستند، اشک در چشمانش حلقه زد و به شدت خشمگین، اعمال سازمان مجاهدین خلق را به‌ویژه در رابطه با اعضای خود و خانواده‌های آنان، ضد بشری خواند. مردم از اعضای انجمن نجات آلبانی خواستند تا تلاش‌های خود را برای تغییر شرایط دوستان گرفتارشان در مقرر مانز ادامه دهند و به هر نحو ممکن افکار عمومی آلبانی را نسبت به این موضوع آگاه سازند و ماهیت واقعی سران مجاهدین خلق را برای همگان روشن کنند.

مردم آلبانی مناسبات برده‌داری نوین در مقرر مجاهدین خلق را غیرقابل قبول دانسته و خواهان دخالت دولت آلبانی برای پایان دادن به این وضعیت اسفبار شدند. به گزارش فراق، تعدادی از اعضای ایرانی و آلبانیایی انجمن نجات آلبانی روز شنبه، ۱۰ شهریور ۱۴۰۳ (۳۱ اوت ۲۰۲۴)، با هدف آگاه‌سازی مردم تیرانا نسبت به نقض مستمر حقوق اولیه انسانی در مقرر فرقه رجوی، اقدام به افشاگری در پارک ملی تیرانا کردند.

این اقدام با استقبال گرم و ابراز همدردی مردم آلبانی مواجه شد و واکنش‌های مثبت از سوی رهگذران را به همراه داشت. اعضای انجمن نجات آلبانی، با توزیع بروشور و گفتگو با مردم، بر لزوم توجه به شرایط نگران‌کننده در اردوگاه مجاهدین خلق تأکید کردند.

مردم آلبانی مناسبات برده‌داری نوین در اردوگاه مجاهدین خلق را غیرقابل قبول دانسته و خواهان دخالت دولت

باز هم بازی رسانه ای دیگر از سوی فرقه رجوی در راستای انحراف افکار عمومی از آثار دادگاه تهران این بار آتش‌سوزی دفتر استکھلم



سازمان تروریستی مجاهدین خلق، در یک سناریوی مشکوک و تکراری، با آتش زدن دفتر خود در استکھلم، به بازی رسانه‌ای پرداخته و قصد دارد تا افکار عمومی را از آثار دادگاه محاکمه سرکردگان خود در تهران منحرف کند.

به گزارش فراق، این حادثه بامداد ۱۹ شهریور ماه در حالی روی می‌دهد که هفدهمین جلسه دادگاه محاکمه اعضای رده‌بالای این سازمان در حال برگزاری بوده و به نظر می‌رسد این اقدام، تلاشی برای جلب توجه بین‌المللی و توجیه اقدامات خشونت‌آمیز گذشته است.

آتش‌زدن با استفاده از کوکتل مولوتوف، ابزاری است که این گروه همیشه برای ایجاد جنجال و انحراف افکار عمومی از آن بهره می‌برد.

در شرایطی که دادگاه تهران به بررسی جرائم و تخلفات سرکردگان این سازمان پرداخته، این اقدام به وضوح نشان‌دهنده وحشت از صدور احکام این دادگاه است.

مجاهدین خلق در طول تاریخ خود، همواره از روش‌های خشونت‌آمیز و عملیات رسانه‌ای برای پیشبرد اهداف خود استفاده کرده‌اند. این سازمان در تلاش است تا با ایجاد تصویر قربانی و مظلوم، خود را از اتهامات جدی و مستند دور کند. اما واقعیت این است که این اقدامات نه تنها به انحراف افکار عمومی کمک نمی‌کند، بلکه به نوعی بر دجالیّت این سازمان دلالت دارد. در پایان، تروریست‌ها باید به این نکته توجه کنند این بار راه گریزی برای فرار از کیفرخواست ملت ایران ندارند، زیرا امروز همه مردم به دادخواهی در قوه قضائیه آمدند.

## علت ابراز علاقه مجاهدین برای حضور در جبهه چه بود؟

سازمان مجاهدین پس از آغاز جنگ عراق علیه ایران، موضع فریبکارانه‌ای را اتخاذ کرد؛ بدین ترتیب که در اعلامیه‌های آغازین خود، ضمن محکوم کردن تجاوز عراق، حضور نیروهای خود را در جبهه‌ها به تجویز مقامات کشور منوط دانست. با این همه، هفت روز پس از این اعلامیه، در اطلاعیه دیگری، از حضور نیروهای خود در جبهه‌های جنگ خبر داد!

هنوز چند هفته‌ای از آغاز جنگ نگذشته بود که در یک مورد کاملاً مشخص، ارتش ایران، رفتار افراد سازمان در جبهه را متناقض با امنیت ملی و اهداف جنگ تشخیص داد و ناگزیر از مقابله با آن گردید.



ماجرا از این قرار بود که مجاهدین خلق از بدو ورود به جبهه‌ها، شروع به گرفتن عکس و جمع‌آوری اطلاعات کرده بودند که با اعتراض مقامات ارتشی مواجه شدند. به آنها گفته می‌شود که عکس‌های خود را باید قبل از انجام هر کاری به آنان نشان بدهند تا ببینند به لحاظ امنیتی مسئله‌ای نداشته باشد.

عناصر سازمان با این مسئله مخالفت ضمنی می‌کنند و همچنان به کارهای خود ادامه می‌دهند. کار به جایی می‌کشد که ارتش، مقر مجاهدین خلق را محاصره و همه آنها را دستگیر می‌کند و مدارک موجود را که شامل اطلاعات وسیعی درباره وضعیت استراتژیک ارتش و عکس‌های بسیاری از موقعیت جبهه‌ها و دیگر مدارک بوده است، ضبط می‌کند.

سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام،  
ص ۲۵۳



## کاغذهایی که باید امضا می‌کردم

نمی‌آورم. تا این برگه‌ها را دیدم به خودم گفتم که من که هنوز این سازمان را نمی‌شناسم؛ چگونه باید این‌ها را بپذیرم؟ در ثانی مگر این‌ها نمی‌گویند آزادی و دموکراسی است و اعدام در هر شرایطی ممنوع است؛ پس این‌ها چیست؟ همانجا گفتم که اولاً من نمی‌توانم این برگه‌ها را امضا کنم و هنوز شما را نمی‌شناسم. دوم اینکه من اعدام افرادی که نخواهند بجنگند را قبول ندارم. به من گفته شد به نفع خودم است که هر کاری که می‌گویند انجام دهم و تشویق‌م کردند که من الان فهم این چیزها را ندارم و امضا را بکنم و وعده کردند که یک گروهی از زن‌های خودشان منتظر من هستند که من را ببینند. من در عالم بچگی گول هیجان‌هایی که برایم تولید می‌کردند را خوردم و آنها را امضا کردم.

متأسفانه این یکی از شیوه‌های این‌ها بود که وقتی که می‌خواستند از آدم امضایی بگیرند و یا کاری که خودشان می‌خواستند را انجام بدهند، شروع به وعده دادن و دروغ گفتن می‌کردند.

مثلاً به من می‌گفتند که اگر نجیبی و امضا نکنی از خیلی چیزها عقب می‌مانی؛ از جمله اینکه سرنگونی نزدیک است و تو عقب می‌مانی!! یا می‌گفتند که تمام زن‌هایی که در سازمان هستند منتظر دیدن تو هستند که به شدت همه چیز را مهیج می‌کردند که آدم را دستپاچه یا وسوسه کنند و بتوانند کاری که می‌خواستند را پیش ببرند.

«تسرین ابراهیمی» از اعضای جدانشده سازمان مجاهدین با اشاره به نحوه عضویت و پیوستنش به فرقه رجوی، به بیان فریب‌کاری‌های این گروه می‌پردازد. او در این باره می‌گوید: من در سال ۱۳۷۴ به وسیله یکی از دوستانم با سازمان آشنا شدم. دوستم گفت که این یک گروه مبارز است که برای برابری حقوق زن و مرد و آزادی مردم ایران می‌جنگند و خیلی هم مردمی است و می‌توانی اعتماد کنی و اگر می‌خواهی می‌توانی به آنها ببیونی. این شد که من تصمیم به فرار از خانه گرفتم و به وسیله یک آشنا از کشور فرار کردم. من تنها ۱۷ سال داشتم و نمی‌توانستم پاسپورت داشته باشم. به همین دلیل تصمیم گرفتم که از مرز ایران و عراق و پای پیاده وارد عراق بشویم.

وقتی که وارد پایگاه مجاهدین در بغداد شدم، تقریباً ۲ هفته من را در پایگاه بغداد به خاطر پذیرفتن یکسری قانون‌ها و ضوابط داخلی سازمان نگه داشتند. یکسری کاغذها را آوردند که من باید آنها را امضا می‌کردم. شروع کردم به خواندن آنها و متوجه شدم که راهی که آدم بسیار اشتباه است و بد جوری دارم در دام می‌افتم.

کاغذهایی که باید امضا می‌کردم این بود که: ۱: ارتش آزادی‌بخش را به رسمیت بشناسم. ۲: اگر عملیات رفتم نباید فرار کنم و اگر این کار را کردم حکم من اعدام است. ۳: هر دستوری به من داده شد باید آن را بی چون و چرا اجرا کنم. و یکسری ورقه‌های دیگر که الان متأسفانه به خاطر



# رونمایی از شبکه قاچاق فرقه رجوی در فرانسه

## پوشش نوبلی، آخرین مدل یارگیری فرقه رجوی

پوشش نوبلی برای جذب نیرو را می‌توان آخرین مدل یارگیری نفاق یاد کرد. اخیراً آتش شاکرمی (خاله نیکا شاکرمی) در یک پست اینستاگرامی پرده از شبکه قاچاق ضدانقلاب برداشته و نوشت که به جای او خواهر نیکا به پاریس منتقل شده است. پرونده نیکا شاکرمی از جمله سوژه‌های مورد توجه شبکه آشوب و سرویس مرتبط با آن بوده و از این رو منافقین تلاش دارند تا آن را به سوی خود بکشند. شنیده شده است سرپل منافقین (تقی رحمانی) به واسطه شبکه حقوق بشری نوبلی‌ها (عبادی-محمدی) با خانواده شاکرمی در چند نوبت ارتباط گرفته است.

آتش شاکرمی نیز به دلیل تحت فشار قرار گرفتن برای ارتباط با رسانه‌های ضدانقلاب پرده از رازهای شبکه قاچاق انسان در اروپا برداشته و نوشته است که از سوی تقی رحمانی تهدید شده است که در ازای فراهم کردن شرایط خروج او از کشور باید با محافل خارجی (منافقین) ارتباط برقرار کند. این فشارها در حالی به خاله نیکا وارد شده بود که شبکه نوبلی‌ها هنوز متوجه نشده بودند که فرد قاچاق شده به خارج از کشور نه خاله بلکه خواهر نیکا شاکرمی است، این ماجرای عجیب مشت ضدانقلاب را باز کرده و نشان داد این گروه در آستانه سالگرد اغتشاشات پاییزی قصد دارد از عناصر فعال در فتنه به سود منافقین بهره‌برداری رسانه‌ای کند. بررسی تحرکات شبکه آشوب نشان می‌دهد که در آستانه سالگرد اغتشاشات ۱۴۰۱ اغلب فعالان ناآرامی مجدداً فعال شده‌اند. وقتی نرگس محمدی برنده جایزه صلح نوبل اعلام شد، یک رسانه ضدانقلاب در یادداشتی قابل توجه نوشت که «نرگس صفیه محمدی» چه در ایران و چه در اروپا، آن قدر ناآشنا و گمنام است که رسانه‌های اروپایی، به جای عکس او، تصویر یک بازیگر ایرانی همنام را به عنوان برنده جایزه «صلح نوبل» منتشر کردند، حالا این اشتباهی بودن تا جایی پیش رفته که شبکه هزار چهره منافقین به واسطه یک عملیات مضحک تا آخرین خط بسوزد!

نفاق بهره برده و پایشان به فرانسه باز شود. این گروه از عناصر فتنه که با استفاده از این کانال به اروپا رفته بودند برخلاف خط آمریکایی در پروژه‌های خاصی مورد استفاده قرار نگرفته اما باید روی خطی که سرپل منافقین در پاریس تعیین می‌کرد با رسانه‌های ضدانقلاب همکاری می‌کردند. به نوشته مشرق، اردشیر امیرارجمند با تشکیل یک اتاق فکر که افرادی چون تقی رحمانی، رضا علیجانی، محمدجواد اکبرین نماینده شاخه اروپایی گروهک جبهه ملی و نیز نماینده ویژه منافقین در آن عضو بودند از این دسته از عناصر فراری استفاده رسانه‌ای کرده و اغلب پس از مدتی که تاریخ مصرف آن‌ها تمام می‌شد به حال خود در حومه پاریس رها می‌شدند! بسیاری از این افراد به دلیل نداشتن کار، پرونده مهاجرتی و نیز بلد نبودن زبان خارجه مجبور بودند به اردوگاه کار اجباری در بندر کاله رفته یا آنکه از طریق جذب شاخه‌های مختلف گروهک تروریستی منافقین شوند، این افراد یا در فرانسه باقی مانده یا آنکه به کمپ تروریستی اشرف ۳ منتقل می‌شدند، از جمله افرادی که به این صورت جذب منافقین شدند می‌توان از ابادر نوری‌زاد فرزند محمد نوری‌زاد یاد کرد.

**سرپل‌های نفاق به دلیل پوشش‌های حقوق بشری فراهم شده توانستند با برخی افراد ناآگاه در داخل کشور ارتباط گرفته و تعدادی را نیز جذب کنند، افراد اغفال شده اغلب با پیشنهادهای رنگارنگ چون تحصیل در دانشگاه‌های اروپایی و دریافت مشاغل رده بالا در دام این باند شیاد افتاده و به کمپ تروریستی فرقه رجوی هدایت شده و به مرداب آن‌ها گرفتار می‌شوند.** البته استفاده ابزار منافقین و ایجاد پوشش برای جذب نیرو اتفاقی تازه نبوده و این گروهک تروریستی از دوران جنگ تحمیلی با استفاده از تاکتیک‌های خاص چون حضور در اردوگاه‌های اسرا و نیز رادیو نفاق نیرو جذب کرده است.

بعد از فتنه سال ۸۸ روند فرار عناصر مؤثر در اغتشاشات به خارج از کشور شیب صعودی قابل توجهی گرفت. تقریباً دو ماه پس از آغاز آن حوادث شبکه آشوب متوجه شده بود که امکان فراگیر کردن موج‌های پسا انتخاباتی را نداشته و از این رو تلاش کرد برخی نیروهای مؤثر خود را از کشور خارج کند. در آن روزها دو جریان به صورت موازی اما همسو با یکدیگر عناصر درگیر در فتنه را یکی پس از دیگری از کشور خارج می‌کردند، یک گروه در آمریکا با هدایت محسن سازگارا که با همکاری برخی احزاب کردی تروریست افرادی خاص را از کشور خارج کرده و پس از مدتی نگه‌داری در مقرهای این گروهک‌ها از طریق کنسولگری آمریکا در اربیل کردستان عراق آن‌ها را به خاک آمریکا ترانسفر می‌کرد.

نکته جالب توجه آنکه تمامی افرادی که از این طریق به خارج از کشور قاچاق شده بودند لازم بود در مقرهای تروریستی رو به روی دوربین حاضر شده و از آن‌ها فیلم‌هایی تهیه می‌شد تا راه بازگشتشان به صورت کامل بسته شود، این افراد پس از رسیدن به مقصد در مراکز و پروژه‌های ضد ایرانی مورد استفاده قرار می‌گرفتند از جمله آن پروژه قابل توجه «ایران دیس اینفو» بود که در زمره عملیات‌های گروه توانا با بودجه ده میلیون دلاری در ده سال اخیر بوده است.

اما هم‌زمان با شبکه قاچاق آمریکایی‌ها در کردستان عراق یک شبکه دیگر نیز با مقصد انتقال عناصر آشوب به اروپا نیز فعال شده بود، این شبکه افراد خود را از طریق تعدادی راه‌بند از طریق کوهستان و مسیرهای سخت به خاک ترکیه رسانده و از آنجا به اروپا قاچاق می‌کرد، مقصد اغلب این افراد کشور فرانسه و مقر منافقین بود. اغلب این افراد به واسطه عناصر فعال گروهک ملی-مذهبی به اروپا قاچاق شده بودند، برخی از آن‌هایی که ارزش سیاسی بیشتری داشتند بدون پرداخت هزینه و تعدادی دیگر با دادن پول این امکان را داشتند که از خط ترانسفر ایجاد شده توسط

## در هجدهمین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات سرکردگان فرقه رجوی چه گذشت؟ این دادگاه تجلی اراده جمهوری اسلامی برای مبارزه همه جانبه علیه تروریسم است

■ کشورهای میزبان مکلف هستند متهمان را به ایران مسترد کنند  
■ ابراهیم خداینده: آن‌ها دادگاه را جدی می‌دانند و از آن ترسیدند  
■ علی اکرامی: خیلی از خانواده اعضا می‌خواهند بیایند و در این دادگاه شرکت کنند



هجدهمین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات ۱۰۴ نفر از سرکردگان سازمان مجاهدین خلق موسوم به منافقین همچنان ماهیت این سازمان به عنوان یک شخصیت حقوقی سه‌شنبه ۲۷ شهریور به صورت علنی آغاز شد.

به گزارش فراق، در این جلسه از دادگاه «حمید نوری» شهروندی که براساس ادعاهای واهی و متناقض فرقه تروریستی رجوی در سوئد زندانی و محاکمه شده بود و اخیراً به کشور بازگشت نیز حضور داشت.

حمید نوری پیش از آغاز جلسه دادگاه در جمع خبرنگاران درباره ارزیابی خود از محاکمه منافقین در دادگاه‌های انقلاب گفت: ابتدا ابراز تأسف خود را در برگزاری دیرهنگام این دادگاه اعلام می‌کنم؛ چرا بعد از ۴۰ سال این دادگاه برگزار می‌شود اما از سوی دیگر نیز از برگزاری دادگاه بسیار خوشحال هستم.

وی خاطرنشان کرد: پنج سال با شکایت اعضای همین سازمان جهنمی؛ منافقین به عنوان مجرم در زندان‌های انفرادی سوئد بودم اما اکنون در کشور خود و در دادگاه‌های خودمان به عنوان شاکی حضور دارم و این موضوع معنای خاص خود را دارد.

نوری خطاب به منافقین چند بار تکرار کرد: «من تهرانم» و در دادگاه به عنوان شاکی حضور دارم.

### جمهوری اسلامی ایران اراده قانونی و جدی برای مبارزه با تروریسم دارد

قاضی دهقانی ضمن اعلام رسمیت جلسه دادگاه، اظهار داشت: این دادگاه تجلی اراده جمهوری اسلامی ایران برای مبارزه همه جانبه علیه تروریسم است.

وی خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد و دفتر مبارزه با تروریسم اعلام کرد: جمهوری اسلامی ایران در راستای ایجاد یک رژیم کامل برای مقابله با تروریسم به‌ویژه متناسب

با قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، اراده قانونی و جدی برای مبارزه با تروریسم دارد. قاضی دهقانی افزود: جمهوری اسلامی ایران مانند ایالات متحده آمریکا به بهانه مقابله با تروریسم حاکمیت و مرزهای ملی را نقض نمی‌کند و استاندارد دوگانه نمی‌سازد و جنگ سفید و کثیف راه نمی‌اندازد بلکه با شیوه قضایی و قانونی مبارزه و مقابله با تروریسم را پیگیری می‌کند.

در ادامه خداینده، عضو جدانشده سازمان مجاهدین خلق در خارج و معاون اجرایی بخش روابط بین‌الملل سازمان در جایگاه حاضر شد.

وی گفت: من در حال حاضر مدیرعامل انجمن حقوقی نجات هستم. مسئول حقوقی انجمن نجات این هفته تماس‌هایی گرفت که فعلاً ۱۲۵ نفر اعلام آمادگی کردند که در جلسه دادگاه حضور پیدا کرده و حرف‌های بنده را تایید کنند.

قاضی گفت: یعنی ۱۲۵ نفر حاضر می‌شوند که در دادگاه شهادت دهند؟ خداینده پاسخ داد: بله.

قاضی گفت: دادگاه از این اتفاق استقبال می‌کند و اعلام می‌کنیم که دادگاه حاضر است برای استماع شهادت شهود ۱۲۵ نفر جلسه را تشکیل دهد. واقعاً دادگاهی که با شهود متعدد آن هم در این تعداد استماع را انجام دهد بعد از تعرفه شهود برابر مقررات می‌تواند به اتقان و کشف حقیقت کمک کند. خداینده گفت: تمام واکنش‌های سازمان به این دادگاه همگی اقرار علیه خود است. اتهامات تروریستی، خیانت، جنایت و هر چیزی که تا اکنون در دادگاه مطرح شده در سخنان سخنگوی مجاهدین آورده شده است. او گفته کجایش را دیده‌اید بند از بند نظامتان خواهیم گسست.

قاضی گفت: در پاسخ به چه چیزی این سخن را گفته؟ خداینده گفت: اینکه در دادگاه

سازمان مجاهدین مسئولیت آن را به عهده نگرفت اشاره کرد و گفت: آنچه در جلسه یازدهم پخش شد مسعود رجوی گفت مقامات آمریکایی و فرانسوی در جریان بودند که انفجار حزب جمهوری با ما بوده و در آنجا به ما اتهام تروریستی زدند.

وی در ادامه گفت: همچنین «مهدی ابریشم‌چی» و «عباس داوری» که از مسئولان بخش روابط خارجی مجاهدین بودند بارها در حضور خودم در ملاقات با افسران عراقی برای دریافت کمک‌های مالی از دولت عراق به این موضوع اذعان کرده بودند، مهدی ابریشم چی علنا گفت که حزب جمهوری اسلامی را به واسطه نفری که داشتیم منفجر کردیم و این توانمندی ما را در ایران نشان می‌دهد.

اکرامی گفت: مهدی افتخاری، طراح پرواز مسعود رجوی و بنی صدر به فرانسه بود، در جلسه‌ای که با من داشت علنا گفت که در طراحی عملیات حزب جمهوری و دفتر نخست‌وزیری مستقیماً نقش داشته است.

وی گفت: شاعری به نام مجتبی میرمیران مسئول تبلیغات بود. او را در پایگاه ابوالفتحی بغداد تحت نظر داشتند، اگر در گوگل سرچ کنید شعرهای او موجود است. من غیر از مسئولیتی که داشتم مسئولیت نظارت بر قبرستان مجاهدین که حدفاصل کربلا تا نجف بود، برعهده من بود، یک مسئولی به نام عبدالعزیز داشت و ما وقتی کشته شدگان را به آنجا می‌بردیم با یکسری تشریفات بود؛ ۴۰-۳۰ نفر می‌آمدند و بعد تابوت و پرچم را هم می‌بردیم و مناسک نظامی انجام و فرد را خاک می‌کردیم. افرادی هستند که اسمی‌شان را دادم که شاهد بودم چند سال در زندان ابوغریب بودند صرفاً به جرم اینکه خواهان جدایی از مجاهدین بودند. حق انتخابی نداشتند. نزدیک به ۳۵ نفر را بعد از سرنگونی صدام با اسرای ایرانی تبادل کردند. صرف ایرانی بودن آنجا ۵۰ ضربه شلاق داشت و آن‌ها را با آهن می‌زدند. این سازمانی است که جنایت می‌کند. خیلی از خانواده اعضا می‌خواهند بیایند و در این دادگاه شرکت کنند.

قاضی خطاب به او سوال کرد: آیا اظهاراتی که آقای ترکمن داشتند که مسعود رجوی در سازمان باعث کشته شدن اعضا شد، مورد تأیید شماست؟



قاضی خطاب به خداینده گفت: شما در یکی از اظهاراتتان گفته‌اید که این دادگاه را آن‌ها رسانه‌ای و نمایشی می‌دانند. خداینده گفت: آن‌ها در ابتدا گفتند این دادگاه اهمیت و ارزشی ندارد، اما بعد از یک جلسه دادگاه در ۱۰ جلسه به آن واکنش نشان دادند که معنی آن ترس است. وی با بیان اینکه آن‌ها دادگاه را جدی می‌دانند و از آن ترسیدند، گفت: در رسانه‌های آلبانی خبری مبنی اینکه پلیس آلبانی بیانیه‌ای داده و اعلام کرده «مهرداد کمال پور» در آلبانی دستگیر و در راستای اولین همکاری اینترپل تهران و تیرانا برای استرداد به ایران است، جدا از محتوای خبر همین که در رسانه‌های آلبانی این خبر منتشر شده سبب شده اعضای مجاهدین سکوت کنند. در ادامه علی اکرامی، عضو سابق و جداشده گروهک تروریستی در جایگاه قرار گرفت.

اکرامی در دادگاه به نمایش چارت سازماندهی مخابرات صدام و میز ارتباط با سازمان مجاهدین پرداخت و گفت: سازمان مجاهدین تمامی عملیات‌های اطلاعاتی و تروریستی در داخل را در ارتباط مستقیم با افسران و در راس آن صابر الدوری، رئیس اطلاعات عراق انجام می‌داد.

اکرامی در ادامه به نمایش چارت سازماندهی بخش روابط خارجی سازمان مجاهدین یعنی کسانی که با آن‌ها در ارتباط هستند پرداخت و در راس آن مهدی ابریشم چی که از متهمان این دادگاه است را معرفی کرد.

وی به انفجار دفتر نخست‌وزیری و حزب جمهوری اسلامی ایران در سال ۶۰ که ابتدا

عنوان جنایت و خیانت به آن‌ها داده شده است.

قاضی پرسید: سخنگوی مجاهدین گفته تازه کجایش را دیدید؟ خداینده: بله.

قاضی بیان کرد: منشی دادگاه این اظهارات را از آقای خداینده یادداشت کند و از سایت منافقین نیز این مطالب را استخراج کند تا مستند شود که چنانچه اظهارات شاهد در این خصوص بررسی شود بتواند در باب ارزش اقراری آن مورد مذاقه دادگاه قرار گیرد. خداینده گفت: در خصوص همین هیئت‌های عفو که در جلسات قبل گفته شد و دادگاه محترم می‌خواست درخواست تجدیدنظر کند، همه این‌ها را آورده و بعد سخنگوی مجاهدین خلق این را مورد افتخار تاریخی مجاهدین خلق دانسته است.

قاضی پرسید: چه چیزی را؟ خداینده پاسخ داد: سازمان مجاهدین خلق این مورد را موجب افتخار تاریخی مجاهدین می‌دانستند و این فرد (رجوی) در قبال هر اتهامی، به خود دسته گل هم می‌دهد که این کارها را انجام داده و اظهارات وی تماماً اقرار علیه خود است.

قاضی در ادامه با اشاره به ماده ۳۴۱ از قانون آیین دادرسی کیفری، گفت: در جایی که دادگاه نقصی را در جهت تکمیل تحقیقات احراز کند و یا اگر نقص نباشد برای تحقیقات لازم باشد، استماع نظرات شهود لازم است، شاهد خداینده ۱۲۵ نفر که اسامی آن‌ها نیز وجود دارد را در این زمینه معرفی کرده است. ضابط نیز طبق نامه‌ای که از سوی دادگاه برای حضور شهود ارسال خواهد شد، برای هماهنگی حضور شهود در یک یا چند جلسه برای استماع اظهارات اقدامات را انجام خواهد داد.

وی گفت: همچنین درباره آنچه که شاهد در مورد اظهارات سخنگوی مجاهدین در رسانه رسمی متعلق به سازمان مجاهدین خلق اعلام کرده است تحقیقات کامل و مستند انجام و به دادگاه تقدیم می‌شود.

در ادامه ابراهیم خداینده عضو جداشده سازمان مجاهدین خلق و معاون اجرایی بخش روابط بین الملل سازمان گفت: واکنش‌های سازمان در رسانه‌هایش کاملاً نشان می‌دهد که در جریان این دادگاه است و از همه موارد آن مطلع می‌شود.



سپس علی اکرامی، عضو سابق فرقه رجوی گفت: فرارگاه موسوم به «الهی» مسئولیت آن با اصغر زمان‌وزیری بود. تعدادی از بچه‌ها از زندان آزاد شده بودند حتی بخشی بودند که از ما چیزی نگرفتند. رئیس دادگاه می‌گفت محض احترام به موی سفید پدرت و به احترام مادرت که خانم مومنه‌ای هست شما را آزاد کردیم. این افراد به پایگاه الهی در پاکستان فرستاد شدند. ۵ روز بعد این‌ها را جای دیگر فرستادند.

زمانی که می‌خواستند آن‌ها را بفرستند با اصغر زمان‌وزیری بحث کردم و گفتم این نیروها تاکنون در زندان بودند و اگر بخواهند آزاد شوند و به شهرهای خودشان بروند شناسایی و اعدام می‌شوند و او در جواب گفت ما می‌خواهیم این نیروها کشته شوند. عمر یک چریک ۶ ماه است، اما این افراد ۵ سال است که در زندان هستند و ما می‌خواهیم که آن‌ها کشته شوند.

قاضی گفت: یعنی سیاست مسعود رجوی در مقابل سیاست حضرت امام (ره) برای عفو مجاهدین علی رغم اقدامات تروریستی سیاست مرگ و کشته شدن آن‌ها بود؟

اکرامی پاسخ داد: بله. سیاست مسعود رجوی در نشست‌ها به گونه‌ای بود که می‌خواست اعضای که سال‌ها در زندان بودند اسم سال‌ها تهدید و شکنجه را یدک بکشند. می‌خواست به مردم القا کند که اعضای مجاهدین در مقابل این شکنجه‌ها ایستادگی کردند، حماسه آفرینند و سپس آن‌ها را بکشد و از کشتن آن‌ها بهره‌برداری سیاسی کند. برای همین در داخل تشکیلات جلسه‌ای تشکیل داد و همه آن‌ها را دعوت کرد و گفت اینکه ما می‌گوییم شما مرد مقاومت هستید و زیر شکنجه بودید بحث‌های تبلیغاتی است و گرنه ما می‌دانیم که همه شما سازش کردید، چون اگر شما اهل سازش نبودید شما را اعدام می‌کردند. امام تمام نیروهای خوب ما را اعدام کرد و تفاله‌ها را که شما بودید به ما پس داد. رجوی می‌گفت ما شما را بزرگ کردیم و می‌خواستیم برای تبلیغات از شما استفاده کنیم و گرنه شما در زندان آزار نشدید و شکنجه ندیدید.

در ادامه پیروزر وکیل نعدادی از متهمان پرونده از این شاهد پرسید: شما تمام ۱۰۴ متهم این پرونده را می‌شناسید.

اکرامی پاسخ داد: اکثر آن‌ها را می‌شناسم. در راس سازمان مسعود رجوی بود و بعد تعداد دیگری بودند. تمامی تصمیمات از سوی مسعود رجوی گرفته می‌شد و بقیه نیروهای اجرایی و مجری احکام او بودند.

وکیل شکات گفت: چند رسانه در سازمان وجود دارد. مسئولان اصلی این رسانه‌ها چه کسانی هستند.

اکرامی پاسخ داد: مسئولیت‌ها در سازمان مقطعی است و در برهه‌های زمانی تغییر می‌کند. سیمای آزادی گروهی دارد که اخبار را فیلتر می‌کند.

در ادامه وزیری نماینده دادستان گفت: اینگونه نیست که فرد باید مدیر باشد و فعالیت تبلیغی انجام دهد، سازمان مجموعه‌ای از ارکان و نمایندگان است. یعنی افراد اصلی و کادر مرکزی که عناوین اتهامی اصلی آن‌ها را همچون افساد فی الارض، بغی و محاربه آورده و در کنار آن رفتار مادی مجرمانه در زمینه فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی که چه در سیمای آزادی و نشریه مجاهد، نگارش مقاله یا هر چیزی در این حوزه را مستمسک و به عنوان فعالیت تبلیغی در نظر گرفته‌ایم. وی گفت: این سوال مطرح شد که چرا محمدرضا کلاهی به عنوان متهم در این پرونده حضور ندارد، وی گرچه یک خسارت عمده به جمهوری اسلامی از طریق انفجار حزب جمهوری با شهادت بیش از ۷۲ نفر از مسئولین و سیاستگذاران این مملکت و ۲۴ مجروح وارد کرده است، از

اعضای مرکزی و تصمیم ساز در این پرونده نبوده است.

وی ادامه داد: وکیل به دنبال این است که آیا این افرادی که ما به عنوان متهم در کیفرخواست در نظر گرفته‌ایم تصمیم گیرنده نهایی بودند؟ اگر مسعود رجوی تصمیم می‌گرفت نیاز به تامین مالی تروریسم و آموزش افراد داشت یعنی سازمان را به عنوان یک ساختمان نباید در نظر گرفت. سازمان مجموعه‌ای از اجزا و بخش‌های مختلفی بودند که تروریست‌ها را جذب می‌کردند؛ آموزش، تسلیح، مشخص کردن هدف، تامین مالی تروریسم و هدایت می‌کردند سوژه برای آن‌ها مشخص می‌کردند و نهایتاً آن سوژه را ترور می‌کردند.

وزیری گفت: ماده ۲۰ و ۲۲ و ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی از ارکان و نمایندگان استفاده می‌کند.

قاضی بیان کرد: این جنایات در طول پنجاه سال رخ دادو این دادگاه تاریخ ایران بعد از انقلاب است و بیش از هفتصد شاهد دارد.

قاضی در پایان این جلسه دادگاه اظهار کرد: پس از تشکیل دادگاه محاکمه متهمان اتهامات تروریستی، طبق پروتکل‌های بین‌المللی، کشورهای میزبان مکلف هستند متهمان را به ایران مسترد کنند. تا قبل از این یا باید مسترد می‌کردند یا محاکمه، اما پس از تشکیل دادگاه همانطور که بارها تاکید کردم مکلف هستند متهمان تروریستی این پرونده را به دادگاه مسترد کنند.



مرحله دوم انقلاب ایدئولوژیک رجوی در سال ۱۳۶۸ و با طلاق همسر در تشکیلات شروع شد و زمانی که رهبری پای آن را در تشکیلات سفت کرد، سراغ جداسازی فرزندان از والدین رفت. بدین ترتیب، پروژه‌ی انتقال کودکان به خارج از کشور در سال ۱۳۶۹ و به بهانه جنگ کویت و احتمال بمباران قرارگاه‌های مجاهدین و از بین رفتن کودکان طراحی و به اجرا درآمد.

## سازمانی که عواطف مادری در آن نامشروع است



بتول سلطانی از اعضای سابق سازمان مجاهدین خلق که بعد از ۲۰ سال از این فرقه جدا شد، در خاطراتش می‌گوید: «دستور از بالا بود. توی اشرف بچه‌ای نباید بماند. همه را می‌فرستیم خارج. چطور می‌توانستم قبول کنم پاره‌تنم را بفرستند آن طرف دنیا؟ همسرم می‌گفت: ما خارج از سازمان جایی نداریم. شناسنامه و پاسپورت و بقیه مدار کمان دست سازمان است. بالاخره مجبور شدم از بچهم جدا شوم. شب‌ها زیر پتو آرام آرام گریه می‌کردم. حتی حق نداشتم بپرسم بچه‌هایم را کدام کشور فرستاده‌اید؛ چه برسد به اینکه یک کلمه بگویم که دلم برایشان تنگ شده. می‌گفتند احساسات مانع کار است. هرگونه ابراز احساسات را شدیداً توبیخ می‌کردند. می‌گفتند عواطف نامشروع است.»

# گذری بر جنایت‌ها و شکست‌های تاریخی سازمان تروریستی مجاهدین

■ مرضیه رئیس الساداتی



عملکردهای قدیم سازمان با بحثی تحت عنوان انقلاب درونی و باصلاح حقوق زنان مسیر دیگری را آغاز کرد. در این پروسه طلاق مریم قجر از همسرش مهدی ابریشم چی و ازدواج با رجوی باعث آشکار شدن انحراف شخص رجوی و دیدگاه‌های او در فضای سیاسی و انتظار عمومی شد. جنجال اقدام فوق در بین سایر گروه‌ها و اعضای سازمان بازتاب منفی زیادی داشت و منجر به موج دوم ریزش نیرویی شد. تعدادی از اعضای قدیمی و رده اول فرقه در این مرحله جدا، برکنار و یا به حاشیه رفتند. از جمله علی زرکش و خواهر اشرف ربیعی، و پرویز یعقوبی ...

سال ۱۳۶۵ رجوی به عراق نقل مکان کرد. با رفتن او به عراق و گسترش قرارگاه‌های نظامی بُعد دیگری از انحراف مرام، مزدوری و وابستگی سازمان مجاهدین رو شد.

رجوی در عراق با فراخوان به نیروهای از هم پاشیده قدیمی ارتش نظامی موسوم به آزادیبخش را در سال ۱۳۶۶ تشکیل داد. او با حمایت از عراق در واقع طرف دشمن در حال جنگ با ایران را گرفت. در کمتر از یکسال به کمک‌های گسترده استخبارات عراق و پشتیبانی همه جوره نظامی و مالی دشمن بعثی، اقدام به یک سری عملیات در مرزها نمود. عملیات‌هایی چون آفتاب، چلچراغ و فروغ جاویدان و بعدها مروارید، در حالی که دستاورد این عملیات‌ها ناچیز بود اما در تعیین سرنوشت و عیان شدن ماهیت فرقه بسیار مهم بود.

در داخل کشور به طور کامل از بین رفت. لذا مجبور شدند فعالیت‌های خود را به شکل دیگری در خارج ادامه دهند.

پس از شکست در مبارزه مسلحانه که با دستگیری اکثریت اعضا شاخه نظامی و لو رفتن خانه‌های تیمی همراه بود سازمان فعالیت‌هایش را با تمرکز بر شورای جدید موسوم به ملی مقاومت در خارج کشور بنا کرد.

در این مرحله شورایی با شرکت سایر گروه‌های سیاسی و معاند تشکیل شد. رجوی، بنی صدر را رئیس جمهور و خود را نخست وزیر دولت به اصطلاح اپوزیسیون در تبعید نامید. طولی نکشید با اختلاف بر سر مسائل محتوایی از جمله جنگ، خود مختاری کردها و روابط با ایران، قریب به اتفاق گروه‌ها منجمه بنی صدر جدا شده و به صفی در مقابل تندروی‌های رجوی تبدیل شدند.

شورای کذایی که قرار بود متشکل از همه گروه‌ها، ادیان و تنوع تفکرات باشد به شورایی تک محور و در انحصار کامل مسعود رجوی تبدیل شد. حاصل، انزوا، روی گردانی و دلزدگی بیشتر سیاسیون از مجاهدین بود. تشکیل شورای متنوع برای جذب نیروهای اپوزیسیون در ظاهر و گام‌های اول قدم مهمی به نظر می‌رسید. اما با مشخص شدن ماهیت تمامیت خواه و خوی انحصارطلبی رجوی و شکست شد.

اواخر سال ۶۳ انحرافی دیگر در ایدئولوژی مجاهدین رخ داد. رجوی با انحراف از مواضع و

فرقه رجوی فکر می‌کند در دنیای ارتباطات و در حالی که مردم دنیا و روشنفکران می‌توانند با یک جستجوی ساده به ماهیت و عملکرد هر گروه سیاسی دست یابند، بازهم قلب واقعیت نموده و اهداف وطن فروشانه خود را بیوشانند.

بدیهی است، هر چقدر هم تلاش کنند حقیقت عملکردهای خود را به دلیل صدها شاهد جدا شده، گزارشات مستند و هم چنین وقایع اتفاق افتاده در طی چهار دهه گذشته، نمی‌توانند تغییر داده و لاپوشانی کنند.

به بهانه سالروز تاسیس مجاهدین خلق و مانورهای فرقه روی آن، نگاهی گذرا به پروسه طی شده گروه مجاهدین داشته‌ایم:

سازمان مجاهدین در سال ۶۰ با تغییر مثنی خود از فعالیت سیاسی به مبارزه مسلحانه ماهیت تروریستی خود را نشان داد و هم چنین موجب اولین موج ریزش نیرویی شد.

اعمال افراطی و مسلحانه گروه از جمله انفجار حزب جمهوری و دفتر ریاست جمهوری، ترور وسیع نیروهای انقلابی، دولتی، امام جمعه‌ها و به شهادت رساندن جمع قابل توجهی از مردم در طول سال ۶۰ به حدی بود که تنفری عمیق از آن گروه شکل گرفت. روش شدن اهداف خصمانه سازمان و انزجار مردم باعث شد در سال ۶۱ نظام جمهوری اسلامی با اقتدار تشکیلات نظامی فرقه را درهم بکوبد و باقیمانده آنها اقدام به فرار نمایند. در واقع طی سال‌های ۶۱ تا ۶۴ تشکیلات مجاهدین خلق

انتقال به عراق با واکنش منفی و گسترده مردم روبرو شد و باعث شد همگان نقش ستون پنجمی مجاهدین را دریابند.

### عملیات فروغ جاویدان

اوج این تخاصمات حمله به مرزهای وطن پس از اعلام آتش بود. حمله ای که رجوی فروغ جاویدان و طرف مقابلش برای دفاع از مرزهای ایران «مرصاد» نامید. این عملیات، تبعات سنگین و جبران ناپذیری را برای رجوی رقم زد. مجاهدین با ازدست دادن بیش از دو هزار عضو و به جا گذاشتن چندین هزار زخمی و از بین رفتن تمام ادوات نظامی شکست جاویدانی خوردند که هیچگاه قادر به ترمیم آن نشدند.

پس از شکست سنگین نظامی در سال ۱۳۶۷ رجوی برای فرار از پذیرفتن مسئولیت با واقعه جنجالی دیگری خود را رهبر ایدئولوژیک فرقه اعلام کرد. او با افزایش محدودیت ها و ابداع قوانین فرقه ای چون طلاق های اجباری و جدا کردن کودکان از والدین سعی کرد بتواند جلوی ریزش نیرویی موج دوم را بگیرد و جایگاه خود را بیشتر تثبیت کند. باقطع ارتباط نیروها با دنیای بیرون درب های کمپ بسته و شرایط فرقه ای ایجاد شد. رجوی با هدف نمایش چهره ایدئولوژیک از خویش و آرمان های شعارگونه برای حقوق زنان دست به چنین اقدامی زد. اما در حقیقت دست مردان را از قدرت و هژمونی تشکیلات کوتاه کرد. خود را به عنوان رهبر بلامنازع و مطلق اعلام کرد. نهایتا این رویداد هم جایگاه مجاهدین را در میان عموم و سایر نیروهای اپوزیسیون کاهش داد.

در تابستان ۱۳۷۲ مریم رجوی به عنوان رئیس جمهور شورای ملی انحصاری مجاهدین اعلام شد. در این دوره ظاهرا زنان درون سازمان در شورای فرقه گسترش بیشتری یافتند و مناصب کلیدی به آنان سپرده شد. که بیشتر این مسیر جهت هیاهو تبلیغات و فریب انظار عمومی شکل می گرفت.

در حقیقت زنان درون سازمان هیچکاره و تحت سلطه رجوی بودند. سالهای بعد که تعداد کثیری از زنان و دختران از تشکیلات فرار نمودند ماهیت عملکرد مجاهدین در رابطه با زنان بیشتر فاش شد. در ادامه نمایش در همان سال برای رهایی از رکود و ریزش نیرویی بیشتر و جلب فضای سیاسیون، مریم رجوی را به اروپا فرستاد؛ تا تحت عنوان رئیس جمهور اپوزیسیون، فعالیت های سیاسی متنوعی را گسترش دهند که البته در هیچکدام از جبهه ها توفیق چندانی نیافتند. مریم قجر به مدت چهار سال اروپا گردی نمود. شوهای مختلفی با برگزاری مهمانی های مجلل، عیاشی و شب نشینی با

خوانندگان لس انجلسی تحت عناوین فعالیت سیاسی و دموکراسی خواهی ترتیب می داد و بدنبال جذب نیروی بیشتر بود. سایر اعضا بخش سیاسی نیز با لابی گری های مختلف و اقدامات رسانه ای به فعالیت علیه نظام ادامه می دادند اما طبق معمول دستاورد چندانی نیافتند.

### پولشویی و قاچاق

در این برهه پول های کلانی به واسطه همکاری با دولت صدام و قاچاق نفت بدست آورده بودند. مجاهدین با تاسیس بنیادهای پوششی در اروپا، پول های حاصل از قاچاق نفت را در آن شرکت ها سرمایه گذاری نمود. ایجاد بنیاد های خیریه برای جمع اوری کمک مالی در اروپا از طریق کودکانی که از پدران و مادران خویش جدا شده و در اماکن مجاهدین تحت کنترل بودند؛ از دیگر فعالیت های اقتصادی غیرقانونی در کنار بنیادهای پوششی پولشویی قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان بود. بازوی نظامی هم در عراق کماکان با حمایت صدام به فعالیت های مختلف از جمله دامن زدن به بی ثباتی و امنیت زدایی اقدام می نمود. فرقه در هر مناقشه و آشوبی برای به هم ریختگی بیشتر اوضاع شرکت می کرد. تئوری رجوی بر شکل دادن تمام اعتراضات مسالمت آمیز به سمت خشونت و اعمال ستیزه جویانه بود که اکثرا با طرد گروه ها و تنفر مردم به شکست می انجامید.

در بین سال های ۷۴ تا ۸۰ دسته جات نظامی تحت عناوین واحدهای راهگشا تشکیل شد تا به دستور رجوی به دنبال ضربه زدن به امنیت و مشروعیت جمهوری اسلامی در دوره دولت اصلاحات عمل کنند. این روال تا زمان حمله آمریکا به عراق یعنی تا اواخر سال ۱۳۸۲ تداوم داشت. اما در همان زمان با آغاز دیپلماسی جدید ایران مجاهدین رو به افول رفتند و از طرف کشورهای اروپایی اقدامات مهمی علیه آنان شکل گرفت.

در سال ۱۹۹۷ وزارت خارجه آمریکا این گروه را در لیست تروریستی قرار داد. سال ۲۰۰۰ بریتانیا مجاهدین را در لیست تروریستی قرار داد و آلمان هم در سال ۲۰۰۱ دارای این گروه را بلوکه کرد. در ادامه اتحادیه اروپا هم در سال ۲۰۰۲ (۱۳۸۲ شمسی) گروه را به عنوان یک گروه تروریستی معرفی کرد. و مجاهدین با از دست دادن مشروعیت بین المللی دچار ضربه دیگری شدند.

سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۳ شمسی) یکی از مهمترین اتفاقات در تاریخ مجاهدین است. حذف پشتیبانی نظامی و مالی صدام ضربه مهلکی بر پیکر مجاهدین فرود آورد. با از بین رفتن موانع و حربه های محصور کردن نیروها، موج ریزش نیرویی

سوم رقم خورد. حدود ۷۰۰ تن در سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰ (۱۳۸۳ الی ۱۳۸۵ شمسی) از کمپ اشرف گریخته و یا جدا شدند.

به دنبال سقوط دولت صدام، رجوی نیز بخاطر فرار از پاسخگویی به اعمال ننگین اش از جمله مناسبات فرقه ای، سواستفاده از زنان و دختران و بکارگیری کودکان در جنگ مخفی و فراری شد. او بیش از دو دهه از انظار مخفی شده و همین اتفاق صرفا ضربه مهلک دیگری بر بنیان تشکیلات مجاهدین وارد کرد. اگرچه از منظر سیاسی مرده و زنده بودنش مهم نیست. اما باعث ابهام و سردرگمی نیروهای وفادار و افول بیشتر فرقه شد.

سومین اثر مهم سقوط صدام در تغییر راستای سیاست فرقه بود. سازمان مجاهدین منبع مالی و وابستگی خود را از دولت صدام مستقیما به سمت آمریکا و صهیونیست ها تغییر داد. بُعد دیگری از مزدوری و وابستگی گروه به نمایش گذاشته شد.

واقعه مهم دیگر حضور چند صد خانواده در پشت درب های کمپ اشرف و عدم پاسخگویی سازمان مجاهدین به درخواست دیدار آنها برگ دیگری از ماهیت فرقه ای و مافیایی مجاهدین را در عرصه سیاسی و مجامع حقوق بشری عیان کرد و مشخص شد مجاهدین نه تنها تابع هیچ قانون و حقوق بشری نیستند بلکه صحنه ای بر تمام افشاگری های جدا شدگان شد. روشن شد اعضای مجاهدین به اجبار درون کمپ ها محصور و بدون ارتباط باید باشند.

حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳ به عراق رویاهای مجاهدین برای تنش آفرینی بیشتر بین ایران و آمریکا و تلاش برای ایجاد جنگ به سبب فعالیت هسته ای را بر باد داد. رجوی در بن بست کامل استراتژیک ناپدید شد. جنایت آنها علیه افراد و شیعیان عراق و جاسوسی در زمان جنگ آشکار شد. با حضور نیروهای امریکایی در عراق، کمپ اشرف نیز تسخیر شد. ۳۸۰۰ تن از نیروهای سازمان در عراق در اشرف محصور شدند. بیش از ۲۱۳۹ تانک و نفر بر و ۴۲۹ هزار پوند مواد منفجره و چند هزار قطعه سلاح های سبک توقیف شد. کمپ اشرف حدود پنج سال تحت تسلط و نظارت ارتش آمریکا قرار داشت.

در همین سال شورای حکومتی عراق دستور اخراج آنها را تصویب کرد هر چند که مجاهدین اخراج خود را به تعویق انداختند ولی در سرآشویی بیشتر از دست دادن مشروعیت فرار گرفتند. ارتش آنها دچار فروپاشی شد و پادگان اشرف و ساختار آن از هم گسیخته شد. با شروع همکاری رجوی با نیروهای امریکایی تا حدود زیادی مشروعیت

همکاری با مراکز جاسوسی چون موساد و سیا و کمک به ترور دانشمندان هسته ای در داخل کشور ابعاد دیگری از خیانت خود را رو کرد.

استفاده از رسانه های ماهواره ای و انجام تبلیغات مختلف در روزنامه های مهم امریکا و اروپا و همچنین همکاری با بنیاد های سیاسی از دیگر اقدامات سیاسی این گروه محسوب می شود. در واقع از سال ۲۰۱۱ با تضعیف گروه به عنوان یک سازمان نظامی سعی نمودند با فعالیت های ظاهرا دیپلماتیک به یک سازمان سیاسی تبدیل و شکل نوینی در فعالیت های خود ایجاد کنند. این سیاست خارجی فرقه، وابستگی تمام عیار آنها به سناتورهای غربی خصوصا سناتورهای پیشانی سیاه امریکایی چون (جان بوتون، رودی جولیان، پمپئو، مایک پنس، لیندسی گراهام رابرت منندز و...) مایه ننگ فرقه است. که طی این سال ها در سایه آنها نفس می کشند.

مجاهدین با تاکید بر لابی گری در پارلمان های مختلف و مراکز سیاسی عمده، همکاری با سازمان های لابی کننده ای چون هری واکر اکین گامپ، استراتوس، براون لوید جیمز، اسپیکرز قرن ۲۱ و ... در طی سال های گذشته بدنبال تثبیت خود به عنوان نقش اول اپوزیسیون و هم راستایی با منافع غربی ها هستند. دمیدن بر تنور جنگ و آتش افروزی، خواستار حمله امریکا به ایران و استقبال از افزایش تحریم ها اعمالی در این راستا است که طبق معمول آنها را روسیاه تر و تفرانگیز می نماید. آنها سعی می کنند در برنامه های تبلیغاتی و سالگردهای خویش با دعوت از سناتورها و سیاست مداران سابق و اسبق برای اقدامات خویش مشروعیت زایی و زمینه کمک های مالی بیشتری را فراهم کنند. حضور شخصیت های شناخته شده غربی که در صف اول مقابله با ایران هستند در همایش های فرقه نشان از دیپلماسی همگرایی با دشمن دارد. دیدار با جناح های تندرو و مطرح نمودن خویش به عنوان آلترناتیوی مطیع برای آینده ایران از جمله دیگر فعالیت های بخش سیاسی مجاهدین بوده است.

با همه فریب و مزدوری های فرقه، ماهیت خطرناک آنان در کشور آلبانی لو رفت. حمله به کمپ آلبانی در خرداد ۱۴۰۲ (و اخراج مریم قجر از آن کشور ضربه دیگری بر مشروعیت فرقه وارد کرد. روشن شدن ابعاد دیگری از وابستگی و همکاری شنیع فرقه با صهیونیست ها با شروع جنگ غزه رخ داد. در یک سال گذشته برخلاف روبه معمول به هیچ عنوان جرئت اظهار نظر و محکومیت جنایت صهیونیست ها را نداشتند.

دقیقا زمانی که پرونده هسته ای ایران در مجامع بین المللی بار دیگر به جریان افتاد و غرب به سازمان های شانتاژ کننده برای جمع آوری اطلاعات و محکومیت و تحریم نیاز داشت. این همکاری به شکل عمیق تری شکل گرفت. آنها با موافقت خروج گروه از لیست ترور انگلستان در سال ۲۰۰۶ و لیست ترور اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۸ و لغو حکم انسداد دارایی ها در ۲۰۰۸ در اتحادیه اروپا بار دیگر سعی نمودند گروه مجاهدین را فعال و برجسته کنند.

در دهه نود با جدایی بسیاری از نیروهای قدیمی و اعضای اصلی افشاگری های گسترده ای انجام شد که علاوه بر روشن شدن حقایق وحشتناک درون تشکیلات ضربات جبران ناپذیری نیز بر وجهه رجوی فرود آمد.

### ■ اخراج اعضا به آلبانی با حمایت امریکا و دادن بیست میلیون دلار پول به کشور میزبان با همراهی کمیساریای عالی پناهنگان سازمان ملل رخ داد. پس از اخراج دور چهارم موج ریزش نیرویی فرقه در آلبانی کلید خورد. تا کنون حدود ۵۰۰ تن دیگر از اعضا قدیمی و جدید زنان و دختران جدا شدند

اخراج فرقه از عراق بین سال های ۹۲ تا ۹۴ یکی از سرفصل های مهم و ضربات استراتژیک اساسی بر پیکر سازمان بود. دو دهه سرمایه گذاری و آموزش های نظامی تشکیل ارتش و تئوری های رجوی مبنی بر حضور در جوار خاک میهن با اخراج آنان و بازپس گیری کمپ اشرف به گل نشست و نیروهای باقیمانده شکست خورده به آلبانی اخراج شدند.

اخراج اعضا به آلبانی با حمایت امریکا و دادن بیست میلیون دلار پول به کشور میزبان با همراهی کمیساریای عالی پناهنگان سازمان ملل رخ داد. پس از اخراج، دور چهارم موج ریزش نیرویی فرقه در آلبانی کلید خورد. تا کنون حدود ۵۰۰ تن دیگر از اعضا قدیمی و جدید زنان و دختران جدا شدند.

در یک دهه گذشته بخش سیاسی مجاهدین در اروپا و امریکا همه توان خویش را به کار می بندند تا خود را برای دولت مردان غربی در عرصه اپوزیسیون ایرانی با اهمیت جلوه دهند. استقبال غربی ها از این گروه نیز در همین راستا است که همواره برگی برنده در جیب داشته باشند. فرقه با گسترش مراکز خویش در کشورهای اروپایی و

سازمان حتی برای نیروهای وفادار از بین رفت. دوماه پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ بخش سیاسی گروه نیز در پاریس مورد حمله قرار گرفت. پلیس به اتهام فساد و پولشویی به دفاتر گروه در استرالیا و فرانسه حمله کرد مریم رجوی به همراه ۱۵۰ تن از اعضای قدیمی در فرانسه دستگیر شدند. شورای ملی مقاومت از سوی امریکا به عنوان بازوی سیاسی و دیپلماتیک سازمان در لیست ترور قرار گرفت. در طی این دو اقدام ساختار های سیاسی و نظامی فرقه دچار فروپاشی کامل شد. فعالیت نظامی برای همیشه تعلیق و تا چند سال هم فعالیت های سیاسی در اروپا معلق شد.

کمپ اشرف تا سال ۲۰۰۸ تحت نظارت و حفاظت امریکا قرار داشت و مقررات کنوانسیون چهارم ژنو در مورد آن اعمال می گردید. با کارشکنی و عدم موافقت فرقه برای اطاعت از دستور مسالمت آمیز خروج از عراق، درگیری هایی بین اعضای سازمان و ارتش عراق ایجاد شد. که منجر به کشتن دادن و زخمی شدن صدها تن شد. در نهایت دولت عراق تا سال ۲۰۱۱ به گروه مهلت داد کمپ را ترک کنند و دیپلماسی گروه با احزابی چون گفتمان ملی عراق و جبهه توافق برای عراق برای رد این دستور بی حاصل بود.

با عفو عمومی ایران در سال ۲۰۰۸ برای اعضای پیشیمان و فریب خورده گروه، چند صد نفر به ایران بازگشتند. مکانی (هتل مهاجر) هم برای اعزام جانشینان در قالب پناهنده به اروپا در بغداد فراهم شد که همه گونه کمک مالی در اختیار آنها قرار می گرفت تا بتوانند ازادانه راه دنیای جدید خود را انتخاب کنند.

از سال ۲۰۰۸ یادگان اشرف تحت نظارت دولت عراق قرار گرفت. و چندی بعد اعضای گروه با کمک نیروهای امریکایی به پایگاه دیگری به نام لیبرتی منتقل شدند تا مکانی برای آنها مشخص شود. این به معنای پایان ساختار نظامی مجاهدین و کمپ اشرف بود.

در کنار اضمحلال کمپ اشرف در عراق، در اروپا مجاهدین به شکل گسترده تر در زیر چتر حمایتی غرب و لابی های صهیونیست قرار گرفتند. طرف مقابل برای تقابل با ایران یک گروه مافیایی منضبط با قوانین سرسختانه نیاز داشت و کسی بهتر از مجاهدین نبود. مجموعه ای با چند هزار نیروی آموزش تروریستی دیده و مغزشویی شده! در طی یک دهه فعالیت های فرقه در راستای منافع غربی ها و صهیونیست علیه برنامه هسته ای ایران و شانتاژ در مسائل حقوق بشری ابعاد تازه ای یافت. مجاهدین به عنوان همکاران آنها فعالیت می کردند.



## ۱۶ سال انتظار برای نجات



کاظم پورخفاجیان  
عضو نجات یافته از  
فرقه رجوی

وقتی به خدمت سربازی رفتم دوست داشتم برای دفاع از وطن به جبهه های جنگ بروم تا اینکه در تاریخ ۱۸ مرداد ۶۵ عازم جبهه شدم اما متأسفانه در تاریخ ۲۴ تیرماه ۶۷ در منطقه زبیدات توسط ارتش عراق اسیر و به اردوگاه اسرای جنگی منتقل شدم. حقیقتاً شرایط اردوگاه برای اسرا خیلی سخت بود تا اینکه در سال ۶۸ مسئولینی از سازمان مجاهدین خلق به اردوگاه آمده و گفتند به مجاهدین بپیوندید تا زودتر آزاد شوید و کلی وعده های دیگر دادند از جمله فرستادن به اروپا. با توجه به فشارهایی که در اردوگاه بود متأسفانه فریب خورده و پیوستن به مجاهدین خلق را انتخاب کردم و در سال ۶۸ به همراه تعدادی دیگر از اسرا به کمپ اشرف منتقل شدم. من هر روز منتظر بودم وعده ای که مجاهدین به ما در اردوگاه داده بودند عملی شود تا اینکه مدتی بعد وقتی دیدم خبری نشد طبق معمول که در اردوگاه برای خانواده هایمان نامه می فرستادیم نامه ای نوشته و به مسئولین دادم تا برای خانواده ام ارسال کنند.

همچنین سؤال کردم کی ما را به ایران می فرستید؟ پاسخ آنها باعث تعجب من شد. مسئولین گفتند ما رسم نامه فرستادن نداریم و قرار هم نیست کسی را به ایران بفرستیم چون شما برای مبارزه با رژیم اینجا آمدید! در مراحل بعد برخورد مسئولین در مقابل خواسته ما شدید تر و با لحن تند تری صورت گرفت. کم کم احساس کردم نه تنها جسمم بلکه روح و روانم هم در اسارت است. من واقعا نگران بودم و در خلوت خودم از اینکه به مجاهدین پیوسته بودم بشدت پشیمان بودم. احساس می کردم در یک بیابان میان گله ای گرگ گرفتار شده ام.

سال ۶۹ فرصتی پیش آمد تا من بتوانم خودم را نجات دهم اما باز فریبکاریهای مجاهدین مانع از این شد که بتوانم تصمیم درستی بگیرم. موضوع از این قرار بود که در سال ۶۹ اعلام کردند تبادل اسرا صورت می گیرد و صلیب به کمپ اشرف می آید تا بتواند اسرایی که آمده بودند را به اردوگاه برای تبادل ببرد. اما قبل از ورود آنها مسئولین همه

شویم. اما واقعیت چیز دیگری بود. آنچه را که بعد از ورود به ایران تجربه کردیم متفاوت از ذهنیت ما بود. متفاوت از دروغ های رجوی که گفته بود اگر شما به ایران برگردید زندان و یا اعدام می شوید. تمامی اسرایی نیز که در سال ۶۹ هم به ایران برگشته بودند نه زندانی شدند و نه اعدام و ما هم که برگشتیم حتی یک روز زندانی نشدیم و به آغوش خانواده خود برگشتیم و زندگی جدیدی را شروع کردیم. من که از قبل زن و دو فرزند داشتم با دیدن آنها اشک شوق ریختم و خدای خودم را شاکر شدم. به هر حال درست است که بیش از ۱۶ سال از جوانی، زندگی ما در فرقه رجوی به هدر رفت و خیلی از زندگی عقب افتادیم ولی باز خدای خود را شاکر هستم که بالاخره توانستم از دام اسارت رجوی نجات پیدا کنم. من بعد از ورود به ایران در کنار خانواده ام به زندگی خود ادامه دادم و باز خدا را شکر که صاحب دو فرزند دیگر هم شدم. در حال حاضر در کنار همسر و فرزندانم روزگار خوب و خوشی سپری می کنم و دخترانم هم مدتی است که ازدواج کردند. اما از اینکه می بینم تعدادی دیگر از دوستان سابقم هنوز در اسارت فرقه رجوی در آلبانی به سر می برند واقعا برایشان متأسف و ناراحت هستم و آرزو می کنم آنها هم به زودی بتوانند با تصمیم درست خودشان را نجات دهند و زندگی جدیدی را برای خود شروع کنند و پیامم به آنها این است که کافی است برای رهایی خود اراده کنند. زندگی در دنیای بیرون از تشکیلات جهنمی رجوی بسیار زیباست و به همین دلیل رجوی سالها من و امثال شما را از آن محروم کرده بود. به امید آزادی تمامی اعضای گرفتار از تشکیلات جهنمی مجاهدین خلق در آلبانی.

ما را جمع کردند و برای ترساندن ما از جدایی گفتند: چون شما به ما پیوستید در صورت بازگشت به ایران، دستگیر و اعدام می شوید! تعدادی پذیرفتند و رفتند. اما تعدادی هم مثل من ترسیدیم و ماندن در مجاهدین را انتخاب کردیم تا شاید مثلاً به اروپا فرستاده شویم. اما بعد از این جریان اتفاقاً مسئولین سازمان روز به روز فشارها را بر ما زیادتر کردند و هر کس هم اعتراضی داشت تهدید می شد که به زندان ابوغریب فرستاده می شود و ما باز از سر ترس مجبور به سکوت شدیم. کم کم رهبر فرقه با نشست های مغزشویی تمام تلاش خود را کرد تا هر آنچه از عشق و علاقه به خانواده و زندگی است را در وجود ما از بین ببرد و با ایجاد جو خفقان، حرف زدن درمورد آن را برای ما مرز سرخ اعلام کرد و در ادامه فشارهای روحی و روانی را روز به روز بر ما افزایش داد به طوری که آزادی که هیچ بلکه مرگ را آرزو می کردیم و منتظر فرجی ازسوی خداوند بودیم چون واقعا راه فراری نبود و به زبان آوردن طرح جدایی هم عواقب سختی برایشان داشت. این انتظار برای من بیش از ۱۶ سال طول کشید تا اینکه ارباب رجوی یعنی صدام سقوط کرد و به نوعی جو اختناق کمتر شد و با آمدن آمریکایی ها فرارها از کمپ اشرف شدت گرفت و من هم جرات کردم و در سال ۸۲ توانستم از کمپ اشرف فرار و به تیف آمریکایی ها بروم و خوشبختانه بعد از مدتی توانستم با حمایت صلیب سرخ به ایران برگردم.

بازگشت به وطن اما با دلهره عجیبی همراه بود. اینکه چه اتفاقی برایم خواهد افتاد! اما من و بقیه پذیرفته بودیم که در ایران هر بلایی سرمان بیاید بهتر از این است که به دور از خانواده در جهنم رجوی بیوسیم و نابود



## فشار واشنگتن بر آلبانی برای حمایت از فرقه رجوی

■ سنای آمریکا خواستار بی توجهی آلبانی به درخواست‌های اینترپل شد!  
■ فرصتی برای خروج یا محدودیت جدید اعضا؟

مقابله با فرقه رجوی و درخواست از دولت آلبانی برای پایان دادن به میزبانی از ساکنان تروریست اشرف ۳، تاکید کرده است که حمایت بین‌المللی از فرقه تروریستی رجوی به‌ویژه از مریم رجوی، سرکرده این گروهک را به رسمیت می‌شناسد.

به نظر می‌رسد طرح جدید سنای آمریکای یک نوع بازی سیاسی برای خاموش کردن فشارهای افکار عمومی و اعتراض‌های پی در پی خانواده‌های چشم انتظار به نهادهای حقوق بشری مبنی بر عدم رعایت حقوق اولیه انسانی عزیزانشان در زندان رجوی، توسط فرقه طرح‌ریزی شده است. البته پیش از این نیز هنگام یافتن محلی جهت اسکان اعضای فرقه رجوی پس از اخراج از عراق، با میانجی‌گری واشنگتن، آلبانی برای این کار تعیین شد و در همان ابتدای استقرار آن‌ها نیز این ادعا می‌شد که اعضا می‌توانند از طریق کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان از امتیازهای مادی و حقوق شهروندی برخوردار شوند اما در عمل دیدیم که این اتفاق نیفتاد و خود این موضوع دستاویزی برای سرکوب بیشتر اعضای خواهان جدایی شد.

باید منتظر ماند و دید این طرح در صورت اجرا، تف سربالایی علیه خود فرقه رجوی و فرار اعضا می‌شود و یا موجب محدودیت بیشتر برای اعضای گرفتار در آن خواهد بود؟ اعضای نجات یافته از فرقه رجوی بارها اظهار داشتند که اگر ذره ای آزادی و امید به آینده در بیرون برای اعضا به وجود آید، هیچ کس در این فرقه جهنمی نخواهد ماند.

دولت آلبانی می‌خواهد که روندی را آغاز کند که اعضای فرقه رجوی (که واشنگتن از آن‌ها با عنوان پناهندگان سیاسی و ناراضی‌های ایرانی یاد می‌کند) از حق مشارکت در زندگی سیاسی و اجتماعی در آلبانی برخوردار شوند؛ به نظر می‌رسد آمریکا پس از مشاهده افزایش تنش‌ها میان فرقه رجوی و دولت آلبانی پس از تفتیش اشرف ۳ از سوی پلیس در تابستان گذشته، برای تیرانا خط قرمزی را تعیین کرده است.

سنای آمریکا در قطعنامه یادشده مدعی است که اعضای ساکن اشرف ۳ باید از حقوق اولیه خود، از جمله آزادی بیان و تجمع و توانایی شرکت در فعالیت‌های سیاسی قانونی در آلبانی برخوردار شوند و دولت آمریکا می‌بایست اقدام‌های مناسب و فوری را مطابق با قوانین بین‌المللی، برای کمک به آلبانی جهت تضمین و حفاظت از تمام حقوق اساسی ساکنان اشرف ۳ انجام دهد.

از جمله حقوق اولیه ادعایی سنای آمریکا برای اعضای فرقه رجوی می‌توان به حق حیات، آزادی، امنیت، حمایت از دارایی و آزادی بیان و تجمع اشاره کرد.

جالب‌تر اینکه سنای آمریکا خواستار بی‌توجهی آلبانی به درخواست‌های اینترپل جهت استرداد ساکنان اردوگاه اشرف ۳ شده است، زیرا به ادعای واشنگتن اعلان‌های قرمز اینترپل برای اعمال محدودیت‌ها و درخواست استرداد سرکردگان فرقه رجوی به ایران، درست نیست.

سنای آمریکا در بخشی از قطعنامه ادعایی خود، ضمن محکوم کردن ایران به دلیل

در شرایطی که از ماه‌ها پیش لابی‌های فرقه رجوی در آمریکا در حال پول پاشی روی سناتورها بودند، یک رسانه آلبانیایی فاش کرد که واشنگتن براساس قطعنامه سنای آمریکا از تیرانا خواسته است تا حمایت خود را از فرقه رجوی افزایش دهد.

به گزارش فراق، به‌تازگی رسانه آلبانیایی گزتا ایمپکت در گزارشی فاش کرده که آمریکا در تلاش است تا دولت آلبانی را به پذیرش آنچه واشنگتن حق تجمع و مشارکت سیاسی فرقه تروریستی رجوی خواند، وادار کند. براساس این گزارش، آمریکا از دولت آلبانی می‌خواهد تا روندی را آغاز کند که افرادی که واشنگتن از آن‌ها با عنوان پناهندگان ایرانی یاد می‌کند، از حق مشارکت در زندگی سیاسی و اجتماعی آلبانی برخوردار شوند.

مبنای درخواست یادشده آمریکا از آلبانی قطعنامه ۲۰ مارس ۲۰۲۴ (فورودین ۱۴۰۳) سنای این کشور است که به ادعای واشنگتن در پی به صدا درآمدن زنگ هشدار ناشی از تهدیدهای متوجه آوارگان ساکن اشرف ۳، تهیه شد.

قطعنامه یادشده که تد کروز، سناتور ضدایرانی از جمله حامیان آن بوده، با طرح این ادعا که اعضای ساکن در اشرف ۳ تحت تهدیدهای فزاینده قرار دارند، درخواست‌هایی را مطرح کرد که تیرانا مخاطب آن‌هاست؛ افزایش همکاری آمریکا و آلبانی برای فراهم کردن شرایط لازم جهت حفاظت از اعضای فرقه رجوی مستقر در اردوگاه اشرف ۳. آمریکا در چارچوب قطعنامه یادشده از

مسئول انجمن نجات گیلان به «مای ساتو»

## دنبال حقوق بشر ضایع شده با چشمان باز باشید

قربانیان فرقه رجوی پاسخ جدی می‌خواهند

علی پوراحمد



همچنین به واسطه داده‌ها و القائات فکری فرقه‌ای، گمان می‌کردم در صورت بازگشت به وطن و زادگاهم، قبل از اعدام حتمی از زندان و شکنجه به‌دست زندانبانان زندان مخوف ایران، مستثنی نخواهم بود و این ورود به ایران، بسیار دهشتناک می‌نمود. طوری که در بدو ورود به ایران و به محض فرود هواپیمای سپید رنگ سازمان ملل در فرودگاه مهرآباد تهران، به دنبال جرثقیل‌های اعدام و طناب دار کاذب می‌گشتم که رجوی‌ها به من وحشیانه و با دوز و دغل و دروغ القا کرده بودند، و به همین دلیل به شدت در اضطراب و استرس بودم و مرگ را بی‌آنکه چانه‌ای در کار باشد، پیشاپیش پذیرفته بودم.

خانم محترم

به‌واسطه سوابق نیک‌تان، عمیقاً احترام قائل هستم و به محض معرفی‌تان به‌عنوان گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران، بعد از

رجوی موسوم به مجاهدین خلق هستم. پس از ربع قرن همسویی، همفکری و همکاری همه‌جانبه با آنان، آنگاه که فهمیدم در یک دستگاه مخرب مغزشویی و کنترل ذهن قرار دارم و از هویت ذاتی خود و استقلال فکری‌ام تهی شده‌ام و چون ربانی در اختیار افکار فرقه‌گرایانه رهبر بلامنازع، مسعود رجوی، مشکوک‌الحال بر علیه ملت و سرزمینم ایران قرار دارم، شجاعانه با یک «نه» قاطع و پرهزینه از آن مناسبات فرقه‌ای، جهنمی و غیردمکراتیک جدا شدم و به دنیای آزاد، به‌ویژه وطن و در آغوش مهربانانه خانواده‌ام بازگشتم.

از جدایی تا رهایی و بازگشت به وطن، امر حقوق بشر را با نگاهی متفاوت لمس و تجربه کردم. قیمت جدایی از رجوی‌ها، بازخواست و تحقیق بود تا شکنجه و زندان که ناگزیر باید برای کسب آزادی تحملش می‌کردم.

مسئول انجمن نجات گیلان خطاب به «مای ساتو» گفت: خانم محترم، چشم باز کنید و با وجدان بیدار، دنبال حقوق بشر ضایع شده اعضای ناراضی در فرقه تروریستی رجوی باشید!

به گزارش فراق، علی پوراحمد در نامه‌ای به مای ساتو، گزارشگر جدید سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران نوشت: با سلام و درودهای فراوان، سرکار خانم مای ساتو

برای یک امر خیر و خداپسندانه در حوزه یک کارزار انسانی و رهایی‌بخش در خصوص قربانیان تروریسم رجوی، اعم از اسیران و خانواده‌های چشم‌به‌راهشان، مزاحم اوقات شما می‌شوم. در معرفی مختصر خود کافی است بگویم که علی پوراحمد، فعال حقوق بشر و آشنا به مسائل سیاسی، به‌ویژه کارشناس امور فرقه ستیزه‌جو و تروریستی

پایان یافتن مأموریت بی‌حاصل جاوید رحمان، بسیار شادمان شدم و به نمایندگی از سیل خانواده‌های دردمند و چشم‌به‌راه اسیران رجوی، مطالبه‌ای دارم که ان‌شاءالله با دیده دل بنگرید تا محقق شود.

پس با من با شکیبایی همراه باشید و کمی با یک جماعت تروریستی و ناقض حقوق بشر به نام سازمان مجاهدین خلق با محوریت شرارت مریم قجر عضدانلو، ملقب به رجوی، آشنا شوید.

فرقه تروریستی رجوی بالغ بر ۱۲ هزار تن از هموطنانم از اقشار مختلف را صرفاً به دلیل عدم تفاهم با خود و همراهی و همگامی با هیئت حاکمه منتخب خود، با صیعبیت تمام قتل و کشتار کردند و به قربانگاه فرستادند و خانواده‌هایشان را مصیبت‌زده کردند.

فرقه ستیزه‌جوی رجوی، هزاران تن از اعضای اغفال شده خود را در مقابل مردمان خود قرار دادند که در عین نوجوانی و جوانی، به دلیل خشونت عریان مرتکب شده، به زندان و کام مرگ فرستاده شدند تا پدر و مادرها و سایر اعضای خانواده آنان را به قبرستان بکشاند و در غم و اندوه از دست دادن عزیزانشان در خود بیچند.

فرقه وطن‌فروش رجوی در همکاری و همگامی با صدام، آن دشمن متجاوز به خاک و نوامیس ایرانیان، جنایات بیشماری را مرتکب شد و منفور ملت خود گشت.

فرقه قرون وسطایی رجوی در حق اعضای خود، اولین ناقض حقوق بشر بوده که برخی از کارشناسان، سطح آن را بسیار فرورونده و بی‌سابقه قلمداد کردند، طوری که شخصاً به‌عنوان عضوی با سابقه، بر صحت و سقم آن صادقانه گواهی می‌دهم و خود و سایر جدانشدگان از فرقه مقیم ایران، مصداق بارز آن به شمار می‌رویم.

از مصادیق بارز نقض حقوق بشر در مناسبات فرقه‌ای رجوی، خطوط قرمز و ممنوعه فراوان داریم که حادث‌ترین‌شان عبارتند از:

اجتماع دو نفره و چند نفره ممنوع، دیالوگ و محفل زدن ممنوع، گوش دادن به رادیو ممنوع، تامل و تفکر انفرادی ممنوع، صحبت کردن زن و مرد با یکدیگر ممنوع، رایج کردن امر تفکیک جنسیتی ممنوع، بیکار

ماندن و استراحت کردن ولو برای بیماران، ممنوع، انتقاد کردن از رهبر ممنوع، داشتن خانواده، زن و فرزند ممنوع، فکر کردن و ایجاد رابطه عاطفی، ولو در افکار، ممنوع، رادیو، تلویزیون، موبایل، تلفن و اینترنت و فضای مجازی به کلی ممنوع،

ازدواج ممنوع و فکر کردن به آن ممنوع، همراه با اشد مجازات، تماس تلفنی و هرگونه ارتباط عضو فرقه با خانواده و بالعکس ممنوع و ...

برای اعضای فرقه، همه چیز ممنوع است، الا کار اجباری و گوش به فرمان بودن تام و تمام، ربات‌وار و بردگی بی‌چون و چرا.

خانم محترم

چشم باز کنید و با وجدان بیدار، دنبال حقوق بشر ضایع شده اعضای ناراضی در فرقه تروریستی رجوی باشید! انصاف به خرج دهید و دور از هرگونه منفعت‌طلبی زودگذر و مصالح سیاسی القا شده مدعیان کاذب و دروغین حقوق بشر، موجب شوید که اسرای نگون‌بخت رجوی در پایگاه‌های اسارت بار رجوی در اقصی نقاط اروپا، به‌ویژه در اسارتگاه آلبانی، بتوانند با خانواده‌های چشم‌انتظار خود ارتباط حضوری برقرار کرده و دست‌کم مکالمه تلفنی داشته باشند.

به‌عنوان کارشناس و کاربلد کار و مرتبط با قربانیان فرقه بزهکار رجوی، به شما توصیه می‌کنم مسئولانه پرس‌وجو کنید و حقیقت را از سران تشکیلات مافیایی رجوی، به‌ویژه مریم قجر عضدانلو، آویزان به معاندان خشونت‌طلب آمریکایی، مورد سوال قرار دهید تا نام‌تان در تاریخ دفاع از حقوق بشر نیک بدرخشد.

سرکار خانم



همچنانکه اشاره کردم، به اقتضای روحیات و افکار نوع‌دوست‌طلبانه‌ام، با شمار زیادی از خانواده‌های اعضای گرفتار در فرقه مافیایی رجوی مرتبط هستم و در دفتر کار یا در منازلشان دیدارهایی با آنان داشته و دارم، شاید که بتوانم فریادرس آنان بوده و صدای حق‌طلبانه مشروع آنان را به گوش وجدان‌های بیدار و سازمان‌های حقوق بشری، از جمله شما که در رأس هیئتی از آن قرار دارید، برسانم.

خانم محترم

متعاقب به اتمام رسیدن دوره زمامت بی‌نتیجه و بی‌حاصل احمد شهید، خانم عاصمه جهانگیر در منصب گزارشگر ویژه جای گرفت که متأسفانه قبل از انجام اقدام عاجل و پاسخگویی به نامه عاجزانه و استمدادطلبانه اینجانب، در اثر بیماری دیار فانی را ترک کرد و مطالبات‌مان را بی‌پاسخ گذاشت و به رحمت خدا رفت. با روی کار آمدن جاوید رحمان، با وجود اینکه برایش به‌عنوان یک جدانشده از فرقه ستیزه‌جوی رجوی، نامه دادخواهی نوشتیم، متأسفانه به‌واسطه تأثیرپذیری از القائات مسموم رجوی‌ها، تأثیر نپذیرفت و اقدامی چشمگیر در خصوص رسیدگی به نقض حقوق بشر اسیران رجوی صورت نپذیرفت.

حال از شما انتظار می‌رود که با وجود روحیه لطیف انسانی و ظلم‌ستیزی که از شما سراغ دارم، به مطالبات قربانیان رجوی، اعم از اسیران و خانواده‌های چشم‌انتظارشان، اقدامی عاجل و ستودنی پاسخ جدی دهید تا نام‌تان به نیکی در تاریخ کارزار انسانی با یک فرقه مخرب کنترل ذهن و تروریستی ثبت شود.

**فرقه ستیزه‌جوی رجوی، هزاران تن از اعضای اغفال شده خود را در مقابل مردمان خود قرار دادند که در عین نوجوانی و جوانی، به دلیل خشونت عریان مرتکب شده، به زندان و کام مرگ فرستاده شدند تا پدر و مادرها و سایر اعضای خانواده آنان را به قبرستان بکشاند و در غم و اندوه از دست دادن عزیزانشان در خود بیچند**

# ۱۱۹۲

## وقتی قاتلان کارگر، نگران حقوق کارگران می‌شوند!



فرقه تروریستی رجوی که بر اساس آمار رسمی، ۱۱۹۲ کارگر را در ایران به شهادت رسانده از هر روز شمار و فرصتی استفاده می‌کنند تا دستاویزی برای حیات خود که رو به فناست داشته باشد.

رجوی‌ها که تا قبل از این در ایدئولوژی‌های مسخره خود، آمریکا را دشمن بزرگ اقتصاد جهانی و قشر کارگر معرفی می‌کردند امروز در رسانه‌های خود، زیر سایه آمریکا و قدرتهای تروریستی جهانی مدعی دفاع از حقوق کارگر هستند.

این خاصیت منافق است که تمام تلاش خود را صرف تحریم و سخت کردن گذران زندگی برای همین قشر کارگر و زحمت کش نموده و در مقابل دوربین، برای آن‌ها اشک تمساح بریزد.



## مسعود رجوی و عجزه

# باید تاوان

## عملکرد خود را بدهند

مریم سنجابی



آن‌ها قدیمی شود. واقعیت سوم در مورد جذب کودکان و نوجوانان به تشکیلات مجاهدین است. طبق مستندات منتشره، بیش از ۸۷۰ کودک در دهه ۶۰ همراه با خانواده به کمپ اشرف و عراق منتقل شدند و تحت مغزشویی‌های فرقه قرار گرفتند. این ارقام جدا از چند صد نفر دیگری است که در سنین نوجوانی از ایران یا اروپا فریب داده و مستقیماً به کمپ‌های نظامی عراق برده شدند. در زمان محدودی در دهه ۶۰ جهت سفیدسازی برای کودکان و نوجوانان داخل کمپ نظامی سازمان در عراق، مدارس تشکیل شد. کودکان را در حالی که از خانواده‌هایشان جدا شده بودند، در کرکوک و بیابان‌های خالص در اماکنی تحت عنوان مدرسه و پانسیون با مربیانی از سرسپرگان فرقه نگهداری می‌کردند. در آن مدارس، تاریخ مورد نظر فرقه و آموزش‌های مغزشویی به کودکان تعلیم داده می‌شد. کودکانی که هرگز رنگ زندگی معمول و عادی را ندیدند و اکثریت نوجوانان سیزده سال به بالا در دهه ۷۰ به تشکیلات نظامی منتقل شدند. در حالی که قرار بود آن‌ها را به اروپا بفرستند، کمتر از یک سال نشده با شیدایی از کشور اردن (دارای پایگاه‌های موقت فرقه) به کمپ‌های نظامی برگردانده شدند و تحت آموزش نظامی قرار گرفتند.

کودکی که همراه با پدر و مادرهایشان به کمپ‌های نظامی برده شدند و بعد از آن تاریخ، تعداد قابل توجهی از آن‌ها را به سربازی گرفتند. این اقدام با داشتن صدها شاهد هرگز نمی‌تواند انکار شود. مسئول پرونده‌های پرسنلی شامل مستندات فرقه طی سال‌های ۸۰ تا ۸۹، در یادداشت خود ادامه داده است: خوشبختانه، اغلب آن‌ها زنده و حاضرند. همان تعداد محدودی که لب به سخن گشودند، لرزه بر پیکر فرتوت فرقه انداختند. وای به روزی که تعداد بیشتری از واقعیت‌های دهشتناک درون فرقه سخن بگویند. تعدادی از آن نوجوانان را هم به کشتن دادید! خیالتان راحت باشد که برای همه مقوله‌ها به اندازه کافی شاهد وجود دارد. واقعیت دوم: سازمان مجاهدین زندان‌های متعدد دارد. این زندان‌ها ثابت و دوره‌ای هستند و شکنجه‌گاه‌هایی وجود دارد که در آن‌ها تعداد بسیار زیادی از ناراضیان به قتل رسیده‌اند، از جمله قربانعلی ترابی (پدر آقای محمدرضا ترابی)، تعداد بسیار زیادی نیز به سختی شکنجه شده‌اند (از جمله این جانب و خانم مریم ترابی و...).

بر اساس قوانین خودساخته فرقه، تمامی افرادی که خواهان جدایی هستند، بین شش ماه تا دو سال اجازه خروج ندارند و باید به زندان مجاهدین بروند تا به اصطلاح اطلاعات

قتل، شکنجه، جنایات و کودک‌ربایی سازمان مجاهدین مشمول مرور زمان نخواهد شد و مسعود رجوی و عجزه فرقه در هر زمان باید تاوان عملکرد خود را بپردازند. به گزارش فراق، مریم سنجابی، یکی از شاهدان شکنجه و زندان در سال‌های ۷۳ تا ۷۴ به دستور شخص رجوی و به دست عوامل فرقه با ارسال یادداشت اختصاصی به فراق نوشت: سازمان تروریستی مجاهدین اخیراً با انتشار بیانیه‌ای سخیف و سراسر دروغ، میلیشیاها، یعنی همان فرزندان اعضایش را که در سنین کودکی و نوجوانی به سربازی برده‌اند، به سخره گرفته و آن‌ها را کودک سربازان قرن گذشته نامیده است. همچنین، با وقاحت همیشگی، منکر زندان و شکنجه‌ها شده‌اند. سوال اینجاست: اگر این افراد مهم نیستند، پس چرا از کودک سربازان قرن گذشته این قدر وحشت زده هستید و یک خط در میان علیه آنان اطلاعی و ابلاغیه می‌دهید، وکیل می‌گیرید و در کشورهای مختلف به تلاطم می‌افتید؟ هر جا پای همین به قول خودتان کودک سربازان قرن گذشته می‌رسد، به لرزه درمی‌آید، بسیج نیرو می‌کنید و شروع به شانتاژ و سرکوب می‌نمایید. واقعیت این است که هرچقدر خودتان را به در و دیوار بکوبید، وجود آن‌ها و جرمی که مرتکب شده‌اید را نمی‌توانید انکار کنید. ۸۷۰

حدود ۲۷۰ تن از کودکان ارسالی به اروپا نیز در سال‌های بعد، که اغلب زیر سن قانونی و نوجوان بودند، دوباره به کمپ عراق قاچاق شدند. شاهد مستندات شکنجه، قتل و خودکشی زنان و مردان ناراضی فرقه در این یادداشت تصریح می‌کند، کلمه قاچاق شاید محترمانه‌ترین و مناسب‌ترین کلمه‌ای باشد که در این رابطه می‌توان گفت. چرا که اغلب آن کودکان با هویت‌های جعلی در کشورهای اروپایی و در پانسپون‌های مختص فرقه تحت مغزشویی بودند، لذا به راحتی اختیار آن‌ها را داشتند و دوباره مخفیانه به عراق برگردانده

شدند. لیست کودکان کمپ اشرف - نوجوانان ۱۳ تا ۱۴ ساله‌ای که چه به بهانه خانواده و چه به‌طور جداگانه از ایران و اروپا فریب داده و به کمپ عراق برده شدند - لیست زندانیان، شکنجه‌شدگان، کودکانی که در خانواده‌های هوادار اروپا مورد سوءاستفاده اخلاقی و غیره قرار گرفتند، اسامی افراد به قتل رسیده و همچنین کودک سرایانی که در کمپ اشرف قربانی شدند، همه موجود و قابل ارائه به دادگاه‌های بین‌المللی است. گمان نبرید جنایات شما مشمول مرور زمان خواهد شد. این نوجوانان که زندگی

آن‌ها را قربانی اهداف کثیف و خائنانه خود کردید، فراموش نخواهند کرد. علاوه بر آن، حقیقت بزرگ‌تر این است که بسیاری از اعضای فرقه رجوی در سنین نوجوانی و دانش‌آموزی به دام افتادند که در جای خود، آن‌ها نیز کودک سر باز محسوب می‌شوند. سازمان مجاهدین از جنایات و خیانت‌هایی که در حق مردم ایران و اعضای خود مرتکب شده، نمی‌تواند فرار کند. گم و گور شدن رجوی جانی و دربردی عجوزه فرقه، کمترین عقوبتی است که فعلاً به آن دچار شده‌اند.

## دادخواهی برای یک حسرت همیشگی



## چه کسی داغ مادر شدن را بر دل این زن گذاشت؟

بازخوانی جنایات تروریست‌های مجاهدین خلق در دهه ۶۰ داغی هست که هنوز هم بر دل مردم ایران تازگی دارد. به گزارش فراق، منیژه صفی‌یاری، یکی از قربانیان اعمال مجاهدین خلق است که انفجار تروریستی در بازار تهران، زندگی‌اش را در ۱۷ سالگی دگرگون کرد و هم اکنون در دادگاه محاکمه سرکردگان فرقه رجوی در تهران برای دادخواهی آمده است. وی طی ۴۰ سال گذشته به‌عنوان جانباز ۷۰ درصد تلاش کرد تا علاوه بر حفظ روحیه

و پیش بردن مسیر زندگی خود، روحیه مادرش را نیز حفظ کند؛ چراکه وی هم بر اثر همان حادثه دچار جراحت‌هایی شد که زندگی و سلامتی‌اش را تحت‌الشعاع قرار داد. صفی‌یاری وقتی در شانزدهمین جلسه این دادگاه در جایگاه قرار گرفت، با اشاره به اینکه در چهار دهه گذشته برای ارتقای زندگی تحصیلی و ورزشی تلاش کرده، از یک حسرت خود حرف زد؛ وی به قاضی گفت: منافقین من را از نعمت مادر شدن محروم کردند. این جانباز اقدام تروریستی فرقه رجوی از

دادگاه خواست تا متهمان پرونده را مجازات و ملزم به پرداخت غرامت کند. وقتی صفی‌یاری از حسرت مادر شدن در پی جنایت عوامل مجاهدین حرف می‌زد، موضوع زنان عضو این فرقه تروریستی را به ذهن می‌آورد که به خاطر برنامه‌های شوم این فرقه از حق مادر شدن محروم شده یا ناچار به جدایی اجباری از فرزندانشان شدند. مجاهدین برخلاف ادعاهایشان، نه فقط ارزشی برای زنان قائل نیستند، بلکه حتی به جنگ با زنان می‌روند.

## فشار کشنده کودکان سابق «کمپ اشرف» روی فرقه رجوی

■ مزدا پارسی



گنجهای ۱۷ ساله از جمله این کودکان هستند که زیر سن قانونی و رسماً به واسطه شرکت در عملیات های مجاهدین خلق کشته شدند. در متنی که وب سایت مجاهدین خلق زیر نام این کودک سربازان کشته شده، درج کرده است، مستقیماً اعلام شده است که این کودک در منطقه، عملیات چلچراغ یا فروغ جاویدان کشته شده است. این افراد سوای چند ده کودک سربازی هستند که در درگیری با نیروهای عراقی در کمپ اشرف پس از سقوط صدام حسین کشته شدند.

مریم قیطانی، غلامرضا یارسه نیا و پیمان ملتی راد در عملیات فروغ جاویدان کشته شدند. مرتضی گنجهای هم در عملیات آفتاب کشته شد.

او فرزند گنجهای، روحانی عضو مجاهدین خلق بود. عفت اقبال در خاطره‌ای که در حساب کاربری فیس بوک خود درباره خانواده گنجهای به اشتراک گذاشته است درباره مرتضی و خواهر و برادر دیگرش می‌نویسد: «آنها دو پسر و یک دختر داشتند بنام‌های مصطفی، مرتضی و قدسی که هر سه در

مشکل فنی و حقوقی است، چرا که بر اساس کنوانسیون های بین المللی و تعاریف نهادهای حقوق بشر کودک سرباز به هر انسان زیر ۱۸ سالی اطلاق میشود که عضو یک گروه نظامی باشد. بر اساس این تعاریف، کودک سرباز می‌تواند به عنوان نیروی نظامی، آشپز، نامه‌رسان، باربر یا برده جنسی در این گروه های نظامی خدمت کند. بنابراین کودکانی که زیر ۱۸ سالگی به پادگان‌های مجاهدین خلق در عراق برده شدند، فی نفسه کودک سرباز بودند و استخدام آنها خلاف قوانین بین المللی بوده است.

اما مسئله مهم تر ادعای عجیب مجاهدین خلق است که کودک سربازان آنها در عملیات نظامی شرکت نکرده‌اند، در حالی که در رسانه های مجاهدین خلق آشکارا تصاویر، زندگی نامه و تاریخ شهادت کودک سربازانی را میبینیم که زیر ۱۸ سالگی و به اذعان تشکیلات در عملیات های نظامی به فرماندهی مسعود رجوی یا مریم رجوی کشته شده اند.

مریم قیطانی ۱۵ ساله، غلامرضا پارسه نیا ۱۵ ساله، پیمان ملتی راد ۱۷ ساله، مرتضی

این روزها اظهارات کودک سربازان پیشین مجاهدین خلق بیش از همیشه مجاهدین خلق را تحت فشار قرار داده است. به راه افتادن موج رسانه‌ای درباره کودکان مجاهدین خلق، آن هم در اروپا موجب شده است که ماشین تبلیغاتی مجاهدین خلق با تولید محتوایی برای مقابله با این موج به اتهام زنی علیه اعضای جدا شده به ویژه کودک سربازان پیشین خود شدت ببخشد. این شیوه مألوف مجاهدین خلق است.

با این حال اقدام اخیر شورای به اصطلاح ملی مقاومت برای انتشار اطلاعیه علیه محمدرضا ترابی چنان با دستپاچگی همراه بود که از میان خطوط و واژه‌های متن اطلاعیه می‌توان تایید حضور کودک سربازان در ارتش مجاهدین خلق را دریافت. در این اطلاعیه آماده است: «استفاده از کودک سربازان در عملیات نظامی توسط مجاهدین در قرن گذشته نیز حتی در یک مورد صحت ندارد.» به این معنا که بله کودک سربازانی در سازمان حضور داشته‌اند اما از آنها در عملیات نظامی استفاده نشده است. ادعای مجاهدین خلق از اساس دارای





پاریس مشغول تحصیل و شاگردان ممتازی بودند، بعد از انقلاب ایدئولوژیک هر سه آنها تحصیلاتشان را رها کرده و وارد تشکیلات مجاهدین شدند و بلافاصله به عراق فرستاده شدند.

در آن زمان مصطفی حدود ۱۸ سال و مرتضی کمتر از ۱۶ سال و قدسی دختر بچه‌ای بیش نبود. متأسفانه مرتضی که نوجوانی بیش نبود و هیچ تجربه و آموزشی از جنگ نداشت در بهترین دوران سن بلوغ در عملیات آفتاب کشته شد، مصطفی و قدسی هنوز در آلبانی به سر می‌برند.»

شمار کودک سربازان مجاهدین خلق که در عملیات های نظامی شرکت کردند، قطعاً بسیار بیش از این است.

کمری خود را به او هدیه داد. ذهیر از کودک سربازانی بود که بعدها در درگیری با نیروهای عراقی در فرودین ۱۳۹۰ کشته شد.

مجاهدین خلق از عراق به اروپا و آمریکا حاضر نشد با آنها برود و درخواست کرد که در عراق بماند. در پاسخ، مسعود رجوی کلت

از جمله خاطره مشهوری درباره ذهیر ذاکری، فرزند ابراهیم ذاکری که به ادعای رسانه‌های تشکیلات به هنگام انتقال کودکان

## خانواده بهترین التیام بر زخم‌های اسارت

علی مرادی

نجات یافته از فرقه رجوی

است. شیرینی زندگی آزاد و مستقل گاهی کلاً آن دوران تلخ را از یادمان می‌برد با این حال به عمد سعی دارم همیشه نیم نگاهی به گذشته داشته باشم تا قدر داشته‌های الانم را بهتر بدانم و در کنار آن تلاش کنم تا دیگر دوستانم که هنوز در بند فرقه اسیر هستند هم هرچه زودتر در این دنیای شیرین و شیرین‌کامی‌هایم سهیم شوند.

امیدوارم روزی بیاید که دیگر هیچ انسانی در چنگال این فرقه شوم گرفتار نباشد. هیچ انسانی زیر سایه این تشکیلات مخوف بمباران کینه و تنفر از خانواده و عزیزانش نباشد و همه اسیران گرفتار بتوانند در اوج رهایی برای آینده خود تصمیم بگیرند و همه طعم شیرین زندگی را بچشند و لذت ببرند.

و خودمحور و با اذهان بیمار قرار می‌گیرد.

اگر چه خاطرات دردآور این دوران سیاه همواره و مچون کابوسی وحشت‌آور ما را رها نمی‌کند با این حال، روز به روز این تلخی‌ها جایش را به شیرین‌کامی زندگی آزاد و دور از فرقه می‌دهد.

شیرینی داشتن آنچه در فرقه از آنها محروم بوده‌ایم و شاید فقط رویایش را در سر می‌پروراندیم و البته رویایش را هم در هفت پستوی ذهن پنهان می‌کردیم تا مبدا عوامل فرقه پی‌برند و به خاطرش محاکمه‌مان کنند.

طعم گوارای داشتن خانه و زندگی و همسر و فرزند و اوقات خوش در کنار دوستان و آشنایان و فامیل و هم‌محله‌ای‌ها بهترین التیام بر زخم‌های کهنه‌ای است که فرقه بر وجودمان گذاشته

سخن گفتن از دوران سخت و طاقت‌فرسای زندگی در درون مناسبات فرقه رجوی، از شستشوی مغزی گرفته تا نفرت پراکنی نسبت به پدر و مادر و خانواده، سیاه‌نمایی نسبت به وضعیت ایران و تنظیم افراد برای رفتار در غالب چارچوب‌های فرقه‌ای و از یاد بردن زندگی و لذت‌های مشروع آن، بسیار سخت و دشوار است و تنها افراد رهایی‌یافته از این همه محدودیت و محرومیت قادر به درک آن هستند. چراکه سالها زندگی‌شان را در چنین شرایطی سپری کرده‌اند. برخی کارکردهای فرقه آنچنان عجیب و دور از ذهن است که شاید برای افراد عادی جامعه باورپذیر نباشد.

شاید باورپذیر نباشد که چطور می‌شود جسم و جان و روح عده‌ای انسان در تسخیر رهبران دیکتاتور و قدرت‌طلب

## وقتی قاتلان ۱۲۰۰ کارگر برای حادثه معدن طبس اشک تمساح می ریزند



فرقه تروریستی رجوی که دستش به خون ۱۲۰۰ کارگر ایرانی آغشته است، حالا در ماجرای معدن طبس به صورت نمایشی با کارگران اظهار همدردی می‌کند و فکر می‌کند که می‌توانند نقابی بر جنایات خود بزنند.

به گزارش فراق، حادثه تلخ معدن طبس با ابراز ناراحتی عموم مردم کشورمان همراه شده و موجی از همدردی و حمایت از کارگران در فضای مجازی شکل گرفته است.

دولت نیز کمیته ویژه‌ای برای بررسی این حادثه تشکیل داده و از سوی دیگر رئیس قوه قضاییه دستور داده ابعاد این اتفاق بررسی و با مقصرین و خاطیان احتمالی برخورد شود.

اما بعد از این حادثه تلخ، رسانه‌ها و اکانت‌های وابسته به فرقه تروریستی رجوی، این اتفاق را به فرصتی برای عقده‌گشایی و تخریب انقلاب و کشور تبدیل کردند.

گروهی که طی سال‌های گذشته در حوادث تروریستی گوناگون در نقاط مختلف کشور هم‌چون سالگرد حاج قاسم در کرمان، رژه نیروهای مسلح در اهواز، حملات تروریستی در سیستان و بلوچستان و ... لهله کرده و از تروریست‌ها حمایت داشتند و یا تمام قد به دفاع از قاتلان مردم و شهدای حافظ امنیت در اغتشاشات سال ۱۴۰۱

پرداختند، حالا برای کارگران مظلوم، اشک تمساح ریخته و به حمایت از آنها صدا بلند کرده‌اند.

این ماجرای همدردی فرقه رجوی وقتی مضحک‌تر می‌شود که مریم رجوی سرکرده گروهک تروریستی منافقین هم طی پیامی با ابزار ناراحتی نمایشی برای کارگران معدن طبس، خود را حامی و مدافع حقوق کارگران معرفی می‌کند.

به یاد داریم در پرونده جنایات فرقه تروریستی رجوی، ترور کوردلانه بیش از ۱۲۰۰ کارگر ایرانی بی‌گناه به ثبت رسیده و کارگران مظلوم و نجیبی که بعد از پیروزی انقلاب در گوشه و کنار برای خدمت‌رسانی به کشور و مردم مشغول فعالیت بودند و حتی بسیاری با آغاز دفاع مقدس برای دفاع از اسلام، خاک کشور و مردم به‌صورت داوطلبانه عازم مناطق جنگی شدند اما گروهک تروریستی برای نیل به اهداف خود اقدام به ترور بیش از ۱۲۰۰ نفر از این قشر زحمت‌کش کشور کرد.

حمایت فرقه رجوی که دست‌شان به خون صدها کارگر آغشته بوده و یا دیگر رسانه‌های ضدانقلاب که همواره حامی گروهک‌های تروریستی و قاتلان مردم بوده‌اند بسیار مضحک و در حقیقت یک بازی روانی برای تحریک کارگران و عموم مردم، ایجاد موج نارضایتی و هم‌چنین تخریب انقلاب و کشور است.

### دادگاه تهران، فرصتی بی‌نظیر برای شناساندن جنایتکاران در مجامع جهانی

سعید درودی  
کارشناس حقوق بین‌الملل

برگزاری دادگاه سرکردگان فرقه رجوی، فرصتی بی‌نظیر برای شناسایی و محاکمه این جنایتکاران در مجامع جهانی است.

فرقه رجوی، به عنوان یک گروهک تروریستی، نه تنها جان بسیاری از ایرانیان را گرفته، بلکه با اعمال تروریستی خود، خانواده‌های بسیاری را هم داغ‌دار کرده است. این گروه با خیانت به ملت و کشور، به منافع ملی آسیب رسانده و اطلاعات حساس را در اختیار دشمنان قرار داده‌اند.

آن‌ها با جرائم خشن خود، شخصیت‌های علمی، سیاسی و فرهنگی کشور را هدف قرار داده و به تضعیف امنیت ملی دامن زده‌اند.

ما به‌خوبی می‌دانیم که دشمنان از اطلاعاتی که مزدوران رجوی در اختیارشان قرار داده‌اند، علیه ملت ما بهره‌برداری کرده و ضررهای زیادی به کشور وارد کرده‌اند. بنابراین، برگزاری این دادگاه می‌تواند به شناسایی و محاکمه این جنایتکاران در سطح جهانی کمک کند و چهره واقعی آن‌ها را به جهانیان معرفی نماید.



برگزاری این دادگاه، نشان‌دهنده عزم راسخ جمهوری اسلامی در مقابله با تروریسم و احقاق حقوق قربانیان است. این اقدام، حداقل کاری بود که باید برای بازگرداندن عدالت و امنیت انجام می‌شد. بی‌تردید، محاکمه منافقین گامی مؤثر در راستای برقراری عدالت و حفظ امنیت ملی خواهد بود.



روایت قادر ارمان از تجربه خروج از فرقه رجوی و شروع زندگی دوباره

# باطل السحر

انجمن نجات مرکز آذربایجان غربی

السحر فرقه تروریستی رجوی است. خانواده معجزه می کند به همین دلیل رجوی همیشه از حضور خانواده های اعضای گرفتار در این فرقه در اطراف اردوگاه های خود چه در خاک عراق و اکنون آلبانی وحشت کرده و به شدیدترین وجه ممکن از نزدیک شدن آنان جلوگیری می کند.

لازم به توضیح است قادر ارمان در سال ۱۳۶۳ که برای داد و ستد از مهاباد به شهر رمادی رفته بود توسط مأمورین عراقی دستگیر و به زندان منتقل می شود. آقای ارمان طی مدت اسارتش در زندانهای عراق بارها توسط مأمورین عراقی مورد آزار و شکنجه قرار گرفت، بنحویکه دو پایش شکست و مدتها در بیمارستان بستری بود.

قادر ارمان علیرغم اینکه نامش در لیست صلیب سرخ جهانی به عنوان اسیر ثبت بود ولی توسط مخابرات (اطلاعات) عراق به مجاهدین خلق فروخته شد و عوامل مجاهدین خلق وی را به قرارگاه اشرف انتقال دادند و مانع از بازگشت وی به ایران بمدت ۳۵ سال شدند.

سال دوری از خانواده اش در تیرماه ۱۳۹۸ با فرار از آلبانی توانست با تمامی سختی ها خود را در ایران به خانواده اش برساند و دوران جدیدی از زندگی در کنار همسر و فرزند و نوه هایش را بگذراند.

قادر ارمان اکنون ۵ سال است که زندگی بدون فرقه رجوی را تجربه کرده و به بودن در کنار خانواده اش افتخار می کند.

وی می گوید: خانواده تنها چیزی است که به او علیرغم تمامی سختی های گذشته آرامش می دهد و ادامه زندگی را برایش میسر می سازد. امیدوارم بقیه اعضای که هم اکنون در فرقه رجوی گرفتارند به زودی زندگی در کنار خانواده هایشان را بار دیگر تجربه کنند. مسلماً کسانی که عمر را در فرقه رجوی سپری کرده اند مطمئناً قدر خانواده را بیش از هر زمان دیگری درک خواهند کرد چرا که خانواده تنها چیزی است که می تواند آرامش را مجدداً به وجود آنان برگرداند و تلخی های گذشته را برای آنان تحمل پذیر کند.

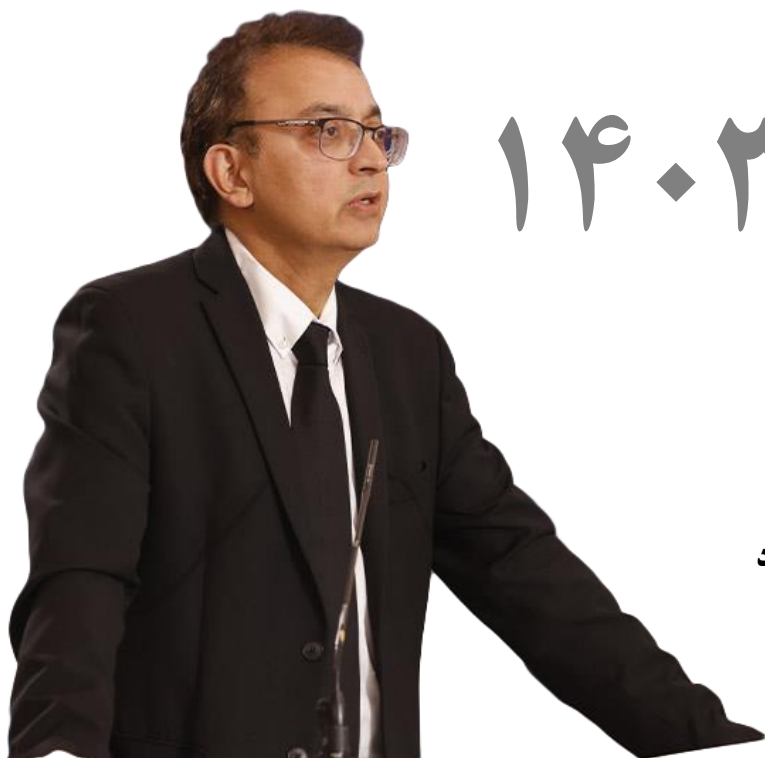
آری خانواده یک موهبت الهی و باطل

تجربه مشترک همه اعضای جدا شده از مجاهدین خلق نشان می دهد که خانواده بزرگترین دشمن رهبران فاسد و بدنام مجاهدین خلق و تنها مرهم دردهای اعضای جدا شده از این فرقه محسوب می شود.

به همین دلیل هیچ عضوی از مجاهدین خلق جرأت نمی کند از زندگی شخصی و خانواده اش در تشکیلات، حرفی به میان آورد و باید برای همیشه به خانواده اش به دیده دشمن نگریسته و عشق و علاقه به آنها را در دلش از بین ببرد تا به عنوان یک ابزار بتواند در راستای سیاست های ضد انسانی و ضد ایرانی فرقه رجوی بکار گرفته شود.

به همین دلیل هم پرتاب سنگ توسط اعضای مجاهدین خلق به سوی پدران و مادران سالخورده در قرارگاه اشرف در بعد از سقوط صدام حسین تنها می تواند در دستگاه ایدئولوژی رجوی توجیه شود.

قادر ارمان هم یکی از هزاران عضو جدا شده از فرقه رجوی است که توانست از چنگ فرقه رجوی رهایی یافته و پای در خاک میهن بگذارد. قادر ارمان بعد از ۳۵



# «رحمان» ۱۴۰۳

**سرعت جاوید رحمان گزارشگر سابق سازمان ملل  
در امور حقوق بشر ایران برای آشکارا فروافتادن  
در آغوش فرقه رجوی همه را شگفت زده کرد**

سرزنش‌ها از جهات مختلف به سمت رحمان روانه شد.

انتقادات و اعتراض‌ها به حضور رحمان در رویداد فرقه رجوی طیف گسترده‌ای از افراد، نهادها، گروه‌ها را در قالب موضوع‌های متنوعی به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی دربرمی‌گرفت.

گروهی از اعضای جدانشده از فرقه رجوی در نامه‌ای سرگشاده خطاب به جاوید رحمان، به او درباره سوءاستفاده ابزاری گروهک در زمینه حقوق بشر هشدار داده و درباره استفاده سیاسی سرکردگان این گروهک از رحمان هشدار دادند.

آن‌ها با تأکید بر اینکه گروهک تروریستی یک سازمان جنایت‌کار با ساختار مافیایی است که سابقه طولانی در نادیده گرفتن ابتدایی‌ترین اصول حقوق بشری دارد، اعلام کردند که اقدام رحمان با هیچ ادعایی قابل توجیه نیست.

جداشدگان از گروهک تروریستی فرقه رجوی همچنین فهرستی از جنایت‌های این گروهک را در نامه خود ارائه و برای شهادت درباره جنایت‌های فرقه رجوی اعلام آمادگی کردند.

بخشی از انتقادات به حضور رحمان در

جدیدترین به‌اصطلاح گزارشگر ویژه ماموریت خود را آغاز کرد، در این سمت به تهیه، تدوین و انتشار گزارش‌های خلاف واقع مشغول بود؛ گزارش‌هایی که رحمان با استفاده از بستر ساخته‌وپرداخته رسانه‌های معاند ایران اقدام به توضیح آن‌ها کرد.

یکی از اصلی‌ترین مشخصه‌های دوران کاری جاوید رحمان، ارتباط غیرقابل انکار او با فرقه تروریستی رجوی و تلاش برای تأمین منویات آن‌ها بود؛ رابطه غیرقابل انکاری که با حضور رحمان در نشست ۲۴ آگوست (۲ شهریور) فرقه رجوی اندک امکان تردید در این باره را نیز از بین برد.

سرعت رحمان برای آشکارا فروافتادن در آغوش فرقه رجوی به حدی زیادی بود که می‌توان از حضور او در رویداد فرقه رجوی فقط سه هفته پس از پایان ماموریت ادعایی در سازمان ملل، به‌عنوان حضور در مراسم تودיעی یاد کرد که کارفرمایانش برای او گرفته بودند.

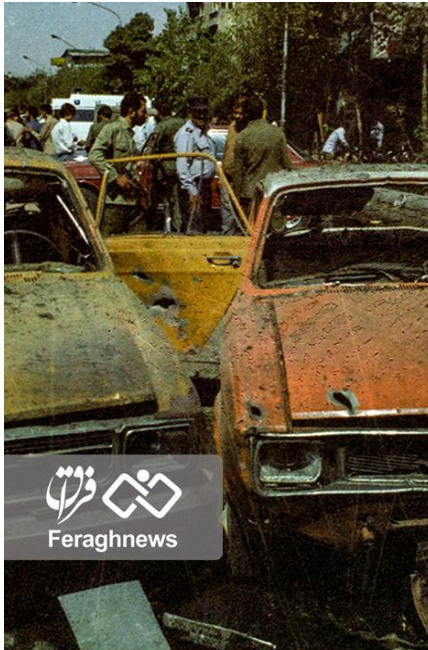
حضور رحمان در این رویداد که به‌زعم فرقه رجوی آغاز آشکارشدن یک رابطه دیرین و ریشه‌دار در بن‌وپی شورای حقوق بشر سازمان ملل بود، آن‌طور که مطلوب او و حامیانش بود، پیش نرفت؛ سیل انتقادات و

جاوید رحمان در پاسخ به انتقادات و اعتراض‌ها درباره حضور در نشست مریم رجوی، توجیه‌هایی را در قالب نامه توضیحی منتشر کرده که خود فرقه رجوی مسئولیت توزیع گسترده آن را برعهده داشتند.

به گزارش فراق، جاوید رحمان، گزارشگر ادعایی پیشین سازمان ملل در امور حقوق بشر در ایران به‌تازگی با انتشار نامه‌ای توضیحی درصدد برآمد حضور بحث‌برانگیز خود در نشست فرقه تروریستی رجوی را توجیه کند؛ اقدامی که موجی از انتقادات، سرزنش‌ها و اعتراض‌ها علیه او و تردیدها در اصالت ماموریت به‌اصطلاح گزارشگری ویژه سازمان ملل را در پی داشته است.

چرایی اقدام جاوید رحمان برای انتشار نامه‌ای توضیحی در چهار صفحه با ۲ صفحه پیوست فراخوان نشست فرقه تروریستی فرقه رجوی نیازمند در نظر داشتن مقدمه و توضیحاتی است.

جاوید رحمان، در ژوئن ۲۰۱۸ (خرداد ۱۳۹۷) از سوی رئیس شورای حقوق بشر سازمان ملل به‌عنوان ادعایی گزارشگر ویژه سازمان ملل در موضوع حقوق بشر ایران انتخاب شد و تا اول آگوست ۲۰۲۴ (۱۱ مرداد ۱۴۰۳)، زمانی که مای ساتو،



Feragnews



رویداد فرقه رجوی به موضوع دریافت پول بازمی‌گشت؛ منتقدان اعلام کردند که دلیل حضور جاوید رحمان در رویداد فرقه رجوی نتیجه پولی است که دریافت کرده تا اعتبار باقی‌مانده خود را خرج مشروعیت بخشیدن ادعایی به فرقه رجوی کند.

حتی برخی از اشخاص و گروه‌ها نیز با انتشار بیانیه‌هایی ضمن محکوم کردن حضور جاوید رحمان در نشست فرقه رجوی، از رحمان انتقاد کردند که بابت استفاده از کلمات مهممل و موهوم برای سرکرده فرقه فرقه رجوی، از قربانیان این گروهک تروریستی عذرخواهی کند.

این انتقاد و اعتراض تا جایی پیش رفت که رسانه لندنی بی‌بی‌سی گزارشی را با عنوان «حضور جنجال‌برانگیز گزارشگر ویژه سابق سازمان ملل در امور حقوق بشر در نشست مجاهدین» تهیه کرد.

با وجود همه تلاش‌های بی‌بی‌سی برای رفع اتهام از رحمان و به‌زعم خود رفع جنجال‌های متعاقب حضور او در نشست فرقه رجوی، پذیرش ادعای رحمان به‌عنوان کسی که در ساختار سازمان ملل حضور داشته و دست‌کم حداقل آشنایی با کشورها دارد، بسیار دشوار است. هیچ‌یک از گزارش‌ها و رپورتاژهای تهیه و منتشرشده در حمایت از رحمان و رفع اتهام از او نتوانستند بر انتقادات و اعتراض‌ها و گمانه‌زنی‌ها درباره دلایل حضور در نشست فرقه رجوی غلبه کنند، چراکه دلایل قانع‌کننده‌ای را ارائه نمی‌کردند.

در نهایت جاوید رحمان برای جلوگیری از مرگ حرفه‌ای خود ساخته خود اقدام به انتشار نامه‌ای توضیحی کرد؛ نامه‌ای سراسر از اتهام‌زنی به منتقدان و معترضان و البته تهدید به انجام اقدام قانونی!

به‌اصطلاح گزارشگر پیشین سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران برای اثبات ادعاهای خود فراخوان نشست فرقه رجوی را نیز ضمیمه نامه کرد؛ اما این پیوست پرسش دیگری را مطرح کرد: جاوید رحمان چرا به نامه‌ها، درخواست‌ها و گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری ایرانی و قربانیان ایرانی تروریسم هیچ‌گاه توجه نکرده و آن‌ها را در هیچ یک از گزارش‌های خود پیوست نکرد؟ آقای به‌اصطلاح گزارشگر چرا به موضوع‌های کاملاً مرتبط یا موضوع گزارش

خود که از سوی نهادها و سازوکارهای ایرانی در جریان گفت‌وگوی تعاملی در حاشیه پنجاه‌وپنجمین نشست شورای حقوق بشر مطرح شد، توجهی نکرد؟ چرا سخنان نماینده‌های انجمن چترا، انجمن دفاع از قربانیان ترور، بنیاد مستشهدین سیدالشهدا، جمعیت وکلای ایرانی مدافع حقوق بشر و موسسه صیانت از حقوق زنان برای رحمان انگیزه‌ای جهت بررسی و برقراری ارتباط نداشت؟

همان‌طور که انتظار می‌رفت وظیفه توزیع و انتشار گسترده به‌اصطلاح نامه توضیحی گروهک تروریستی فرقه رجوی و ترول‌های سایبری آن برعهده داشتند.

رحمان در مثلاً نامه توضیحی خود نه فقط حاضر به پذیرش اشتباه‌های خود نشده بلکه ضمن متهم کردن دیگران به ترجمه نادرست، گفته است که مسئولیت تفسیرها از اظهاراتش را به عهده نمی‌گیرد.

با وجود این، رحمان توضیحی درباره «دعوت سخاوتمندانه» سرکرده گروهک فرقه رجوی، عبارتی که در ابتدای سخنرانی خود در نشست استفاده کرد، نداد.

جاوید رحمان در مثلاً نامه توضیحی خود حتی پا را فراتر گذاشته و منتقدان و معترضان را تهدید به اقدام قانونی کرده است. همه این‌ها نشان می‌دهد که رحمان به

خوبی می‌داند که این توجیه‌ها کارساز نیستند و او اگر فردی مستقل و بی‌طرف و متعهد به اصول و معیارهای حقوق بشر بود، می‌بایست نظرات خود را در یک مصاحبه مطبوعاتی یا در جلسه‌ای عمومی بیان کند. خواندن به‌اصطلاح نامه توضیحی رحمان تصویری از دست‌وپا زدن فردی گرفتار در باتلاقی به‌شدت عمیق را نشان می‌دهد؛ به‌اصطلاح گزارشگر ویژه سازمان ملل تصور می‌کرد با سرعت دادن به حرکت در مسیر اسلاف خود می‌تواند به عوایدی برسد، اما آنچه نصیبش شد چاه بی‌آبویی و به صدا درآمدن طبل رسوایی بود.

به نظر می‌رسد علاوه بر جاوید رحمان که باید واقعیت پایان عمر حرفه‌ای خود را در نتیجه اقدام‌های غیر حرفه‌ای بپذیرد، مای ساتو، خلف او هم باید نگاه واقع‌بینانه‌ای به کارنامه پیشینان خود داشته باشد و حرفه و اعتبار خود را فدای حمایت از تروریست‌هایی مانند گروهک تروریستی آواره نکند.

اتفاق افتاده زنگ هشدار برای شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز است؛ سازوکاری که باید دقت و تعهد بیشتری برای انجام ماموریت خود داشته باشد؛ رسوایی و بی‌اعتباری در اطراف همه ماموریت‌های ظاهراً حقوق بشری، اما سیاسی شورای حقوق بشر پرسه می‌زند.



## واقعه غم‌انگیز ۷ تیر ۱۳۶۰ و ماجرای نفوذ



کلاهی فرزند و همسر افغانی خود را به دلیل این که هویتش فاش نشود از مشاهده رسانه های ایران منع کرده بود.

واقعه تروریستی هفتم تیرماه سال ۱۳۶۰، یکی از غم‌انگیزترین رویدادهای تاریخ انقلاب اسلامی است که در این اقدام، آیت الله دکتر بهشتی و ۷۲ نفر از اعضای حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند.

فرقه تروریستی رجوی که در همه جوانب، از سوی ملت طرد شده بودند، برای گرفتن انتقام، به ترور فرزندان و زعمای انقلاب اسلامی مردم ایران رو آورده بود.

در حزب جمهوری اسلامی «محمد رضا کلاهی»، عامل نفوذی منافقین در حزب جمهوری اسلامی بود، فردی با ظاهر و رفتاری حزب‌اللهی که توانست اعتمادها را به خود جلب کند.

عبدالله خلیلی که در زمان حادثه همکار بخش شناسایی حزب بود در جریان دادگاه محاکمه سرکردگان فرقه رجوی در ایران گفت:

«در رسیدگی به سوابق افراد در مورد نفراتی که در دفتر مرکزی کار نکردند به اسم کلاهی که رسیدیم همه اطلاعات به نوعی به بن بست ختم می‌شد و تا آنجایی که خاطر دارم تنها یک فرم تک برگی در پرونده داشت که حاوی مشخصات سجلی وی بود و اینکه دانشجوی دانشگاه علم و صنعت است. آن زمان کمیته‌ای در کشور به نام اطلاعات وجود نداشت اگر اطلاعات جمع شده بود این اتفاق رخ نمی‌داد. نبود مدیریت اطلاعات در آن زمان علت اصلی این حادثه بود. در آن زمان افرادی که مشغول کار می‌شدند به صرف معرفی دیگران بود و منافقین هم دقیق کار می‌کردند.»

محمد رضا کلاهی صمدی با نام مستعار «علی معتمد» بعدها از هلند، از کشورهای مدعی مبارزه با تروریسم! پناهندگی گرفت و در حالی که به عنوان برق کار در یک شرکت برق رسانی کار می‌کرد، ۲۴ آذر ۱۳۹۴ همانجا به هلاکت رسید.



## محور نجات از تشکیلات رجوی آگاهی است

علی زمانی

عضو نجات یافته از فرقه رجوی ساکن آلبانی

محور آزادی از تشکیلات رجوی آگاهی است، وقتی آگاهی به رشد کاملش رسید فرد رها شده و به تحقق سرنوشت خویش نائل می‌گردد.

افسوس که ۲۰ سال از عمرم را به خاطر عدم آگاهی در این تشکیلات گذراندم. در تشکیلات رجوی نه آزادی وجود دارد نه آگاهی و نه عشق، رها کردن پوستگی‌های ایدئولوژیک رجوی در واقع رهایی از هر نوع بردگی و وابستگی تشکیلات رجوی است. محور آزادی از تشکیلات رجوی آگاهی است، وقتی آگاهی به رشد کاملش رسید فرد رها شده و به تحقق سرنوشت خویش نائل می‌گردد. اما رجوی مانع آگاهی افراد تشکیلاتش می‌شود. رجوی ترفندهای بسیاری به کار می‌گیرد تا اعضای تشکیلاتش در اشرف ۳ از هیچ چیزی آگاه نشوند. رجوی حتی از یک تماس چند دقیقه ای با خانواده‌ها و یا حتی از عواطف خانوادگی در وحشت به سر می‌برد.

من در بدو ورود به اشرف ۱ در عراق یک رادیو داشتم که همیشه همراهم بود. خیلی علاقمند به گوش کردن موسیقی از آن رادیو بودم. وقتی وارد کیوسک نگهبانی درب اشرف ۱ شدم رادیو را از من گرفتند و گفتند که به تو پس خواهیم داد اما دیگر من رنگ رادیو رو ندیدم. آن موقع موبایل نبود من هم دلم خوش بودم به یک رادیو. یک روز به مسئولم

عزت ماسوری گفتم پس این رادیو ما چه شد و او با پوزخندی گفت رادیو برای چه می‌خواهی هر خبری که می‌خواهی بدانی در بولتن روی دیوار سالن نوشته شده. بولتنی را می‌گفت که همش دروغ و اراجیف بود.

یا اینکه افراد را می‌پرند برای بیگاری‌های وقت پر کنی مثلاً چند بلوک شکسته که ملات سیمان به آن چسبیده بود جلویت می‌ریختند که ملاتپایش را بتراشی! یا کلاس‌های تاریخچه سازمان که افراد مشغول باشند و اراجیفی بیش نبود. اینها فقط نمونه‌های کوچکی بود از مانع تراشی آگاهی افراد داخل اشرف.

حالا که دیگر تجارب مغزشویی هایشان بالا رفته و نهاد انقلاب ایدئولوژیک درست کردند و نشست‌های پشت سر هم می‌گذارند.

نشست‌های ایدئولوژیک لحظه به لحظه به افراد تحمیل می‌شود که مانع فکر کردن آنها شود و همه اش تکرار است و دروغ است که همواره به خورد اعضا می‌دهند و اعضای نگون‌یخت هم مجبورند در نشست‌ها شرکت کنند و اراجیف را گوش کنند. اصولاً همه اخبار در تشکیلات رجوی وارونه جلوه داده می‌شود. رجوی حتی از یک تماس ساده خانوادگی و یک لحظه عاطفی خانوادگی در وحشت به سر می‌برد. اخبارشان را همچنین در نمایش سیمایشان دیده‌اید که چقدر مضحک و خنده‌دار است که دو سه نفر به عنوان کانون‌های شورشی پا به زمین می‌کوبند. من نمی‌دانم افرادی که در اشرف ۳ هستند مضحک بودن این تصاویر سیما را نمی‌بینند یا خودشان را به آن راه می‌زنند.

نقش خانواده در انحراف کودکان و نوجوانان

## چرا اسیر مجاهدین شدم؟

م. مرتضایی

بود. به خاطر دارم که از اهالی غرب کشور و ایلام، تعداد زیادی نیرو به کمپ قاچاق می‌شد و تعدادی از آن‌ها برای امور تروریستی داخل اختصاص می‌یافتند. رجوی برای به دست آوردن نیرو در این مناطق تلاش مذبحانه‌ای می‌کرد و به هر نیرنگی دست می‌زد. فرانک شاه کرمی، تنها عضو تشکیلاتی قدیم بود و به واسطه او، حدود ۱۷ تن از این خانواده و طایفه در فاصله کمی به اشرف قاچاق شدند.

در مرحله اول، چهار کودک و نوجوان یک خانواده به کمپ اشرف آورده شدند و آن کودکان را تحویل دادند (مسعود، فرید، نسیم و فروغ شاهکرمی بین سنین ۱۲ تا ۱۴ ساله). در مرحله بعدی، به خانواده دیگری یورش بردند. سیروش شاه کرمی (پدر)، همراه با همسر طوبی، دو دختر، دو پسر، داماد (بهرام) و نوه! و چند تن دیگر از بستگان (زهرا، وحیده، معصومه، حامد، خالد، سعیده، بهرام و هستی شاه کرمی، نوه ۷ ساله) به اشرف قاچاق شدند. (برخی از نامبردگان فوق بعدها جدا شدند).

حالا من که در دهه پنجاه زندگیم هستم، اغلب برای اتفاقات ساده بارها فکر می‌کنم و یا مشورت می‌کنم. با خود می‌اندیشم پس چه شد که در ۱۲ سالگی جذب فرقه رجوی شدم؟ آیا افراد فوق، یعنی هستی ۷ ساله و مسعود ۱۲ ساله، نسیم و حامد که هنگام بردن به کمپ زیر سن قانونی بودند، خودشان بدون کمک پدر و مادر برای زندگی آینده‌شان تصمیم گرفتند؟ بدون شک، نقش خانواده، اطرافیان، مطالعه و تحقیق در زندگی انسان‌ها مهم خواهد بود. ضمن تکریم و ارج نهادن به فعالیت‌ها و یادآوری رنج‌هایی که خانواده‌های عزیز از دست فرقه ظالم رجوی می‌کشند، از سایر خانواده‌ها و هموطنان عزیزم می‌خواهم که نوجوانان و جوانان خود را دریابند. توصیه من به خانواده‌ها این است که همواره نگران کودکان و نوجوانان خود باشند تا زمانی که بتوانند به درستی برای زندگی خویش تصمیم بگیرند.



روزها دور کردند. صبح‌ها میترا را با ماشین به درب مدرسه می‌رساندند و بعد از ظهر هم قبل از همه او را می‌بردند و سپس هم کلا مدرسه‌اش را تغییر دادند. اما من و رویا به زودی کارمان به زندان و بازداشت کشید. پس از مدتی، هر دو نیز به فاصله کمی آزاد شدیم و این بار نوبت خانواده رویا بود که مانع شوند او دیگر به سمت فعالیت‌های مخرب و اغتشاشات نرود. اما من؟ ظاهراً بی‌تجربه‌تر، آزادتر و بی‌مانع بودم و با ارتباط سرپل‌های فرقه با برادرم، متأسفانه به عراق و کمپ اشرف رفتم. زمانی به خودم آمدم و ماهیت فرقه را شناختم که متوجه شدم سال‌ها عمر و جوانی‌ام را از دست دادم. فکر می‌کردم به خاطر آزادی و وطن آنجا هستم، اما متأسفانه در خدمت گروهی وطن‌فروش و مستبد بودم. به گذشته برمی‌گردم؛ در دهه هشتاد در عراق مسئولیت پرونده‌های پرسنلی فرقه را به عهده داشتیم. کاری که به واسطه آن، در جریان بیوگرافی چگونگی آشنایی و پیوستن نیروها قرار می‌گرفتم. روزهایی که به سختی می‌گذشتند و هر روز بیشتر به جنایات فرقه پی می‌بردیم. اواخر دهه هفتاد و هشتاد، اوج فعالیت بخش داخلی سازمان برای جذب نیرو

بعد از فرار از فرقه رجوی، فرصت‌هایی پیش می‌آمد و به این فکر می‌کردم که چه شد؟ چرا اسیر مجاهدین شدم؟ کجای زندگیم را اشتباه کرده بودم؟ در اوایل، هنگامی که با این سوال مواجه می‌شدم، پاسخی نداشتم.

بارها به این موضوع فکر کردم. حالا در کنار پذیرفتن مسئولیت تصمیمات و تمام خطاها و اشتباهاتم، نمی‌توانم تأثیر فضای زندگی و خانواده را نادیده بگیرم. با تمام احترامی که به همه خانواده‌های عزیز دارم، به تجربه و با تحقیق در روش‌های جذب فرقه‌ها، حال می‌دانم که عوامل متعددی در انتخاب مسیر برای نوجوانان و جوانان در زندگی آینده‌شان تأثیرگذار خواهد بود و خانواده مسئولیت سنگینی در قبال این نوع اتفاقات دارد.

زمانی که برای اولین بار در فضای سیاسی بعد از انقلاب و بازار گرمی گروه‌ها با مجاهدین آشنا شدم، در مقطع راهنمایی با دو دوست دیگرم، میترا و رویا، بودم. در همان اوایل، به محض شروع هواداری، متوجه غیبت میترا شدیم. او هرگز وارد فعالیت جدی نشد و خانواده‌اش به سرعت او را از هیاهوی آن



به بهانه سالگرد حمله رژیم بعث به ایران

## وجوه مشترک صدام حسین و مسعود رجوی

انجمن نجات مرکز فارس

وطن جنگید. این همکاری ها هم در حوزه اطلاعاتی و هم عملیاتی بود. مجاهدین خلق سلاح های صدام را در دست می گرفتند و به خلق ایران شلیک می کردند.

افرادی از سازمان مجاهدین خلق که در عملیات جنگی شرکت می کردند علاوه بر آموزشهای نظامی تحت مغزشویی برای ترور و کشتن افراد بی گناه قرار گرفته بودند بنابراین این در هنگام عملیات برایشان فرق نمی کرد که در مقابل آنان چه کسی قرار گرفته است.

استراتژی خشونت طلبانه مسعود رجوی باعث شد که تعداد زیادی قربانی شوند استراتژی صدام هم خشونت طلبانه بود صدام از بزرگترین جنایتکاران تاریخ بود و از قربانی کردن هیچکس ابایی نداشت حتی اعضای خانواده خودش و در جهت قدرت طلبی و برتری جویی هر عملی انجام می داد که یکی دیگر از نقاط مشترک صدام و رجوی بود.

برای حمله و عملیات بر علیه ایران، صدام و مجاهدین خلق مشوق یکدیگر بودند. سازمان مجاهدین خلق که پیاده نظام صدام بود در هشت سال جنگ تحمیلی همان زمانی که ایران درحال دفاع از خودش بود علاوه بر کمک به صدام در مرزها، در داخل کشور با ترور و ارباب مردم، فضای داخل کشور را ملتهب می کرد و بدین وسیله به دشمن کشورش کمک می کرد و این اعمال به نفع صدام بود. رجوی از جنگ استفاده ابزاری می کرد از جنگ نان می خورد و جنگ برای رجوی منفعت داشت و دوست نداشت جنگ تمام شود. با اتمام جنگ و نیز با اتمام سلطه صدام بر عراق وقتی رجوی مجبور شد خاک عراق را ترک کند ادامه فعالیتهای تروریستی اش بر علیه ملت ایران در آلبانی ادامه می دهد و هر روز بیش از پیش مورد نفرت نه تنها ملت ایران که هر انسان آزاده ای قرار می گیرد. همکاری با دشمن متجاوز به میهن هیچ کجای دنیا قابل قبول نیست و در همه جای جهان خیانت محسوب می شود و سزای خیانت به میهن همانا در به دری و آوارگی است.



سریع قدرت، نقطه مشترک صدام و رجوی بود و همانطور که همه می دانیم در عملیات مرصاد رجوی در پی رسیدن به تهران در سه روز بود. صدام هم در زمانی به ایران حمله کرد که هنوز، مسائل و آشفتگی های مربوط به تغییر حکومت حل نشده بود و انقلابی که تازه پیروز شده بود هنوز به انسجام کامل نرسیده بود. صدام هم با خام خیالی گمان می کرد فرصت خوبیست تا سه روزه تهران را فتح کند.

صدام حسین سازمان مجاهدین خلق را در کشورش پذیرفت تا برای پیشبرد اهداف خودش که همانا شکست ایران در جنگ بود از این سازمان استفاده کند. وجود اهداف مشترک رجوی و صدام که دشمنی با ایران بود باعث نزدیکی این دو به هم شد و صدام کاملا سازمان مجاهدین خلق و رجوی را در خدمت خود گرفته بود و از آن استفاده می کرد.

صدام کمکهای مالی زیادی به سازمان مجاهدین خلق می کرد که در حقیقت کمک به خودش بود. میلیونها دلاری که از پول نفت عراق به حساب سازمان مجاهدین خلق ریخته می شد باعث می شد که رجوی هم به صاحبخانه اش ادای دین کند. سازمان مجاهدین خلق در بسیاری از عملیات ها، دوش به دوش نیروهای بعثی بر علیه سربازان

در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران سازمان مجاهدین خلق که در پی سهم خواهی از انقلاب بود، برای کسب قدرت ترندهای زیادی را به کار بست. از زد و بندهای حزبی و گروهی گرفته تا اقدامات خرابکارانه و تروریستی.

در این راستا آنها بعد از مدتی با بنی صدر هم پیمان شدند. این اتحاد برای بنی صدر که در درون حاکمیت تشکیلات منسجمی نداشت، مفید بود. برای مجاهدین خلق نیز بنی صدر ابزاری بود که راه را برای پیشبرد اهداف و اغراض آنان هموار می کرد. رجوی و بنی صدر در کنار هم توطئه های زیادی را ترتیب دادند، اما در نهایت راه به جایی نبردند و مجبور به فرار از کشور شدند و به فرانسه رفتند و در این کشور فعالیتهای سیاسی و تروریستی خود را ادامه دادند.

بعد از اینکه فرانسه مجاهدین خلق را پس زد، مقر این سازمان از فرانسه به عراق منتقل شد و صدام حسین سازمان مجاهدین خلق را پذیرفت و سازمان مجاهدین در پادگان اشرف جای گرفت. این زمانی بود که صدام به تشویق غرب به ایران حمله نظامی کرد و ایران در جنگ تحمیلی با عراق بود. صدام حسین خود را سردار قادسیه معرفی کرده بود و بر این باور بود که در کمترین زمان ایران را به تصرف در خواهد آورد. کسب

## مسئول بنیاد هابیلیان مطرح کرد

فرقه رجوی پشت نقاب حقوق بشر  
به فعالیت‌های مخرب خود ادامه می‌دهد

هیچ گروه دیگری مانند سازمان مجاهدین خلق نتوانسته است به رده‌های بالای تشکیلاتی کشور نفوذ کرده و به منابع مهم دسترسی پیدا کند تا مقامات عالی‌رتبه کشور را ترور کند.

او با ذکر نام تقی شهرام، یکی از اعضای برجسته سازمان، به تحولاتی که در سال ۱۳۵۴ در درون این سازمان رخ داد اشاره کرد و گفت: شهرام نخستین کسی بود که چهره واقعی نفاق سازمان را افشا کرد.

وی بیان کرد: منافقین در فاصله زمانی کوتاهی پس از منصوب شدن آیت‌الله منتظری به قائم‌مقامی رهبری تا عزل وی توسط امام خمینی، توانستند به طور گسترده‌ای در افکار و تصمیم‌گیری‌های برخی از رهبران انقلاب اسلامی نفوذ کنند. این نفوذ نه تنها در عرصه نظامی، بلکه در سطح فکری و سیاسی نیز به وضوح مشاهده می‌شد.

وی با اشاره به گزارش‌های بین‌المللی متعدد درباره سازمان مجاهدین خلق که از سوی نهادهایی مانند وزارت خارجه آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان‌های حقوق بشری منتشر شده است، بیان کرد: این گزارش‌ها به‌طور مفصل به نقش این سازمان در ترور رهبران انقلاب اسلامی و هزاران نفر از مردم بی‌گناه ایران پرداخته‌اند.

مسئول بنیاد هابیلیان گفت: رهبران

مسئول بنیاد هابیلیان گفت: منافقین در پشت نقاب حقوق بشر و دموکراسی، به فعالیت‌های مخرب خود ادامه می‌دهد و این موضوع باید به‌عنوان یک تهدید جدی برای امنیت و استقلال کشور ما مورد توجه قرار گیرد.

به گزارش فراق، سید محمد جواد هاشمی نژاد در دوره بسیج اساتید در مشهد، به خطرات سازمان مجاهدین خلق اشاره کرد و ادامه داد: منافقین از ابتدا با ایده‌های مارکسیستی و اسلامی به‌صورت یک مخلوط عجیب فعالیت می‌کردند. آن‌ها در سال ۱۳۵۱ به سلاح روی آوردند و عملیات‌های نظامی خود را آغاز کردند، اما به‌سرعت با دستگیری و اعدام رهبران اصلی این سازمان مواجه شدند. تنها مسعود رجوی به‌دلیل همکاری‌های نزدیک با ساواک و لو دادن سایر اعضای سازمان از اعدام نجات یافت و به حبس ابد محکوم شد.

## عمق نفوذ مجاهدین خلق

وی با اشاره به عمق نفوذ سازمان مجاهدین خلق در ساختارهای جمهوری اسلامی گفت: این گروه از ابتدای انقلاب تا سال ۱۳۹۰ توانسته است بیش از هفده هزار شهید را در اقدامات تروریستی خود به ثبت برساند.

مسئول بنیاد هابیلیان با اشاره به اینکه کشمیری و محمدرضا کلاهی دو تن از اعضای منافقین بودند، تصریح کرد:

■ سراب

## طلاق‌های فداکارانه

مسعود و مریم تردیدی نداشتند

که حائل ما «همسرانمان» بود!

«فداکاری» که اعضای سازمان ملزم به انجام آن بودند، توسط رهبری سازمان و در قالب یک سری انقلاب‌های ایدئولوژیک برشمرده شد.

رهبری سازمان از همه اعضا خواست برای افزایش توانایی مبارزه خود را از همه وابستگی‌های جسمی و روحی طلاق دهند. در این مرحله از انقلاب ایدئولوژیک افراد مزدوج ملزم شدند با طلاق دادن همسر خود به وابستگی‌های احساسی خود پایان دهند. مسعود بنی‌صدر توضیح می‌دهد که چگونه به دنبال شکست سازمان در ایران، این روند در طی جلسات ایدئولوژیک اعضای مرکزی و اجرائی اجرا شد:

اولین کاری که باید در بغداد انجام می‌دادم مشاهده نوار ویدئویی جلسه ایدئولوژیک "اعضای مرکزی و اجرائی" بود. این جلسه که "امام زمان" نام داشت با یک سوال ساده شروع می‌شد: "ما همه دستاوردها و هر چیزی که داشتیم را به چه کسی می‌دویم؟ ...همانگونه که من فکر می‌کردم مسعود رجوی ادعا نکرد که او امام زمان است؛ اما گفت که ما همه چیز خود را می‌دویم امام زمان هستیم.

هدف این بود که نشان داده شود اگر ما نیز با رهبر خود همانگونه که او با امام زمان و خدا یکی است، یکی شویم، می‌توانیم به تهران برسیم. او حاضر بود که هر چه که داشت در واقع یعنی همه ما را در راه خدا بدهد. رجوی با این ادعا که تنها در اندیشه اراده خدا بود، انتظار داشت که ما نتیجه بگیریم بین او و امام زمان هیچ حائل و واسطه‌ای وجود ندارد؛ اما بین ما و او [رجوی] حائلی وجود داشت که مانع می‌شد وی را به وضوح ببینیم. این حائل "ضعف" ما بود. اگر ما آن را می‌پذیرفتیم، می‌توانستیم ببینیم چرا و چگونه در مواردی نظیر "عملیات فروغ" شکست خوردیم.

مسعود و مریم تردیدی نداشتند که حائل ما "همسرانمان" بود!

□ خاطرات یک شورشی ایرانی، ص ۳۰۷

دارند. این سازمان با پنجاه سال سابقه جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات از داخل ایران، یک نهاد اطلاعاتی است و نه یک گروه سیاسی.

هاشمی‌نژاد به گزارش‌های موجود درباره ترور دانشمندان هسته‌ای ایران اشاره کرد و گفت: «این ترورها توسط سه ضلع موساد، سازمان سیا، و سازمان مجاهدین خلق انجام شده است. اطلاعات مربوط به این ترورها و نقش سازمان مجاهدین در این اقدامات، در سایت‌های اینترنتی آنها پیش از وقوع ترورها منتشر شده بود.»

### تغییر رویکرد سازمان مجاهدین

او همچنین به تغییر رویکرد سازمان مجاهدین خلق پس از سال ۲۰۰۳ اشاره کرد و هشدار داد که این سازمان، پس از کنار گذاشتن سلاح‌های خود، به ادعاهای حقوق بشری پرداخته است.

هاشمی‌نژاد تأکید کرد: این تغییر چهره، بسیار خطرناک‌تر از گذشته است، زیرا سازمانی که در گذشته به‌عنوان یک گروه تروریستی شناخته می‌شد، اکنون به عنوان مدافع حقوق بشر و حقوق زنان در صحنه بین‌المللی ظاهر شده است.

او به تیزبینی رهبر انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت: «رهبر عزیز ما چند سال پیش به‌درستی فرمودند که نباید اجازه دهیم جای شهید و جلاذ عوض شود. ما شاهد بودیم که رهبر منافقین، که در ذهن مردم ایران به‌عنوان خائن به کشور شناخته می‌شد، به‌تدریج از صحنه حذف شد و فرد دیگری جایگزین او شد.»

رئیس بنیاد هابیلیان بیان کرد: این سازمان نه‌تنها به‌هیچ‌وجه از اهداف اصلی خود



دارند، اما در مقابل اقدامات این گروه ناتوان به نظر می‌رسند. هاشمی‌نژاد افزود: برای اولین بار به صورت قانونی با منافقین در حادثه ترویستی در سفارتخانه جمهوری اسلامی ایران رخ داد برخورد شد، تنها یک جریمه ۵۰ دلاری صادر شد، به‌رغم اینکه فیلمی از این حادثه موجود بود.

رئیس بنیاد هابیلیان بیان کرد: این در حالی بود که چندی پیش آقای حمید نوری در کشور سوئد دستگیر و محاکمه شد. محاکمه او بیش از ۹۰ جلسه طول کشید و در طول تمامی این جلسات، اعضای سازمان منافقین به‌صورت مستمر در جلوی دادگاه حضور داشتند. به گفته خودشان، حتی در سرمای ۲۰ درجه نیز اجازه ندادند فضای دادگاه به نحوی تغییر کند که کسی از طرف جمهوری اسلامی بتواند در آن حضور داشته باشد.

وی افزود: «دست این سازمان برای انجام هر تخلفی در کشورهای اروپایی باز است، چرا که آنها نقشی اساسی در ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران

سازمان مجاهدین خلق، از جمله مریم رجوی، پیش از اجرایی شدن تحریم‌های نفتی و بانکی علیه ایران، به طور مداوم در مجامع بین‌المللی این موضوعات را مطرح و پیگیری کرده‌اند.

### تغییر استراتژی

هاشمی‌نژاد همچنین به تغییر استراتژی منافقین در دهه‌های اخیر اشاره کرد و گفت: منافقین در دهه ۶۰، تصور این بود که با ترور رهبران انقلاب اسلامی و ایجاد وحشت در جامعه، می‌توان نظام را سرنگون کرد. اما امروز، حتی آمریکایی‌ها نیز به این نتیجه رسیده‌اند که اگر قرار است جمهوری اسلامی سقوط کند، این امر باید از درون کشور صورت گیرد و سازمان مجاهدین خلق به‌عنوان یکی از ارکان اصلی این تلاش‌ها مطرح است.

وی با اشاره به نقش منافقین در جنگ تحمیلی و همکاری آن‌ها با رژیم بعث عراق گفت که حضور این سازمان در کنار صدام، تأثیر قابل‌توجهی بر جبهه‌های جنگ داشت و وضعیت نبردها را تغییر داد.

مسئول بنیاد هابیلیان گفت: پس از سقوط رژیم صدام، آمریکا بسیاری از ساختارهای دولتی عراق را منحل کرد، اما سازمان مجاهدین خلق را به عنوان یکی از ابزارهای خود در منطقه حفظ کرد.

او در سخنانش، با تأکید بر خطرات این سازمان برای امنیت ملی ایران، یادآور شد که سازمان مجاهدین خلق همچنان به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی دشمنان جمهوری اسلامی برای ایجاد چالش در برابر انقلاب اسلامی عمل می‌کند.

فرزند شهید هاشمی‌نژاد، به نقش فعال منافقین در صحنه

سیاسی بین‌المللی، به ویژه در اروپا و آمریکا اشاره کرد و گفت: در سالگرد عملیات مسلحانه سازمان، منافقین هر ساله در پاریس میتینگ‌های مفصلی برگزار می‌کنند که از لحاظ امکانات و تعداد شرکت‌کنندگان، حتی دولت فرانسه هم نمی‌تواند مشابه آن را برگزار کند.

### تأثیر فرقه رجوی بر سیاستمداران خارجی

هاشمی‌نژاد به تأثیرگذاری منافقین بر سیاستمداران برجسته اروپایی و آمریکایی اشاره و تأکید کرد: این حمایت‌ها تنها به دلیل پول نیست، بلکه به خاطر نقش کلیدی این سازمان در پیشبرد اهداف ضدایرانی در سطح جهانی است.

وی به حملات سازمان‌یافته‌ای که منافقین در سال‌های گذشته به سفارتخانه‌های ایران در اروپا و استرالیا انجام داده‌اند، اشاره و بیان کرد: این حملات نشان‌دهنده قدرت و نفوذ این سازمان در کشورهای است که ادعای سیستم‌های امنیتی قوی



دست نکشیده بلکه به شدت به دنبال پیاده سازی اهداف جدیدی است که به طور کامل با منافع آمریکا هم خوانی دارد. آن‌ها ادعا می‌کنند که گذشته را پشت سر گذاشته و اکنون برای حقوق بشر، دموکراسی و ایران بدون سلاح هسته‌ای فعالیت می‌کنند. هاشمی‌نژاد افزود: اما حقیقت این است که این تغییر چهره تنها برای جلب حمایت‌های خارجی و به دست آوردن حمایت‌های مالی از آمریکا و دیگر کشورهاست. همان‌طور که مریم رجوی در یکی از نشست‌های خود در کنگره آمریکا موفق شد ۹۰ درصد اعضای کنگره را برای اعلام همبستگی به شرکت در آن میتینگ جذب کند. وی افزود: این خود نشان‌دهنده نفوذ و قدرتی است که این سازمان با

پشتوانه‌های مالی و سیاسی به دست آورده است. خطر اصلی اینجاست که این سازمان، در پشت نقاب حقوق بشر و دموکراسی، به فعالیت‌های مخرب خود ادامه می‌دهد و این موضوع باید به‌عنوان یک تهدید جدی برای امنیت و استقلال کشور ما مورد توجه قرار گیرد.

### استفاده فرقه رجوی از فضای مجازی برای اثرگذاری بر جامعه

رئیس بنیاد هابیلیان افزود: واقعیت این است که این سازمان با بهره‌گیری از ابزارهای جدید، به‌ویژه فضای مجازی، توانسته تأثیرات گسترده‌ای را بر روی افکار عمومی در داخل و خارج از کشور بگذارد.

وی در ادامه به موضوع اصلی تقابل با جمهوری اسلامی ایران که بحث حقوق بشر است، اشاره

کرد و افزود: «این سازمان و حامیانش با استفاده از بحث حقوق بشر تلاش می‌کنند تا ایران را در سطح بین‌المللی تحت فشار قرار دهند و این مسئله را به‌عنوان محور اصلی جنگ روانی خود انتخاب کرده‌اند.

فرزند شهید هاشمی‌نژاد، با اشاره به تلاش‌های اخیر برای بازنویسی تاریخ و تغییر تصویر عمومی سازمان منافقین، تأکید کرد: امروز، برخی تلاش می‌کنند تا جای شهید و جلااد را عوض کنند و این سازمان که در دهه ۶۰ مسئول کشتار و ترور مردم بی‌گناه ایران بود، اکنون به‌عنوان مدافع حقوق بشر و آزادی معرفی شود.

هاشمی‌نژاد گفت: این تغییر چهره، بخشی از یک راهبرد پیچیده و خطرناک است که

هدف اصلی آن تضعیف جمهوری اسلامی و ایجاد سردرگمی در میان نسل جدیدی است که هیچ اطلاعات دقیقی از جنایات این سازمان ندارند. وی هشدار داد: این تهدید نه تنها در سطح بین‌المللی، بلکه در داخل کشور نیز به‌عنوان یک چالش اساسی باید مورد توجه قرار گیرد. او از همه مسئولان و مردم خواست تا با آگاهی کامل از این تغییرات و تلاش‌ها برای تحریف تاریخ، به مقابله با این تهدیدات بپردازند و اجازه ندهند که دشمنان جمهوری اسلامی ایران به اهداف خود دست یابند. رئیس بنیاد هابیلیان گفت: متأسفانه در کشور ما هیچ محاکمه‌ای بر علیه منافقین صورت نگرفته و به تازگی توسط رئیس قوه قضائیه حجت الاسلام اژه‌ای در حال پیگیری است.

### آلبانی



برادر عزیزم یحیی جان سلام. آرزوی سلامتی برایت دارم. عزیز دل خواهر هر روز که می گذرد بیشتر دلتنگت می شوم و درغم فراق تنها بردارم افسرده می شوم. من خواهرت ناهید در ناامیدی از دیدار و درآغوش گرفتن برادر روز و شب در اینترنت جستجو و سرچ می کنم که شاید تصویری از تو پیدا کنم. باور کن اینقدر قیافه برادرم برایم رویایی شده و از بس تشکیلات مخوف این دیدار را به تاخیر انداخته که برای شناسایی تو از دیگران کمک می گیرم و چهره ات برایم غیر قابل شناسایی شده است. انجمن نجات مرکز کرمانشاه

### علیرضا خزایی به برادرش محمد رضا خزایی: برادر خوبم با مادر تماس بگیر و دلش را شاد کن



برادرم هر بار که به دیدار مادر می روم او می گوید که چرا محمد رضا تماس نمی گیری؟! او مگر کجا زندگی می کند؟ در کجا گرفتار شده که نمی تواند خودش انتخابی داشته باشد؟! من چندین بار برای دیدار با تو به اشرف آدمم ولی هر بار به بهانه ای اجازه ملاقات به من ندادند و با زدن سنگ و دادن فحش و ناسزا ماهیت خودشان را نشان دادند. برادر خوبم چرا رجوی از ملاقات و تماس تلفنی ترس دارد؟ مگر نمی گوید که خانواده های اعضا در ایران هوادار ما هستند پس چرا اجازه نمی دهد تماسی صورت گیرد؟ محمد رضا جان سران سازمان مدعی آزادی برای مردم ایران هستند ولی چرا به شما اجازه نمی دهند با خانواده خودت تماس داشته باشید؟ آیا این حرف آنان نشان از اوج دروغگویی نیست؟ برادر خوبم باور کن سران سازمان فقط به فکر زندگی خودشان هستند و هیچ وقت برای نیروهای خود ارزشی قائل نیستند.

درخواست مادر ثریا عبداللهی از گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور ایران

### تمام ظرفیت خود را برای وادار کردن مجاهدین خلق جهت ارتباط با فرزندانمان به کار گیرید

مادر ثریا عبداللهی در پیامی از گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور ایران خواست تا از همه ظرفیت‌های خود برای وادار کردن مجاهدین خلق جهت برقراری ارتباط بین مادران و فرزندانمان استفاده نماید.

### نامه مجتبی حسینی به عمویش سید محمد حسینی در مقر آلبانی

مجتبی حسینی برادرزاده سید محمد حسینی: عمو جان سلام. وقتی به عکست نگاه می کنم بیشتر نگران می شوم. ای کاش پیش ما بودی و شما را مداوا می کردیم. عمو عزیزم از وضعیت شما در کمپ آلبانی بی خبریم و نمی دانیم به شما رسیدگی می کنند یا خیر؟ واقعاً وقتی همسر و فرزندان در کنار شما نیستند زندگی برای تان معنی و مفهوم دارد؟ از زندگی لذت می برید؟

### برای برادرزاده هایم آذر و مراد کریم پور

محمد رضا کریم پور: آذر و مراد عزیزم. من محمد رضا کریم پور عمویتان هستم. از شما درخواست دارم هر طور شده با من تماس بگیرید. شما بهتر می دانید من چگونه شما را بزرگ کردم. شما در ایران کار داشتید ولی فریب عده ای را خوردید که خودشان عامل مرگ تعدادی از اعضای فریب خورده شدند. واقعاً طی این سال ها به چیزی دست پیدا کردید؟ انجمن نجات مرکز مازندران

### پیام محمد جمالی به عمویش جهانگیر جمالی از اسیران رجوی



عموجان سلام امیدوارم که سالم و تندرست باشید و در اسرع وقت با بنده تماس بگیرید.

عمو جان چهار دهه است که از تو خبری نداریم و در این فاصله اتفاقات زیادی برایمان افتاده است. از جمله از دست دادن چندین نفر از عزیزانمان که پیشتر طی نامه هایی به اطلاع شما رسانده ام که متأسفانه پاسخی از شما دریافت نکردم. انجمن نجات مرکز گیلان

### نامه ناهید مرادپور برای برادرش یحیی مرادپور اسیر در مقر

صدور دستور شناسایی و توقیف اموال سرکردگان فرقه رجوی توسط قاضی دادگاه

## وظیفه ذاتی سازمان ملل مبارزه با تروریسم است

قاضی دهقانی رئیس دادگاه رسیدگی به اتهامات سرکردگان فرقه رجوی، دستور شناسایی و توقیف اموال مرتبط با متهمان این پرونده را در راستای ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری صادر و اعلام کرد اموال متهمان توقیف شود.

طبق مقدمه قطعنامه ۱۶۱۷ سال ۲۰۰۵، تمامی اعضای سازمان ملل متحد ملزم هستند به طور کلی الزامات مندرج در قطعنامه ۱۳۷۳ را انجام دهند و منابع مالی گروه‌های تروریستی و گروه‌هایی که وضعیت نامشروع بین المللی را در دنیا رقم می‌زنند، محدود و ردیابی کنند؛ قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران امروز با قوانین حقوقی صلاحیت رسیدگی به اتهامات دایر بر اقدامات تروریستی از جمله هواپیماربایی، کودک سوزی، کشتن زنان، کودکان و غیرنظامیان و مردم عادی با انفجارهای مختلف و وحشت انداختن مردم را رسیدگی می‌کند.

آنچه که قطعنامه‌های نام‌برده حتی برای دبیر کل سازمان ملل الزام ایجاد می‌کند این است که ناظرین و گزارشگران آن‌ها از گروه‌هایی که متهم به اقدامات تروریستی هستند دوری کنند تا زمانی که دادگاه‌های صالح به جرایم آن‌ها رسیدگی کرده و در صورتی که از اتهامات برائت یافتند در میان آن‌ها حاضر شوند. از سوی ملت ایران و به عنوان رئیس دادگاه نصیحتی را به دبیر کل سازمان ملل بیان می‌کنم؛ به گونه‌ای نباشد که دوره شما دوره‌ای باشد که برخلاف قطعنامه نام‌برده، اعضای وابسته به سازمان ملل بیشترین نزدیکی را با کسانی که متهم به وضعیت نامشروع بین‌المللی تلقی می‌شوند، داشته باشند و وجدان آگاه ملت‌ها به ویژه ملت ایران از دوره شما، به عنوان دوره تاریک یاد کنند. همانطور که همه می‌دانیم تروریست‌ها دشمنان ملت محسوب می‌شوند و وظیفه ذاتی سازمان ملل و دبیر کل آن مقابله با مرتکبین چنین اقداماتی و همراهی با دولت‌های پیشگام در مبارزه با تروریسم است.



[www.feraghnews.ir](http://www.feraghnews.ir)

فعال ترین و پرمخاطب ترین گروه رسانه‌ای در حوزه افشاگری از سیمای نفاق